

«ایران» کارنامه دولت «وفاق ملی» در دو جنگ تحمیلی را بررسی می کند

دولت دفاع ملی

گزارش

مرتضی گل پور

معاون سردبیر

عطف به این حقیقت که دولت چهاردهم دو جنگ تحمیلی تمام‌عیار نظامی و دو جنگ تحمیلی تمام‌عیار اقتصادی را پشت سر گذاشت، حالا می‌توان ادعا کرد دولت «وفاق ملی» واجد صفت دیگری هم شده است: «دولت دفاع ملی». محمدرضا عارف گفت پس از آنکه در شب تحلیف مسعود پزنشکیان میهمان رسمی ایران در تهران ترور شد، دولت نوپای چهاردهم اصل را برابری الزامات «شرایط جنگی» تدوین کند. ۱۱ ماه بعد از ترور شهید هنبه، این «شرایط جنگی» به ۱۲ روز جنگ تمام‌عیار منتهی شد. آتش‌بس این جنگ ۱۲ روزه، ۹ ماه بعد به ۴۰ روز جنگ تمام‌عیار دیگر اعمال «اسنپ‌پک» پس از جنگ ۱۲ روزه و اعمال محاصره دریایی پس از جنگ ۴۰ روزه، عملاً دو جنگ اقتصادی تمام‌عیار هم به کشور تحمیل شد، عبارت وستی «دولت دفاع ملی» نه تنها اغراق نیست، بلکه برای توصیف وضعیتی که دولت چهاردهم پشت سر گذاشت شاید ناکافی هم باشد.

جنگ، ادامه اراده سیاسی است

نخستین بار «فون کلاروویتز» استراتژیست نظامی قرون هجدهمی آلمان رابطه سیاست و جنگ را تشریح کرد. کلاروویتز گفت «جنگ کنش مثبت بر زور» و «هدف آن مجبور کردن دشمن به پذیرش اراده ما است.» منظور کلاروویتز این است که در دوره مدرن باید کارها را در نسبت با واحدهای سیاسی دولت-ملت‌ها فهم کرد. کلاروویتز معتقد است جنگ‌ها وقتی آغاز می‌شوند که دولت‌ها نتوانسته باشند از راه‌هایی چون دیپلماتیک و مذاکره یا فشارهای سیاسی و اقتصادی اختلافات را حل یا اراده خود را بر اراده طرف مقابل غلبه دهند. در این شرایط جنگ آغاز می‌شود تا زور محض و نیروی خشونت‌گران، توان دفاع و ایستادگی طرف مقابل را نابود کند،

اراده سیاسی شی درهم شکسته شود و راه برای اعمال اراده در طرف مقابل و تحقق خواست‌ها هموار شود. مطابق این دیدگاه، «جنگ نظامی» و مواجهه مبتنی برزور «مرحله نهایی» یک جنگ سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی است که فرآیندزور و طولانی‌تر است. از همین جا ایده مشهور «جنگ، ادامه سیاست است»(راده شد، براین اساس، جنگ چهل روزه‌ای که آمریکا از ۹ اسفند ۱۴۰۴ است)راده شد. براین اساس، جنگ چهل روزه‌ای که آمریکا از ۹ اسفند ۱۴۰۴ بر ایران تحمیل کرد را می‌بایست مرحله پایانی نبرد سیاسی، اقتصادی، و روانی و اطلاعاتی طولانی تر دولت آمریکا با ایران تلقی کرد.

دولت چهاردهم زمانی کار خود را آغاز کرد که نبرد طولانی سیاسی اقتصادی عملاً وارد فاز تجاوز عریان نظامی شده بود. ترور شهید «اسماعیل حنبه» رئیس فقید دفتر سیاسی جنبش‌های حماس در شب تحلیف مسعود پزنشکیان به معنی تشدید فاز عملیاتی این نبرد و آغاز یا نزدیک‌تر شدن به مرحله تجاوز نظامی بود. این واقعیتی نبود که در مسعود پزنشکیان و کابینه چهاردهم پوشیده باشد. محمدرضا عارف گفت «از ماه‌های اول آغاز به کار دولت، جمع‌بندی شد که کشور عملاً در وضعیت جنگی است و بنا بود این مسئله) به مردم منتقل نشود. برای همین در تصمیم‌های بهترین شرایط برای مردم، و بدترین شرایط برای دولت لحاظ شد، زیرا اولین روز فعالیت دولت با ترور شهید هنبه همراه شد، لذا با کمک تیم اقتصادی دولت و کارشناسان خیره، برنامه اقتصادی زمان جنگ را نوشتمیم که این برنامه در جنگ ۱۲ روزه ملاک تصمیمات قرار گرفت.»

درست است که طبق گفته عارف، دولت از هفته‌های اول فعالیت خود برنامه‌های اقتصادی، اداری و لجستیک خود را برای اداره کشور در شرایط عینی جنگ تدوین کرد و برای روز میاد آماده شد، اما تا فرارسیدن روز میادای دست‌درازی جنون‌آمیز دشمن به خاک پاک میهن در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، دولت درگیر یک جنگ نفس‌گیردیگر در حوزه‌های سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی بود.

۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ مصادف با دوم بهمن ماه ۱۴۰۳ که دونالد ترامپ برای بار دوم سوگند ریاست جمهوری را ایراد کرد، هنوز ۵ روز مانده بود تا دولت مسعود پزنشکیان ۵ ماهگی فعالیت خود را به پایان ببرد. دولت چهاردهم کار خود را در

۷ مرداد ۱۴۰۳ آغاز کرد و ۵ ماه بعد دولت جنگ افروز و احیاگر استعمار نوین ترامپ از راه رسید. تفاوت دولت اول با دولت دوم ترامپ در این بود که در دوره دوم دیگر قرار نبود در انتخابات دیگری حضور یابد، پس در ۴ سال به رأی مردم آمریکا می‌بازی نداشت و می‌توانست با خیال راحت همه وعده‌های انتخاباتی خود مانند پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان آمریکا در سراسر جهان، دخالت نکردن در امور ملت‌ها و ملت‌های مستقل و دیپلماتیک اراده بر طرف مقابل و رازریر پا بگذارد. این روزها که به دلیل تجاوز نظامی آمریکا تنگه هرمز بسته شد و به دنبال آن قیمت بنزین در سراسر آمریکایی عین خیال ترامپ نیست و مدام می‌گوید که «قیمت‌ها بالا نیست، تازه اینکه قیمت زیادی هم نیست»، چون دیگر به رأی مردم آمریکایی نیازی ندارد.

از همان ابتدا مشخص بود مواجهه با این دولت لجام‌گسیخته و بی‌مهار آمریکا در دور دوم ریاست جمهوری ترامپ چه اندازه دشوار است. اسفندماه ۱۴۰۳، حدود یک ماه بعد از تشکیل دولت ترامپ و ۶ ماه بعد از تشکیل دولت چهاردهم، اظهارات پزنشکیان نشان می‌داد پشت صحنه یک نبرد سنگین برای تحمیل اراده‌ها و مقاومت در برابر آن وجود دارد و نبرد اراده‌ها در عرصه سیاسی نفس‌گیر شده است. کمتر از دو ماه بعد از ریاست جمهوری ترامپ، پزنشکیان گفت: «هی‌گونه‌اند اگر ناپاید مذاکره کنیم فلان می‌کنیم. نمی‌آییم هر غلطی می‌خواهید بکنید. می‌میریم ولی با ذلت نمی‌سازیم.» این اظهارات نشان می‌داد دولت دوم ترامپ از همان ابتدا از طریق تهدید به اقدام نظامی با دولت مستقل ایران مواجه شد. دیگر به ظاهرسازی‌های مرسوم هم نیازی نداشتند، دستکش مخملی را درآوردند و صاف و مستقیم، دستان چدنی خود را پیش آوردند.

چند ماه پیش از ریاست جمهوری دودار ترامپ، انفجار پجیرها و شهادت سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نشان می‌داد جنگ‌افروزی‌های رژیم صهیونیستی منطقه غرب آسیا را تا نقطه جوش رسانده است. اما همان طور که پزنشکیان گفت، پیش از اینکه این نقطه جوش به تجاوز نظامی رژیم اسرائیل به ایران منتهی شود، دولت چهاردهم درگیریک نبرد سیاسی و دیپلماتیک نفس‌گیربا آمریکا و بلوک غرب بود.

مسأله این بود که در این لحظه خاص تاریخ، ترویسیم دولتی صهیونیستی و استعمار و تجاوزگری آمریکایی کاملاً هم‌راستا شدند و چند ماه بعد این هم‌راستایی به یک عمل کاملاً مشترک و هماهنگ در غالب تجاوز نظامی به ایران تبدیل شد.

آمریکا نتوانست در دور اول مذاکرات، یعنی زمستان ۱۴۰۳ و بهار ۱۴۰۴ اراده خود را از طریق سیاسی بر ایران تحمیل کند، پس تجاوز نظامی ۱۲ روزه آغاز شد تا آنچه پشت میز مذاکره به دست نیآورده بودند، شاید از طریق بمباران و کشتار کلاروویتز» صورت‌بندی کرد؛ جنگ رویدادی مستقل از سایر تحولات سیاسی نیست که ناگهان و بی‌مقدمه آغاز شد، جنگ فقط مرحله پایانی فرآیند

خود دست یابد. اما از قضا سرکنگبین صفرا افزود. «پس از تجاوز نظامی ۱۲ روزه هم نبرد اراده‌ها در حوزه سیاسی متوقف نشد، بلکه در شکل و جبهه دیگری ادامه یافت. دولت پزنشکیان تلاش کرد از همه ابزارهای دیپلماتیک برای مهار کند و عزم سیاسی ایران برای حفظ یک جنگ بزرگ‌تر دیگر به ملت ایران جلوگیری کند.

پزنشکیان در اسفند ۱۴۰۳ به طرف آمریکایی گفته بود «منی‌آییم، هر غلطی جلوگیری از جنگ افروزی‌های جدید را زیر پا بگذار. این روزها که به دلیل تجاوز نظامی آمریکا تنگه هرمز بسته شد و به دنبال آن قیمت بنزین در سراسر آمریکا بالا رفت، این فشار به رأی دهندگان آمریکایی عین خیال ترامپ نیست و مدام می‌گوید که «قیمت‌ها بالا نیست، تازه اینکه قیمت زیادی هم نیست»، چون دیگر به رأی مردم آمریکایی نیازی ندارد.

پزنشکیان در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس جمهوری فرانسه به «مانوئل مکررون» یادآوری کرد که در سفرش به نیویورک، پیش‌نهادهایی برای حل روونده ادعایی هسته‌ای ایران مطرح کرده بود که اتفاقاً طرف‌های اروپایی هم از آن استقبال کردند، اما آمریکا همه آنها را رد کرد. دلیل رویکرد آمریکا مشخص بود: آمریکا در نبرد سیاسی اراده‌ها، تسلیم

می‌خواست و ایران و دولت چهاردهم و شخص پزنشکیان اهل تسلیم نبودند. ۳ ماه بعد از بازگشت از سفر سازمان ملل، پزنشکیان در جلسه‌ای با دبیران کل احزاب با این‌انقتاد مواجه شد که چرا برای رفع تحریم‌ها کاری نمی‌کند؟ این‌انقتاد ناظر بر نگرانی‌هایی بود که در سایه جدی‌شدن احتمال تجاوز نظامی دشمنان ایجاد شده بود. پزنشکیان این‌طور پاسخ داد: «منته‌های مذاکره کردیم و آماده توافق بودیم. اما آنان توافق را با جنگ (۱۲ روزه) برهم زدند. اکنون نیز برای ادامه مذاکره، شرایط تحقیرآمیز مطرح می‌کنند که بنده حاضر به پذیرش آن نیستم. زیربار ذلت نمی‌رویم و ایرانی ضعیف و تکه‌پاره نیستیم. منته‌های پزنشکیان در این جلسه نشان می‌دهد که آمریکا می‌خواست اراده خود را برای ذلت و تکه‌پاره کردن ایران از طریق فشار سیاسی، تحریم و تحمیل خواسته‌ها در مذاکرات دنبال کند. شکست آمریکا در این نبرد سیاسی او را به شکست دیگری در نبرد نظامی رهنمون شد.

پزنشکیان در همان جلسه اضافه کرد: «بارها اعلام کردیم دنبال بعب (هسته‌ای) نیستم و برای هرگونه راستی‌آزمایی آمادگی داریم، اما طرف مقابل به دنبال گرفتن همه مؤلفه‌های قدرت ایران و تصفیع کشور در برابر رژیم صهیونیستی است. ما به دنبال صلح هستیم، اما قدری را نمی‌پذیریم. بنده حاضر نیستم زیر بار ذلتی بروم که آنها می‌خواهند. اینکه بگویند شما موشک نداشته باشید و بعد اسرائیل را تا دندان مسلح‌کنند که هر وقت دلش بخواهد اینجا را بشخم بزند و برود. بنده این کار را نمی‌کنم.»

این اظهارات رئیس جمهوری حقیقتی را آشکار می‌کند که پیش‌تر «فون کلاروویتز» صورت‌بندی کرد؛ جنگ رویدادی مستقل از سایر تحولات سیاسی نیست که ناگهان و بی‌مقدمه آغاز شد، جنگ فقط مرحله پایانی فرآیند

«تحمیل اراده» یک دولت است. بنابراین؛ تجاوز نظامی ۱۲ روزه و ۹ ماه بعد تجاوز نظامی ۴۰ روزه به این دلیل بر ایران روا شد که دشمن آمریکایی-اسرائیلی در مرحله نبرد اراده‌ها با ابزارهای سیاسی، نتوانست اراده خود را بر ایران تحمیل کند و عزم سیاسی ایران برای حفظ دستاوردها و ظرفیت‌های ملی اش را درهم بشکند. ایستادگی تمام‌عیار، دفاع همه‌جانبه و پایدردی دولت وفاق ملی در نبرد سیاسی و جنگ اراده‌ها با طرف آمریکایی-اسرائیلی، از این سخن ۱۴۰۴ از هیچ تلاشی برای دفاع از منافع ملی ایران از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک فروگذار نکرد. سفر پزنشکیان به سازمان ملل در شهریور ۱۴۰۴ که پس از تجاوز نظامی آمریکایی صهیونیستی و به رغم محدودیت‌های دولت آمریکا علیه هیأت ایرانی صورت گرفت، با همین هدف انجام شد. همین چند هفته

پیش، پزنشکیان در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس جمهوری فرانسه به «مانوئل مکررون» یادآوری کرد که در سفرش به نیویورک، پیش‌نهادهایی برای حل روونده ادعایی هسته‌ای ایران مطرح کرده بود که اتفاقاً طرف‌های اروپایی هم از آن استقبال کردند، اما آمریکا همه آنها را رد کرد. دلیل رویکرد آمریکا مشخص بود: آمریکا در نبرد سیاسی اراده‌ها، تسلیم می‌خواست و ایران و دولت چهاردهم و شخص پزنشکیان اهل تسلیم نبودند. ۳ ماه بعد از بازگشت از سفر سازمان ملل، پزنشکیان در جلسه‌ای با دبیران کل احزاب با این‌انقتاد مواجه شد که چرا برای رفع تحریم‌ها کاری نمی‌کند؟ این‌انقتاد ناظر بر نگرانی‌هایی بود که در سایه جدی‌شدن احتمال تجاوز نظامی دشمنان ایجاد شده بود. پزنشکیان این‌طور پاسخ داد: «منته‌های مذاکره کردیم و آماده توافق بودیم. اما آنان توافق را با جنگ (۱۲ روزه) برهم زدند. اکنون نیز برای ادامه مذاکره، شرایط تحقیرآمیز مطرح می‌کنند که بنده حاضر به پذیرش آن نیستم. زیربار ذلت نمی‌رویم و ایرانی ضعیف و تکه‌پاره نیستیم. منته‌های پزنشکیان در این جلسه نشان می‌دهد که آمریکا می‌خواست اراده خود را برای ذلت و تکه‌پاره کردن ایران از طریق فشار سیاسی، تحریم و تحمیل خواسته‌ها در مذاکرات دنبال کند. شکست آمریکا در این نبرد سیاسی او را به شکست دیگری در نبرد نظامی رهنمون شد.

پزنشکیان در همان جلسه اضافه کرد: «بارها اعلام کردیم دنبال بعب (هسته‌ای) نیستم و برای هرگونه راستی‌آزمایی آمادگی داریم، اما طرف مقابل به دنبال گرفتن همه مؤلفه‌های قدرت ایران و تصفیع کشور در برابر رژیم صهیونیستی است. ما به دنبال صلح هستیم، اما قدری را نمی‌پذیریم. بنده حاضر نیستم زیر بار ذلتی بروم که آنها می‌خواهند. اینکه بگویند شما موشک نداشته باشید و بعد اسرائیل را تا دندان مسلح‌کنند که هر وقت دلش بخواهد اینجا را بشخم بزند و برود. بنده این کار را نمی‌کنم.»

این اظهارات رئیس جمهوری حقیقتی را آشکار می‌کند که پیش‌تر «فون کلاروویتز» صورت‌بندی کرد؛ جنگ رویدادی مستقل از سایر تحولات سیاسی نیست که ناگهان و بی‌مقدمه آغاز شد، جنگ فقط مرحله پایانی فرآیند خود دست یابد. اما از قضا سرکنگبین صفرا افزود. «پس از تجاوز نظامی ۱۲ روزه هم نبرد اراده‌ها در حوزه سیاسی متوقف نشد، بلکه در شکل و جبهه دیگری ادامه یافت. دولت پزنشکیان تلاش کرد از همه ابزارهای دیپلماتیک برای مهار کند و عزم سیاسی ایران برای حفظ یک جنگ بزرگ‌تر دیگر به ملت ایران جلوگیری کند.

پزنشکیان در اسفند ۱۴۰۳ به طرف آمریکایی گفته بود «منی‌آییم، هر غلطی جلوگیری از جنگ افروزی‌های جدید را زیر پا بگذار. این روزها که به دلیل تجاوز نظامی آمریکا تنگه هرمز بسته شد و به دنبال آن قیمت بنزین در سراسر آمریکا بالا رفت، این فشار به رأی دهندگان آمریکایی عین خیال ترامپ نیست و مدام می‌گوید که «قیمت‌ها بالا نیست، تازه اینکه قیمت زیادی هم نیست»، چون دیگر به رأی مردم آمریکایی نیازی ندارد.



جلسه پزنشکیان با اصناف، تولیدکنندگان و مدیران با هدف تأمین بهینه نیازهای بازار داخلی، به‌تازگی در وزارت صمت برگزار شد / president.ir

بداند و آنگاه بی‌هراس، به پیشواز آنچه قرار است روی دهد، برود. «تجاوزات نظامی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه به ایران روا شد که دشمن نتوانست در میز مذاکره یا از راه فشارهای سیاسی و نتوانست اراده خود را بر ایران تحمیل کند و عزم سیاسی ایران برای حفظ دستاوردها و ظرفیت‌های ملی اش را درهم بشکند. ایستادگی تمام‌عیار، دفاع همه‌جانبه و پایدردی دولت وفاق ملی در نبرد سیاسی و جنگ اراده‌ها با طرف آمریکایی-اسرائیلی، از این سخن ۱۴۰۴ از هیچ تلاشی برای دفاع از منافع ملی ایران از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک فروگذار نکرد. سفر پزنشکیان به سازمان ملل در شهریور ۱۴۰۴ که پس از تجاوز نظامی آمریکایی صهیونیستی و به رغم محدودیت‌های دولت آمریکا علیه هیأت ایرانی صورت گرفت، با همین هدف انجام شد. همین چند هفته

پیش، پزنشکیان در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس جمهوری فرانسه به «مانوئل مکررون» یادآوری کرد که در سفرش به نیویورک، پیش‌نهادهایی برای حل روونده ادعایی هسته‌ای ایران مطرح کرده بود که اتفاقاً طرف‌های اروپایی هم از آن استقبال کردند، اما آمریکا همه آنها را رد کرد. دلیل رویکرد آمریکا مشخص بود: آمریکا در نبرد سیاسی اراده‌ها، تسلیم می‌خواست و ایران و دولت چهاردهم و شخص پزنشکیان اهل تسلیم نبودند. ۳ ماه بعد از بازگشت از سفر سازمان ملل، پزنشکیان در جلسه‌ای با دبیران کل احزاب با این‌انقتاد مواجه شد که چرا برای رفع تحریم‌ها کاری نمی‌کند؟ این‌انقتاد ناظر بر نگرانی‌هایی بود که در سایه جدی‌شدن احتمال تجاوز نظامی دشمنان ایجاد شده بود. پزنشکیان این‌طور پاسخ داد: «منته‌های مذاکره کردیم و آماده توافق بودیم. اما آنان توافق را با جنگ (۱۲ روزه) برهم زدند. اکنون نیز برای ادامه مذاکره، شرایط تحقیرآمیز مطرح می‌کنند که بنده حاضر به پذیرش آن نیستم. زیربار ذلت نمی‌رویم و ایرانی ضعیف و تکه‌پاره نیستیم. منته‌های پزنشکیان در این جلسه نشان می‌دهد که آمریکا می‌خواست اراده خود را برای ذلت و تکه‌پاره کردن ایران از طریق فشار سیاسی، تحریم و تحمیل خواسته‌ها در مذاکرات دنبال کند. شکست آمریکا در این نبرد سیاسی او را به شکست دیگری در نبرد نظامی رهنمون شد.

پزنشکیان در همان جلسه اضافه کرد: «بارها اعلام کردیم دنبال بعب (هسته‌ای) نیستم و برای هرگونه راستی‌آزمایی آمادگی داریم، اما طرف مقابل به دنبال گرفتن همه مؤلفه‌های قدرت ایران و تصفیع کشور در برابر رژیم صهیونیستی است. ما به دنبال صلح هستیم، اما قدری را نمی‌پذیریم. بنده حاضر نیستم زیر بار ذلتی بروم که آنها می‌خواهند. اینکه بگویند شما موشک نداشته باشید و بعد اسرائیل را تا دندان مسلح‌کنند که هر وقت دلش بخواهد اینجا را بشخم بزند و برود. بنده این کار را نمی‌کنم.»

این اظهارات رئیس جمهوری حقیقتی را آشکار می‌کند که پیش‌تر «فون کلاروویتز» صورت‌بندی کرد؛ جنگ رویدادی مستقل از سایر تحولات سیاسی نیست که ناگهان و بی‌مقدمه آغاز شد، جنگ فقط مرحله پایانی فرآیند خود دست یابد. اما از قضا سرکنگبین صفرا افزود. «پس از تجاوز نظامی ۱۲ روزه هم نبرد اراده‌ها در حوزه سیاسی متوقف نشد، بلکه در شکل و جبهه دیگری ادامه یافت. دولت پزنشکیان تلاش کرد از همه ابزارهای دیپلماتیک برای مهار کند و عزم سیاسی ایران برای حفظ دستاوردها و ظرفیت‌های ملی اش را درهم بشکند. ایستادگی تمام‌عیار، دفاع همه‌جانبه و پایدردی دولت وفاق ملی در نبرد سیاسی و جنگ اراده‌ها با طرف آمریکایی-اسرائیلی، از این سخن ۱۴۰۴ از هیچ تلاشی برای دفاع از منافع ملی ایران از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک فروگذار نکرد. سفر پزنشکیان به سازمان ملل در شهریور ۱۴۰۴ که پس از تجاوز نظامی آمریکایی صهیونیستی و به رغم محدودیت‌های دولت آمریکا علیه هیأت ایرانی صورت گرفت، با همین هدف انجام شد. همین چند هفته

پزنشکیان در همان جلسه اضافه کرد: «بارها اعلام کردیم دنبال بعب (هسته‌ای) نیستم و برای هرگونه راستی‌آزمایی آمادگی داریم، اما طرف مقابل به دنبال گرفتن همه مؤلفه‌های قدرت ایران و تصفیع کشور در برابر رژیم صهیونیستی است. ما به دنبال صلح هستیم، اما قدری را نمی‌پذیریم. بنده حاضر نیستم زیر بار ذلتی بروم که آنها می‌خواهند. اینکه بگویند شما موشک نداشته باشید و بعد اسرائیل را تا دندان مسلح‌کنند که هر وقت دلش بخواهد اینجا را بشخم بزند و برود. بنده این کار را نمی‌کنم.»

این اظهارات رئیس جمهوری حقیقتی را آشکار می‌کند که پیش‌تر «فون کلاروویتز» صورت‌بندی کرد؛ جنگ رویدادی مستقل از سایر تحولات سیاسی نیست که ناگهان و بی‌مقدمه آغاز شد، جنگ فقط مرحله پایانی فرآیند

سیاسی

جبهه‌های مختلف یک جنگ

این‌که باید از نقش دولت در دو جنگ تحمیلی متوالی‌ی گفت و سهم اقدامات دولت برای شکل‌گیری دفاع ملی برابر دشمنان را برشمرد، دلایل دیگری هم دارد. درست است که جنگ‌ها با شلیک اولین گلوله‌ها و اصابت اولین موشک‌ها آغاز می‌شوند، مانند اصابت موشک «تاماهوک» آمریکایی به مدرسه «شجره طیبه» میناب، اما این فقط مرحله پایانی یک جنگ طولانی‌تر و وسیع‌تر سیاسی و اقتصادی است که می‌خواهند با ایجاد تنگنای اقتصادی زندگی‌های عادی یک ملت مستقل را به قتل برسانند. فقط هم این نیست. برای یک کشور و مردم درحال دفاع آن، هر نبرد نظامی از جنبه‌ها و در جبهه‌های مختلف مک‌مینال» در کتاب «جنگ‌ها با ما چه کار می‌کنند؟» توضیح می‌دهد که هر جنگ، وضعیت‌ها و موقعیت‌های مختلف دارد. یک جبهه جنگ، رودررویی رزمندگان با سربازان دشمن است. اما دانشمندانی که فناوری‌های نظامی را طراحی می‌کنند، پرستارانی که مجروحان را مد اوا می‌کنند، خانواده‌هایی که فرزندان‌شان در نبرد حضور دارند، مردمی که در میادین و خیابان‌ها ایستاده‌اند، کامیون‌دارانی که سوخت و کالاهای اساسی را می‌رانند، استاندارانی که از اختیارات تقویض شده به خوبی برای تسهیل تجارت خارجی و مدیریت چالش‌های همه کشور استفاده می‌کنند، کارکنان وزارت نیرو که خرابی شبکه برق را تعمیر می‌کنند، همه این وضعیت‌ها بیانگر موقعیت‌های مختلفی است که گروه‌های مختلف مردم با واقعیت‌های یک جنگ مواجه می‌شوند. این که کیفیت مواجهه هرکدام از این گروه‌ها با جنگ چگونه باشد، تا حد زیادی به کیفیت رویکرد، عملکرد و مدیریت منسجم دولت در جنگ بستگی دارد. به دیگر سخن، به رغم رشادت رزمندگان ما، جنگ پدید‌دهای صرفاً نظامی نیست که بخورد. مدیریت اداری کشور، تلاش برای توسعه، نظریه‌پردازان جنگ، از «سوسن تزو» تا ماکیاولی و کلاروویتز، توانایی حکمرانی، ظرفیت‌های اقتصادی و پیوستاری اجتماعی هر کشور را شروط مهم اداره بهینه جنگ و پیروزی دانسته‌اند.

«سوسن تزو» حتی مسأله تأمین علوفه برای اسب‌ها و هزینه‌های آن را در کیفیت جنگ موثر می‌دانست. وی گفت «جنگ می‌تواند ۴ دهم منابع اقتصادی کشور را مصرف خود کند و می‌تواند در قیمت‌ها نوسان ایجاد کند.» ماکیاولی و کلاروویتز، توانایی حکمرانی، ظرفیت‌های اقتصادی و پیوستاری اجتماعی هر کشور را شروط مهم اداره بهینه جنگ و پیروزی دانسته‌اند.

«سوسن تزو» حتی مسأله تأمین علوفه برای اسب‌ها و هزینه‌های آن را در کیفیت جنگ موثر می‌دانست. وی گفت «جنگ می‌تواند ۴ دهم منابع اقتصادی کشور را مصرف خود کند و می‌تواند در قیمت‌ها نوسان ایجاد کند.» ماکیاولی و کلاروویتز، توانایی حکمرانی، ظرفیت‌های اقتصادی و پیوستاری اجتماعی هر کشور را شروط مهم اداره بهینه جنگ و پیروزی دانسته‌اند.

«سوسن تزو» حتی مسأله تأمین علوفه برای اسب‌ها و هزینه‌های آن را در کیفیت جنگ موثر می‌دانست. وی گفت «جنگ می‌تواند ۴ دهم منابع اقتصادی کشور را مصرف خود کند و می‌تواند در قیمت‌ها نوسان ایجاد کند.» ماکیاولی و کلاروویتز، توانایی حکمرانی، ظرفیت‌های اقتصادی و پیوستاری اجتماعی هر کشور را شروط مهم اداره بهینه جنگ و پیروزی دانسته‌اند.

«سوسن تزو» حتی مسأله تأمین علوفه برای اسب‌ها و هزینه‌های آن را در کیفیت جنگ موثر می‌دانست. وی گفت «جنگ می‌تواند ۴ دهم منابع اقتصادی کشور را مصرف خود کند و می‌تواند در قیمت‌ها نوسان ایجاد کند.» ماکیاولی و کلاروویتز، توانایی حکمرانی، ظرفیت‌های اقتصادی و پیوستاری اجتماعی هر کشور را شروط مهم اداره بهینه جنگ و پیروزی دانسته‌اند.

«سوسن تزو» حتی مسأله تأمین علوفه برای اسب‌ها و هزینه‌های آن را در کیفیت جنگ موثر می‌دانست. وی گفت «جنگ می‌تواند ۴ دهم منابع اقتصادی کشور را مصرف خود کند و می‌تواند در قیمت‌ها نوسان ایجاد کند.» ماکیاولی و کلاروویتز، توانایی حکمرانی، ظرفیت‌های اقتصادی و پیوستاری اجتماعی هر کشور را شروط مهم اداره بهینه جنگ و پیروزی دانسته‌اند.

وقتی جنگی درمی‌گیرد، همه نیروهای یک کشور علیه همه نیروهای یک ملت بسیج می‌شوند. در این شرایط، دولت‌های مدافع، همچون ایران باید انجام دهند، بسجج هماهنگ همه نیروهای ملت برای دفاع

وقتی جنگی درمی‌گیرد، همه نیروهای یک کشور علیه همه نیروهای یک ملت بسیج می‌شوند. در این شرایط، دولت‌های مدافع، همچون ایران باید انجام دهند، بسجج هماهنگ همه نیروهای ملت برای دفاع

است تا نیروها و بخش‌های متکثر ملت، به جای اخلاخل یکدیگر که جنگ می‌تواند عارض کند، بر نیروی هم بیفزایند و در تقسیم‌کاری تعریف‌شده، همکاری کنند.

بر نیروی هم بیفزایند و در تقسیم‌کاری تعریف‌شده، همکاری کنند.

بر نیروی هم بیفزایند و در تقسیم‌کاری تعریف‌شده، همکاری کنند.

دفاعی منسجم، ملی و همه‌جانبه

در پیش بگیرند.

ملی ایرانیان در برابر یک ابرقدرت متجاوز و انتمی متجاوز، شاهدهی

است بر اینکه دولت وفاق ملی از عهده ایفای نقش و مسئولیت تاریخی خود در قبال سرزمین و مردم ایران به خوبی برآمد

ایفای یک نقش تاریخی

کاستی‌ها و خلل‌ها هم وجود دارد. دولت نه تنها متکر این کاستی‌ها نیست، بلکه همه همتش مصروف رفع آنهاست. در اظهارات پزنشکیان و عارف و دیگر اعضای کابینه هیچ‌گاه کمال‌نمایی از وضعیت کشور یا تلاش برای تسکین نواقض دیده نمی‌شود. راستی با مردم را بااستیجابی دولتمرد است. اما به رغم همه این کاستی‌ها، چگونه می‌توان به نقش تاریخی دولت پزنشکیان اذعان نکرد؛ دولتی که بر اثر جبر زمانه و زور نامشروع جبران‌نازمان، علاوه بر نقش «وفاق ملی» مسئولیت «دفاع ملی» را هم پیش گرفت. بنا به قولی از قائم‌مقام فراهانی «باید از کشور دفاع کرد، چه به نام، چه به ننگ،» پس چه باک اگر دفاع از ایران در دو جنگ تحمیلی تمام‌عیار بسبب شده باشد که برخی روندهای توسعه‌های می‌تعلق شود. سبب ایرانی باشد تا بشود آن را توسعه داد و این روشن‌کننده رازوارگی این حقیقت است که چرا دولت وفاق ملی، درحالی‌که دولت دفاع ملی هم هست.

برش



در جهاد اکبر بعد از جنگ اولویت ترمیم شکاف‌های داخلی است

مسئله ایران و آمریکا موازنه قدرت است و توافق وقتی اتفاق می‌افتد که موازنه، به عنوان یک امر واقع رسمیت یابد

گفت و گو

گروه دیپلماسی / حسین جابری انصاری از دیپلمات‌های ارشد ایرانی است که در دوران

ماموریت در وزارت امور خارجه، حضور فعال در سطوح عالی دیپلماسی منطقه‌ای را در کارنامه دارد. او که اکنون مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی است، پیش از این سخنگوی وزارت امور خارجه نیز بوده و این سوابق، درک چندوجهی از چالش‌های دیپلماسی ایران در شرایط جنگ و تعامل آن با افکار عمومی داخلی به او داده است. جابری انصاری در گفت‌وگویی تفصیلی با خبرگزاری ایسنا، با دفاع از عملکرد دستگاه دیپلماسی در شرایط جنگ و پسا‌جنگ، به زمینه‌های بین‌المللی وقوع جنگ اخیر پرداخت و با تأکید بر اینکه مسأله ایران و آمریکا بیش از میانجی‌گری، مسأله موازنه قدرت است، هشدار داد تا آمریکا این موازنه واقعی را به رسمیت نشناسد، مذاکرات به نتیجه نخواهد رسید. او همچنین بر ضرورت آغاز «جهاد اکبر» برای ترمیم شکاف‌های داخلی و نهادهای‌سازی مشارکت ملی تأکید کرد و هشدار داد که دشمن بر شکاف‌های درونی سرمایه‌گذاری می‌کند و فرصت تاریخی پس از جنگ را باید برای ایجاد انسجام ملی و گشایش سیاسی-اجتماعی به کار گرفت.

۶۰ روز بسیار پر تلاطم چه در حوزه جنگ و چه دیپلماسی داشتیم، شاید این یک سؤال کلش‌های باشد اما می‌خواهم بدانم چه نمره‌ای به عملکرد دیپلماسی کشور می‌دهید؟
جنگ و چه دیپلماسی داشته‌ایم، به‌فعلان عرصه دیپلماسی در شرایط استثنایی فعلی کار مناسب یا مفیدی نباشد. بنابراین من از نمره دادن یا حداقل چنین تعبیری را به‌کار بردن پرهیز می‌کنم. ولی فکر می‌کنم باید برای فعالان عرصه دیپلماسی ایران و به‌طور مشخص وزارت امور خارجه، شخص وزیر و همکاران ایشان و افرادی که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی به‌نحوی در این حلقه از سیاست و دیپلماسی ایران نقش‌آفرین بودند امتیاز بالایی قائل شد. چراکه در یک جنگ شبه جهانی، و قدرت بزرگ اتمی جهانی و منطقه‌ای یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی، ملت، دولت و تاریخ ایران را زیر شدیدترین ضربات قرار دادند و همچنین مقامات و فرماندهان عالی را ترور کردند و به شهادت رساندند. با این حال انسجام ساختار حکومتی، تصمیم‌گیری سیاسی، نظامی و دیپلماتیک ایران محفوظ ماند. همچنین تاب‌آوری و بازدارندگی ایران در سه عرصه نظامی، مردمی، اجتماعی و ساختاری-حکومتی و مدیریتی حفظ شد. بخشی از این مجموعه را دستگاه دیپلماسی شکل داد تا کشور را از دل

تهدیدکننده هویت و موجودیت ملی و تاریخی ایران، تلاش می‌کنند تا راه عبور یا روزنه‌ای در این میدان مین به سمت حفظ منافع و امنیت ملی و استقلال کشور بگشایند، از این رو معتقدم دست فعالان این عرصه را باید بوسید و برای آنها احترام قائل شد.

این دفاع شما در حالی است که برخی رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی همواره نسبت به دیپلماسی و دیپلمات‌ها گارد بسته و انتقادی دارند. چرا در حالی که کشور درگیر جنگی تمام‌عیار و به تعبیر شما «شبه‌جهانی» است، هم‌چنان شاهد چنین اظهارنظرها و موضع‌گیری‌هایی علیه تیم مذاکره‌کننده هستیم؟

اینکه دیپلمات‌های ما تازه باید قسم بخورند و آیات جلاله قرآنی و شهادتین بخوانند که ثابت کنند می‌خواهند به کشور و منافع ملی خدمت کنند، عجیب است. مگر می‌شود کشوری از دیپلمات‌ها و دیپلماسی فعال و سیاست‌چندلایه و هوشمندانه برای تأمین منافع و قدرت ملی خود در سطوح سخت و نرم استفاده نکند؟! مگر می‌شود کشوری در یک لحظه استثنایی تاریخی در برابر چنین جنگ بزرگی بدون دیپلماسی فعال و دیپلمات‌های کارآمد و توانمند بتواند جنگ را پشت سر بگذارد؟

در میانه چنین بحران بزرگی به همان میزان که باید دستان و پاهای افرادی که پای لانچرها نشستند و دست و پای خود از دست دادند و یا شهید شدند، همه شهیدان و عزیزان و فرماندهانی که کشور را در این شرایط جنگی حفظ و بازدارندگی ایجاد کرده، همه مسئولین و تصمیم‌گیران در عرصه‌های مدیریتی که امور کشور را تدبیر کردند، همه اجزای جامعه ایران که دو ماه است در خیابان‌ها و میداين مستمراً ایستاده‌اند بوسید. باید در برابر دیپلمات‌های ارزشمندی که در میانه خون و آتش تلاش می‌کنند تا برای ایران معبری باز کنند، سر تعظیم فرود آورد.

تا برآیند این جنگ به سمت تضعیف اساسی قدرت ایران منجر شود، در این شرایط دیپلمات‌های ما و همه بازیگران رده بالای عرصه سیاست و دیپلماسی در چنین لحظه تاریخی و در سخت‌ترین شرایط، در برابر یک جنگ بزرگ، جنگ



اینکه

دیپلمات‌های ما تازه باید قسم بخورند و آیات جلاله قرآنی و شهادتین بخوانند که ثابت کنند می‌خواهند به کشور و منافع ملی خدمت کنند، عجیب است. مگر می‌شود کشوری از دیپلمات‌ها و دیپلماسی فعال و سیاست‌چندلایه و هوشمندانه برای تأمین منافع و قدرت ملی خود در سطوح سخت و نرم استفاده نکند؟! مگر

می‌شود کشوری در یک لحظه استثنایی تاریخی در برابر چنین جنگ بزرگی بدون دیپلماسی فعال و دیپلمات‌های کارآمد و توانمند بتواند جنگ را پشت سر بگذارد

نهادهای ملی باشیم، به‌طور طبیعی حاشیه‌نشین‌ها یا همان بیرون‌گودش‌نین‌ها، امکان نقش‌آفرینی بیشتری پیدا می‌کنند؛ چرا که صدای آنها معمولاً بلندتر از هرکسی است که در درون و مرکز در حال تصمیم‌گیری است.

فکر می‌کنم صدای عقلانیت و مدار میانه‌روی و توجه به همه عرصه‌ها و جنبه‌های قدرت کشور و استفاده از همه ظرفیت‌ها و تأثیرگذاری نهادها و شخصیت‌های ملی در نهایت خود را نشان خواهد داد و در وسط این صداها و جنجال‌ها و فریاد حاشیه‌نشین‌های دو سوی عرصه سیاست، مجاری و نهادهای ملی نقش‌آفرینی خواهند کرد و کشور را با کمترین خسارت و بالاترین دستاوردها در مسیر درست قرار خواهند داد.

در موضوع ایران و آمریکا در جنگ اخیر، ما شاهد میانجی‌گری پاکستان هستیم اما این گفت‌وگوها تا کنون به نتایج ملموسی نرسیده است. در این مورد خاص کدام متغیر بتسریع در پایان جنگ مؤثرتر است؟

مسأله ما و آمریکا و رژیم صهیونیستی بیش از آن که مسأله میانجی و میانجی‌گری باشد، مسأله موازنه قدرت، محتوای منازعه و رویارویی و اختلاف است. اینکه میانجی‌گران متعدد در این صحنه می‌آیند اما نتیجه نهایی حاصل نمی‌شود، به دلیل همین موازنه قوا و واقعیت مرتبط با حجم و تعداد پرونده‌های اختلافی میان طرف‌هاست. تا وقتی که درگیری موجود به یک موازنه جدید شکل ندهد، احتمال اینکه از شرایط جنگی خارج شویم، ضعیف خواهد بود.

موازنه امری نیست که خود به خود ایجاد شود، بلکه باید به سمتش حرکت کنیم و در طرف شرایط همدیگر را بپذیرند. یعنی امر واقع در هر یک از طرف‌ها باید از سوی طرف دیگر به رسمیت شناخته شود؛ به‌هرحال اگر قدرت توسط بازیگران دیگر در میانست شناخته نشود، هیچ وقت به اقتدار تبدیل نمی‌شود.

آنچه بین ایران و آمریکا رخ داده، دقیقاً همین مسأله است؛ برنامه آمریکا این است که ایران فناوری هسته‌ای نداشته باشد و هر کار می‌توانسته و می‌تواند انجام داده می‌دهد که این هدف محقق شود، اما وقتی در نهایت ببیند که این شدنی نیست، امر به اصطلاح واقع اتفاق می‌افتد. به این معنا که ابتدای یک موازنه به‌عنوان امر واقع شکل می‌گیرد و سپس طرف مقابل آن را در قالب یک توافق به رسمیت می‌شناسد. بنابراین موازنه در صحنه عمل، به یک موازنه رسمی و شناخته‌شده در سطح درک الملل تبدیل می‌شود. در وضعیت کنونی ایران و آمریکا دو طرف تا حدودی به این سمت حرکت کرده‌اند. اما چنین طرف مقابل حاکی از این است که هنوز این امر واقع را نمی‌خواهد به رسمیت بشناسد.

به‌طور مشخص مسیر رسیدن به پذیرش قدرت ایران از سوی آمریکا، از طریق «جنگ» طی می‌شود، یا شرایط «نه جنگ و نه صلح» یا «صلح»؟

صلح در لحظه‌ای اتفاق می‌افتد که موازنه، به‌عنوان یک امر واقع، تحمیل شده و پس از تثبیت وارد درپچه گفت‌وگوهای جدی شود و با رسیدن به نوعی توافق، این موازنه جدید رسمیت یابد.

واقعیت این است که از خرداد ماه در عرصه میدانی ۱۲ روز عملیات سنگین نظامی علیه ایران انجام، و در نهایت به هدف آتش‌بس منجر شد؛ چون دیدند یک‌جانبه‌گرایی بزرگ و جاه‌طلبانه‌شان محقق نمی‌شود بنابراین «آتش‌باری» را متوقف کردند.

اما بودن دستنمایی به یک توافق رسمی برای ایران جنگ، ما وارد شرایط «نه جنگ، نه صلح» شدیم؛ به‌عبارتی یک شرایط منزله شکل گرفت. از این‌رو دوباره بعد از چند ماه جنگ جدید شروع شد که ۴۰ روز طول کشید و باز شاهد یک توقف آتش‌باری جدید هستیم که آتش‌بس رسمی نیست، بلکه حالتی از توقف موقت آتش باری است.

وضعیت فعلی هم می‌تواند به سمت جنگ جدید برود، همان‌گونه که جنگ ۱۲ روزه به جنگ ۴۰ روزه منجر شد و هم می‌تواند

مجاری به سمت گفت‌وگو و نوعی توافق و خروج از حالت نه جنگ و نه صلح یا ورود به عرصه صلح باشد. اما اگر موازنه جدید به میزان گفایت به‌عنوان امر واقع اتفاق نیفتد، روند می‌تواند دوباره به سمت جنگ برود که در آن صورت طرف‌ها به اجبار به سمتی می‌روند که موازنه را به یکدیگر تحمیل یا برای هم ایجاد کنند.

در شرایط فعلی کفه ترازو به کدام سمت سنگینی می‌کند؟ جنگ یا صلح؟ در شرایط فعلی احتمال جنگ افزون‌تر از احتمال مذاکرات یا گفت‌وگوهای نتیجه‌بخش است. همان‌طور که گفتیم بر اساس تحلیل نهادی، نشانه‌هایی که تا این لحظه از طرف مقابل دیده می‌شود، بعید است موازنه جدید را به‌عنوان یک امر واقع بپذیرد و همچنان تلاش می‌کنند یا با جنگ یا در قالب گفت‌وگو و مذاکره اهداف قبل از جنگ را محقق کنند و شرایط را به نفع خود رقم بزنند که طبیعی است ایران

این رویکرد را نمی‌پذیرد.

پس تلاش‌های میانجی‌گرایانه در زمان آتش‌بس چندان کارگشا نبوده و نیست، پس توجیه میانجی‌گری در مذاکرات میان ایران و آمریکا چیست؟

معمولاً خصومت‌های عمیق و طولانی از مجرای نوعی میانجی‌گری در مسیر تغییر قرار می‌گیرد. نمونه‌های تاریخی غالباً این مسأله را نشان می‌دهد. بنابراین در موضوع ایران احتمالاً نقش میانجی‌گران گریزناپذیر است. آنها به معنای تسهیل‌کنندگان و تمهیدکنندگان امر هستند ولی آیا حضور میانجی‌گران برای حل مسائل کافی است؟ خیر، قبلاً هم گفتم اراده میانجی‌گران یا حتی اراده رهبران دو سوی خصومت برای حل چنین مسأله‌ای کافی نیست. تکنیک‌ها و توانمندی‌های میانجی‌گران با هم تفاوت دارد. اما سؤال اساسی این است که با توجه به پرونده‌های اختلافی متعدد و عمیقی که بین ایران و آمریکا وجود دارد، راه‌حلی‌ایی بر بستر این به اصطلاح معادله دارید، اما الباقی مربوط شده یا خیر؟ شاید حداکثر ۵ تا ۱۰ درصد حرکت به سمت این راه‌حل‌ها به‌نقش میانجی‌گری بستگی دارد، اما الباقی مربوط به اصل موازنه است که اختلال در آن به جنگ منجر شده است.

گویا میانجی‌گری بین ایران و آمریکا عرصه جذابی برای سایر کشورها هم هست، چرا این تعداد از کشورها در منطقه علاقه‌مند به نقش‌آفرینی در این عرصه هستند؟

طبیعی‌ترین کار در این شرایط این است که همسایگان میانجی‌گری کنند، به دلیل اینکه آنها نمی‌خواهند در مظان خسارت‌ها و درگیری‌ها قرار بگیرند. اگر تا قبل از جنگ اخیر این مسأله یک امر تئوریک بود که جنگ ممکن است به نقاط دیگر گسترش یا فقط بین دو یا سه طرف باشد یا جنبه منطقه‌ای پیدا کند اما در جنگ ۴۰ روزه این مسأله تئوریک به‌عنوان واقع اتفاق افتاد. بنابراین همسایگان به‌طور طبیعی کنش میانجی‌گرانه دارند. برای اینکه نمی‌خواهند در اصطلاح‌ها، در مظان فرسایش و درگیری قرار بگیرند. البته برخی از بازیگران منطقه‌ای هم کارکرد معکوس دارند، صریح‌ترین و آشکارترین آن بازیگر صهیونیستی است ولی باز هم هستند بازیگرانی که شاید در ظاهر نقش میانجی از خود نشان می‌دهند ولی در باطن به دنبال این هستند که جنگ اتفاق بیفتد. در هر حال امیدواریم تجربه روزها و ماه‌های اخیر و اصطلاحی که ایجاد شد به بازیگران منطقه‌ای نشان دهد که جنگ فقط بین طرفین درگیری روی نداده و نخواهد داد و امکان گسترش به مناطق وسیع‌تری را دارد.

آیا امکان سرایت جنگ به سایر مناطق می‌تواند منجر به انگیزه شکل‌گیری یک ائتلاف علیه ایران شود؟ به‌طور مشخص در مورد وضعیت فعلی تنگه هرمز اختیاری در این باره مطرح می‌شود.

بحث حرکت به سمت یک اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران یکی از احتمالات است، اما وجود شکاف‌ها و تناقض‌های متعدد بین بازیگران مختلف در منطقه و در سطح جهانی موضوعی است که نمی‌توان نادیده گرفت. ما با یک صحنه واقعی از تناقض‌ها، شکاف‌ها و گسل‌ها بین بازیگران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه هستیم اما آیا این به معنای این است که مطلقاً امکان اجماع‌سازی علیه ایران وجود ندارد؟ خیر.

این احتمال وجود دارد. ایجاد اجماع جهانی علیه کشور بسیار مهم است. اول اینکه باید مسأله را جدی گرفت. واقعیت این است که در طراحی‌های استراتژیک ضعیف‌ترین احتمالات را هم باید در بالاترین درجه توجه قرار داد. نباید تماشاکار بود، باید یک دیپلماسی فعال ارتباطی در سطح سازمان‌های بین‌المللی را دنبال کرد، در زمینه تعاملات دوجانبه با کشورهای منطقه و جهان و نیز با بازیگران مهم از جمله روسیه، چین و حتی کشورهای اروپایی، سیاست جامعی را پیش برد تا زمینه‌های ایجاد نوعی اجماع تضعیف شود.

این نتیجه رویارویی سنگین میان ایران و آمریکا و رژیم صهیونیستی است که به برخی حرکت‌های اجماعی علیه ایران شتاب می‌دهد یا آن را به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در عین حال واقعیت و حقیقت است، کنش‌گری بازیگران را تغییر داد، مثلاً معادله آلمان یا برخی دیگر از قدرت‌های اروپایی را ببینید که در ابتدا چگونه علیه ایران شروع به موضع‌گیری کردند اما در نهایت به کجا منتهی شد؟ اینها نتیجه صحنه واقعی رویارویی و موازنه‌ای است که به‌عنوان امر واقع شکل گرفته است. اما اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند این صحنه رویارویی سنگین را به‌نحوی با تجمیع همه قوا و ظرفیت‌های سخت و نرم خود تدبیر کند و از تحریک اختلافات و درگیری‌ها، عقده‌ها، کینه‌ها و ناراحتی‌ها پرهیز کند می‌تواند عرصه را به نفع خود تغییر دهد و موازنه و موج‌های پیش‌رونده جدیدی ایجاد خواهد کرد.

●●

ما به یک عزم و همت ملی، نگاه در یادانه، رویکرد بزرگ و وسیع و در واقع پرهیز از تنگ‌نظری‌ها نیاز داریم. نباید نگاه‌هایی مسلط شوند که ملت و کشور را در قالب یک فرقه یا یک گروه کوچک یا جمعی از خودی‌ها ببینند

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●

●●



هفت پویایی که پس از ۲۸ فوریه خاورمیانه جدید را تعریف خواهد کرد

بازتعریف نظم منطقه پس از جنگ رمضان

یادداشت



رمن صدیقی

سردبیرمدرن دیپلماتسی

هر جنگ بزرگ در خاورمیانه، پیامدهایی عمیق و ماندگار بر جای گذاشته است؛ پیامدهایی که در زمان وقوع، عملاً خارج از توان پیش‌بینی همه بازیگران و ناظران بوده است. جنگ اول اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بحران پناهندگان را ایجاد کرد که پیامدهای آن هنوز پس از ۷۸ سال باقی مانده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ کل معماری امنیتی منطقه را باآزایی کرد. تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۲ نیز خلأقدرتی ایجاد کرد که ایران سریع‌تر از آنچه واشنگتن انتظار داشت آن خلأ را پر کرد و موازنه قدرت در سراسر شرق مدیترانه (شامل سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و اسرائیل) را به‌گونه‌ای تغییر داد که درک کامل آن پیش از یک دهه زمان برد.

جنگ علیه ایران در سال ۲۰۲۶ نیز در همین دسته قرار می‌گیرد؛ نه به این دلیل که نتیجه‌آن مشخص نیست و نه به این خاطر که آتش‌بس در حال حاضر برقرار است. بلکه از این جهت که این جنگ از چندین مرز عبور کرده که دیگر قابل بازگشت نیست و چندین رویه ایجاد کرده که رفتار بازیگران را برای سال‌ها شکل خواهد داد و چندین فرض اساسی را شکسته است؛ فرض‌هایی که نظم منطقه‌ای برآنها تکیه داشت، بدون آنکه کسی به‌طور کامل به آن اذعان کند. در ادامه، هفت روندی که خاورمیانه جدید را پس از جنگ علیه ایران شکل خواهد داد بررسی می‌شود.

ایران باقی می‌ماند

برخلاف تصور ترامپ نظام ایران همچنان پابرجاست. این نکته مهمی است و باید پیش از هر چیز به‌طور روشن گفته شود، زیرا بخش قابل توجهی از منطق این جنگ که به‌طور علنی بیان نمی‌شد امید به این بود که «عملیات خشم حماسی» به فروپاشی یا دست‌کم به رژیم چنج منج شود اما این اتفاق نیفتاد. ایران در برابر



سنگین‌ترین کارزار نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل در تاریخ معاصر منطقه، تاب آورد. اما چیزی که تغییر کرده، محاسبه‌ای است که خود ایران درباره بقای خویش انجام می‌دهد. رهبری ایران همان زنجیره رویدادهایی را دید که دیگر دولت‌های منطقه نیز مشاهده کردند: کشوری که در حال مذاکرات فعال هسته‌ای بود، در همان حین دو بار بمباران شد. درس بازآزندگی که از این رخداد می‌توان گرفت، پیچیده یا مبهم نیست. سیاست دیرینه ایران برای حفظ ظرفیت هسته‌ای در آستانه و استفاده از ابهام به عنوان اهرم اکنون آرموده شده و ناکافی بودن آن مشخص شده است. ایران بعد از این جنگ به این تجربه نگاه خواهد کرد و درباره اینکه چه نوع بازآزندگی واقعاً کارآمد است، نتیجه‌گیری خواهد کرد.

دست دادند. خط لوله حیاتی شرق به غرب عربستان به‌طور مستقیم هدف قرار گرفت. مجتمع گازی اصلی ابوظبی آتش گرفت. پالایشگاه نفت فیجره در آتش سوخت. تصویر بسیار حساب‌شده خلیج فارس به‌عنوان منطقه‌ای باثبات، امن و در حال تحول اقتصادی (تصویری که تریلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری خارجی در ده‌ها میلیون نیروی کار مهاجررا جذب کرده بود) به شکلی از هم پاشید که بازسازی آن سال‌ها طول خواهد کشید، اگراصلاً قابل بازسازی باشد. در همین راستا تصمیم اسامرات متحده عربی برای خروج از اوپک در اول مه، یکی از نمودهای مشخص بازنگری راهبردی است.

پروژه عادی‌سازی متوقف شده است

پیش از ۲۸ فوریه، به نظر می‌رسید که توافق ابراهیم در حال تثبیت است. امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش روابط خود را با رژیم اسرائیل عادی کرده بودند. عربستان سعودی جایزه اصلی این روند بود و مذاکرات درباره احتمال عادی‌سازی روابط آنها در ازای یک پیمان دفاعی با آمریکا و همکاری هسته‌ای غیرنظامی به مراحل پیشرفته رسیده بود. فرض اصلی این بود

خلیج فارس به‌طور دائمی بی‌ثبات شده است

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس آغازکننده این جنگ نبودند، اما با این حال درگیرآن شدند. بحرین ۸۷ درصد از ذخایر موشک‌های رهگیر پاتریوت خود را مصرف کرد. کویت و امارات متحده عربی حدود ۷۵ درصد از ذخایر خود را از

که افکار عمومی عرب آن قدر از مسأله فلسطین فاصله گرفته‌اند که دولت‌ها می‌توانند چیزی را که عملاً از قبل به شکل یک هم‌راستایی امنیتی وجود داشت، رسماً تثبیت کنند.

اما جنگ علیه ایران این فرض را از بین برد. افکار عمومی عرب، که پیش از جنگ نیز طبق «شاخص افکار عمومی عرب» در سطح ۸۷ درصد مخالف عادی‌سازی بود، پس از مشاهده عملیات بمباران گسترده اسرائیل در لبنان، غزه و ایران به‌طور قاطع مخالفت خود را اعلام کرد. برای بسیاری از ناظران عرب، این جنگ یک درگیری جداگانه نیست، بلکه آخرین فصل از یک پروژه گسترده‌تر برتری نظامی اسرائیل در منطقه است که شامل غزه، کرانه باختری، لبنان و اکنون ایران می‌شود.

شکاف جدید در رابطه آمریکا-اسرائیل حمایت آمریکا از اسرائیل پایدارترین عنصر سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده از سال ۱۹۴۸ تاکنون بوده است. این حمایت از سیاست‌های شوهرک‌سازی اسرائیل، عملیات نظامی در غزه که با محکومیت بین‌المللی همراه بوده و اختلافات سیاسی گاه‌به‌گاه و حتی تند، جان سالم به در برده است. اما جنگ علیه ایران در سال ۲۰۲۶ یک متغیر جدید وارد این رابطه کرده که تنش‌های قبلی فاقد آن بودند: افزایش این باور در بخش قابل توجهی از افکار عمومی آمریکا که اسرائیل، ایالات متحده را وارد جنگی کرده که واشنگتن نه خواهان آن بوده و نه می‌تواند به‌احتی از آن خارج شود. بیش از ۶۰ درصد آمریکایی‌ها با جنگ علیه ایران مخالفند. نامحبوب بودن جنگ، به دیدگاه‌هایی مشروعیت سیاسی داده که پیش‌تر عمدتاً در جناح مترقی حزب دموکرات محدود بودند: مشروط کردن کمک‌های نظامی به رفتار مشخص اسرائیل، مطالبه پاسخگویی درباره تلفات غیرنظامیان در لبنان و ایران و قرار دادن ارزش راهبردی این رابطه در چهارچوب بی‌ثباتی‌ای که سایر بخش‌های خاورمیانه مصون بود.

چین به قدرتی غیرقابل جایگزین تبدیل شد طبق اظهارات علنی خود ترامپ، چین به آوردن ایران به میز گفت‌وگوهای اسلام‌آباد کمک کرد. وانگ یی، وزیر خارجه چین، چند روز پیش از نشست ترامپ- شی در پکن با عباس عراقچی دیدار کرد

خواستار بازگشایی تنگه هرمز شد و نوعی از فعال بودن دیپلماتیک چین را در لحنهای نشان داد که واشنگتن به همکاری پکن نیاز داشت و حاضر بود برای آن هزینه بپردازد. چین همچنین از «قاعده و تسوی خود» علیه تحریم‌های آمریکا بر پالایشگاه‌های چینی خریدار نفت ایران استفاده کرد و نشان داد که ابزارهای اقتصادی‌ای در اختیار دارد که قادر است از آنها برای دفاع از منافعی استفاده کند؛ ابزارهایی که پیش‌تر به کار نگرفته بود. در نشست پکن نیز به‌عنوان قدرتی حاضر شد که چیزی در دست داشت که ترامپ به‌شدت به آن نیاز داشت. این جنگ چین را به یک بازیگر «غیرقابل جایگزین» تبدیل کرد.

زنجیره دومینوی هسته‌ای اکنون به حرکت درآمده است

ایران در حالی که در حال مذاکره فعال هسته‌ای بود، دو بار بمباران شد. این توالی رویدادها اکنون به‌طور دائمی بخشی از سابقه راهبردی جهان شده است و هر دولتی که به‌طور خاموش در حال محاسبه گزینه‌های هسته‌ای خود بود، بر اساس آن، محاسباتش را به‌روز کرده است. شکست مذاکرات اسلام‌آباد بر سر موضوع هسته‌ای هرگونه انتظار برای دستیابی به یک توافق غیراشاعه‌ای (عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای) قابل قبول در آینده نزدیک را از بین برده است. ترکیه، کره جنوبی و ژاپن نیز هرکدام در سطوح متفاوتی در حال انجام محاسبات مشابهی هستند. معماری عدم اشاعه هسته‌ای پیش از ۲۸ فوریه نیز تحت فشار جدی بود. اما جنگ علیه ایران روند فرسایش نظمی را سرعت بخشیده که بر این باور استوار بود که کشورهای غیرهسته‌ای بدون سلاح وضعیت بهتری دارند.

تصویر ذهنی خلیج فارس شکسته است کشورهای خلیج فارس در دو دهه گذشته تلاش کردند روایتی از خود بسازند: مدرن، باز، پویا از نظر اقتصادی و به‌طور امن دور از بی‌ثباتی‌ای که سایر بخش‌های خاورمیانه را تعریف می‌کرد. دبی و ابوظبی خود را به‌عنوان مراکز جهانی معرفی کردند. ریاض «چشم‌انداز ۲۰۳۰» را آغاز کرد. دوحه میزبان جام جهانی شد. منطقه در حال معرفی خود به‌عنوان «مقصد» بود، نه «منطقه بحران.» این جنگ این روایت را به شکلی از بین برد که تا مدت‌ها پس از آتش بس باقی خواهد ماند.

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۶۶)

ولیم کلیوونگ ترجمه: عسکر فرمایور

نهضت بطرس البستانی

در سراسر لبنان و بخش‌هایی از سوریه، این تلاش گسترده آموزشی که عمدتاً به زبان عربی انجام می‌شد، به رنسانس فرهنگی عربی شتاب بخشید. شور و اشتیاق تازه‌ای نسبت به سنت ادبی کلاسیک ایجاد شد و آزمایش‌های فراوانی با فرم‌ها و سبک‌های نو در نوشته‌ها انجام گرفت. حرفه بطرس البستانی (۱۸۱۹–۱۸۸۳) یکی از نمادهای بارز این بیداری فرهنگی است. البستانی‌ای که در خانواده‌ای مسیحی مارونی در لبنان به دنیا آمد، از تماس‌های اولیه خود با مبلغان آمریکایی به اندازه‌ای تأثیر پذیرفت که به پروتستانتیسم گروید. او مدتی در مدارس مبلغان تدریس کرد و در سال ۱۸۶۳ مؤسسه خود را با نام «مدرسه ملی» بنیان نهاد، مدرسه‌ای که به آموزش زبان عربی و علوم معاصر اختصاص داشت. تلاش‌های ادبی البستانی شامل تدوین دیکشنری عربی، تأسیس و ویرایش چندین نشریه و در همکاری با فرزندانش، تولید یازده جلد دایرةالمعارف عربی بود. هدف او گسترش دانش و تعمیق ارزش و اهمیت زبان عربی بود و تأثیرانباشتی زندگی و کار او، به خلق نثر گزارشی مدرن عربی کمک کرد؛ زبانی که از یک سو در دستور زبان و اصطلاحات به میراث گذشته وفادار بود و از سوی دیگر، قادر بود مفاهیم و اندیشه‌های مدرن را با سادگی، دقت و روشنی بیان کند. البستانی همچنین به پذیرش دستاوردهای علمی اروپا تشویق می‌کرد و بر این باور بود که تنها از طریق گرایش به دانش مدرن، خاورمیانه می‌تواند جایگاه شایسته خود را در جهان باز یابد.

تأثیر بطرس البستانی و دیگرانی که اشتیاق مشابهی برای پیوند دادن میراث فرهنگی عربی با اندیشه‌های سیاسی و علمی معاصر داشتند، جوی فکری در میان تعداد فزاینده‌ای ازعرب‌های تحصیل کرده که در بیروت گرد آمده بودند، ایجاد کرد. در دهه‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰، باشگاه‌های ادبی و انجمن‌های علمی در این شهر فعال شدند و به مراکزی برای بحث و گفت‌وگو برامون موضوعات سیاسی و ادبی بدل گشتند. تأکید بر زبان عربی که در قلب نهضت قرار داشت، به‌طور طبیعی موجب افزایش آگاهی از هویت فرهنگی جامعه عربی شد. این روند بویژه در میان عرب‌های مسیحی که اصلی‌ترین بهره‌برداران از مأموریت‌های آموزشی خارجی بودند به وضوح مشاهده می‌شد. به دلیل مسیحی بودنشان، اعضای این جامعه، ایده‌ها و نهاد‌های نوین اروپایی را تهدیدیی برای بنیادهای تمدن خود نمی‌دانستند؛ آنها نیازی به تمرینات فکری پیچیده‌ای برای توجیه تغییر و پذیرش مفاهیم غربی در سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی نداشتند. موفقیت اروپا برای آنان آبیایی در پیشرفت مسیحیان محلی بود و در عین حال، برای بخش‌های مهمی از این جامعه، حمایت و مداخله اروپا فرضی و سوسه‌انگیز برای فرار از وضعیت اقلیت تحت سلطه عثمانی فراهم می‌کرد. در این میان، روابط میان فرانسه و مسیحیان مارونی لبنان، بویژه نزدیک و مستحکم بود.

آگهی مزایده عمومی فروش سهام

شرکت صنعتی و معدنی اپال پارسیان سنگان (سهامی خاص)

شماره ۱۴۰۵/۰۲

مجموعه بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به فروش ۱۴,۲۵ درصد از سهام شرکت صنعتی و معدنی اپال پارسیان سنگان(سهامی خاص) به تعداد ۵,۵۳۹,۸۳۰,۰۰۰ سهم به ارزش ۱۱۹,۴۳۸,۷۳۴,۸۰۰,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام نماید. متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز **پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۳۱** با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رو به روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند(شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.

نام شرکت	شرکت صنعتی و معدنی اپال پارسیان سنگان(سهامی خاص)
سرمایه ثبت شده	۳۸,۸۷۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۵,۵۳۹,۸۳۰,۰۰۰
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۱۱۹,۴۳۸,۷۳۴,۸۰۰,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۷,۷۶۳,۵۱۷,۷۶۲,۰۰۰
شرایط واگذاری^(۱)	به‌صورت نقد و اقساط با شرایط ۶۵ درصد نقد و الباقی اقساط ۶ ماهه طی ۵ سال یا نرخ سود ۲۳ درصد سالانه
^(۱) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب: <p>۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.</p> <p>۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.</p>	

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۵۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز **شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند.** بدیهی است به پیشنهادهاتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیاب غین ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۵- چنانچه برنده مزایده طرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۶-بایک‌های مزایده در **ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، در نزدیسه به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید.** حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائزرتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وقف بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

آگهی مزایده عمومی فروش سهام

شرکت توسعه لويزان (سهامی خاص)

شماره ۱۴۰۵/۰۲

مجموعه بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به فروش ۱۵,۶۹ درصد سهام شرکت توسعه لويزان(سهامی خاص) به تعداد ۱,۰۵۶۰ سهم به ارزش ۲۶,۸۲۶,۳۸۵,۰۸۰,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید. متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز **پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۳۱** با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رو به روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند(شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰۰۲۱۴۱۳۷۳۳۰۴).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.

نام شرکت	توسعه لويزان(سهامی خاص)
سرمایه ثبت شده	۳۳۶,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۱,۰۵۶۰
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۲۶,۸۲۶,۳۸۵,۰۸۰,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۲,۴۱۴,۳۷۴,۶۵۷,۲۰۰
شرایط واگذاری^(۱)	به‌صورت نقد و اقساط با شرایط ۹۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۳ ماهه طی ۳ سال یا نرخ سود ۲۳ درصد سالانه
^(۱) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب: <p>۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.</p> <p>۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.</p>	

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۵۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز **شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند.** بدیهی است به پیشنهادهاتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیاب غین ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۵- چنانچه برنده مزایده طرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۶-بایک‌های مزایده در **ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، در نزدیسه به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید.** حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائزرتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وقف بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

اخبار

معاون رئیس جمهور تشریح کرد

حضور ویژه زنان

از دفاع مقدس تا جنگ تحمیلی اخیر

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده گفت: «زنان ایرانی از مقاطع مختلف از جنگ دفاع مقدس تا کنون ظرفیت‌های خوبی نشان داده‌اند.» به گزارش ایرنا، زهرا بهروزآذر روز گذشته با حضور در ساختمان صلح جمعیت هلال احمر و در نشست شورای معاونین این جمعیت، از تلاش‌ها و فداکاری‌های امدادگران هلال احمر در جریان حوادث و جنگ‌های اخیر قدرانی کرد. او با قدرانی از تلاش‌های امدادگران در جنگ ۱۲ روزه و جنگ اخیر، گفت: «شما در این روزهای سخت بار دیگر نشان دادید که هلال احمر همواره در خط مقدم خدمت به مردم قرار دارد و در سراسر کشور با ایثار و فداکاری به یاری آسیب‌دیدگان شتافته‌اید.» بهروزآذر با اشاره به نقش پررنگ زنان در فعالیت‌های هلال احمر گفت: «زنان ایران در مقاطع مختلف تاریخ انقلاب اسلامی، از دوران دفاع مقدس تا امروز، نقش‌آفرینی مؤثری داشته‌اند و در شرایط دشوار نیز توانسته‌اند ظرفیت‌های خود را به خوبی نشان دهند. با وجود تلخی‌ها و خسارت‌هایی که در این ایام تجربه شده، ملت ایران توانست با انسجام و همبستگی مثال‌زدنی در برابر تهدیدها ایستادگی کند و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره، تقویت اتحاد ملی بود.»

وزیر آموزش و پرورش:

معلمان بازمانده مدرسه «شجره طیبه» استخدام می‌شوند

وزیر آموزش و پرورش، از برنامه‌ریزی برای جذب معلمان بازمانده مدرسه «شجره طیبه» در بدنه آموزش و پرورش خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، علیرضا کاظمی، در جلسه شورای معاونان وزارت آموزش و پرورش، با اشاره به برنامه‌های حمایتی برای مدرسه شجره طیبه، گفت: «معلمان این مدرسه باید در بدنه آموزش و پرورش جذب شوند و این یکی از اولویت‌های مهم دستگاه تعلیم و تربیت است.» وزیر آموزش و پرورش با اشاره به گزارش ارائه شده از سوی مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش، گفت: «گزارش‌های تحلیلی مبتنی بر نظرات معلمان و بازدیدهای میدانی، ظرفیت مهمی برای اصلاح فرآیندها و شناسایی آسیب‌ها است و باید در اختیار معاونت‌ها قرار گیرد تا اشکالات موجود برطرف شود. کاظمی با اشاره به تهیه گزارش‌های تحلیلی از عملکرد ادارات کل استان‌ها در قالب بازرسی‌های تخصصی و استنادی، گفت: «برخی مسائل مدیریتی ممکن است از نگاه مدیران دور بماند و این گزارش‌ها می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای عملکرد مجموعه باشد.»

معاون دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت:

۵۰ درصد جمعیت بزرگسال درگیر دیابت یا فشار خون هستند

گزارش

محدنه جعفری

گروه اجتماعی

سالانه ۱۸ میلیون نفر در جهان دچار مرگ زودرس بر اثر بیماری‌های غیرواگیر می‌شوند؛ بیماری‌هایی که مشکلات بسیاری برای سلامت مردم ایجاد کرده‌اند و جزو اولویت‌های وزارت بهداشت برای پیشگیری و درمان قرار دارند.

از جمله مهم‌ترین بیماری‌های غیرواگیر که می‌توانند زمینه‌ساز بیماری دیگر شوند، دیابت و پرفشاری خون هستند. بر اساس آمارهای وزارت بهداشت، بیش از ۱۴ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال کشور مبتلا به دیابت هستند.

اما این آمار در مبتلایان به پرفشاری خون بیشتر است، چون ۳۲ درصد جمعیت بالای ۱۸ سال، فشار خون ۱۴۰ روی ۹۰ یا بالاتر دارند. در مجموع، بیش از ۵۰ درصد جمعیت بزرگسال ایرانی درگیر یکی از این دو بیماری هستند. البته با وجود آمار بالای ابتلا به این دو بیماری، سه‌چهارم مبتلایان در کشور از بیماری‌های آگاهی ندارند اما به گفته کارشناسان، افراد زمانی متوجه بیماری می‌شوند که تقریباً تمام دستگاه‌های بدن گرفتار شده است. با این اوصاف، باید رنگ خطر آگاهی بخشی در جامعه روشن شود، بویژه این روزها که در هفته سلامت قرار داریم.

دیابت و پرفشاری خون به‌عنوان بیماری‌های غیرواگیر مزمن، درمان قطعی ندارند، اما می‌توان با تغییر سبک زندگی جلوی ابتلا به این بیماری‌ها را گرفت. دکتر علیرضا مهدوی، معاون دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت و مدیر برنامه کشوری دیابت و بیان این موضوع به «ایران» می‌گوید: «دیابت و فشار خون دو بیماری شایع در کشور هستند، چون تغییر سبک زندگی در چند دهه اخیر باعث شده شاهد افزایش ابتلا به این دو بیماری باشیم. این بیماری‌ها می‌توانند زمینه‌ساز سایر بیماری‌های غیرواگیر دیگر مثل مشکلات قلبی، مغزی، کلیوی، بینایی و... شوند، به طوری که اولین علت مرگ‌ومیر در همه جوامع، مربوط به سکنه‌های قلبی و مغزی است که مستقیم با پرفشاری خون ارتباط دارد.»

او با بیان اینکه هر چند سال یک‌بار برنامه‌های ملی برای دیابت و پرفشاری خون از طرف وزارت بهداشت برای پایش سلامتی مردم و آگاهی‌رسانی برگزار می‌شود، توضیح می‌دهد: «سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۲ برنامه ملی بسیج فشارخون و دیابت در کشور اجرا شد تا مردم را نسبت به این بیماری‌های غیرواگیر اما پرخطر، حساس کنیم؛ چون حدود ۲۰ سال است که برنامه‌های پرفشاری خون و دیابت در نظام سلامت کشور ادغام شده است؛ یعنی غربالگری، پی‌ریزی، مراقبت و پیگیری‌های این دو بیماری در سیستم بهداشتی و نظام مراقبت اولیه پزشکی در سطح یک، برای مردم انجام می‌شود. اما پوشش‌هایی که برگزار می‌کنیم، نشانگر تعداد بیماران مبتلا در کشور نیست، چون بستگی دارد پوشش با چه وضعیتی در کشور اجرا شود و مردم برای شرکت در آن چقدر استقبال نشان دهند. علاوه بر این، با یک بار فشار خون گرفتن، نمی‌توان تشخیص پرفشاری خون بدیم. این برنامه‌ها جاری هستند و هر ۵ سال یک‌بار پیمایشی به نام STEPS در سطح کشور انجام می‌شود که بر اساس آن، عوامل خطر بیماری‌های غیرواگیر و خود بیماری‌ها را بررسی می‌کنیم و تاکنون هشت دوره در کشور اجرا شده است. قرار بود امسال نهمین دوره STEPS را برگزار کنیم که به علت شرایط جنگی فعلاً به تعویق افتاده است.»

معاون دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت در مورد آمار مبتلایان به دیابت در کشور می‌گوید: «طبق آخرین مطالعات، بیش از ۱۴ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال کشور مبتلا به دیابت هستند؛ یعنی حدود هفت‌ونیم میلیون ایرانی دیابت دارند. البته هر دو گروه دیابتی‌ها و پرفشاری خون، لبه مرز هم دارند، یعنی افرادی که پیش دیابت یا پیش فشارخون دارند؛ جمعیت این گروه، از تعداد مبتلایان بیشتر است. با این اوصاف، اگر به سمت پیشگیری حرکت نکنیم، آنها بیماران آینده کشور خواهند بود. بر اساس آمارهای وزارتخانه، چیزی حدود ۱۷ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال در شرایط پیش دیابت قرار دارند. این آمار در افراد مبتلا به پرفشاری خون بیشتر است. یعنی ۲۳ درصد جمعیت بالای ۱۸ سال فشار خون ۱۴۰ روی ۹۰ یا بالاتر دارند و از این جمعیت گروه بزرگی مبتلا به بیماری پرفشاری خون هستند و باید دارو مصرف کنند. فشار خون و دیابت، رابطه نزدیکی با هم دارند و همیشه با هم دیده می‌شوند. ناگفته

بیماران، تحت مراقبت بهروزان هستند

دکتر مهدوی با بیان برنامه‌های وزارت بهداشت در مورد این دو بیماری مهم و پرخطر توضیح می‌دهد: «حدود ۱۰ سال است که غربالگری دیابت و فشارخون را از طریق تعیین خطر حوادث قلبی و عروقی انجام داده‌ایم. یعنی پیش‌بینی می‌کنیم یک نفر چقدر احتمال دارد دچار حادثه قلبی و عروقی کشنده یا غیرکشنده شود. این موضوع با یک آزمایش کلسترول و اندازه‌گیری فشار خون در جمعیت بالای ۳۰ سال و افرادی که سیگار می‌کشند بررسی می‌شود و بر اساس میزان خطر، مداخلاتی را انجام می‌دهیم. با این اقدام، افرادی که دیابت یا پرفشاری خون دارند، شناسایی می‌شوند. بعد از چندبار بررسی و قطعی شدن بیماری، مراقبت شروع می‌شود. این افراد با مراجعه به پایگاه‌های سلامت در شهرها و خانه‌های بهداشتی در روستاها، ماهانه تحت نظر بهروزان قرار می‌گیرند. هر سه ماه یک‌بار هم پزشک مرکز آنها را ویزیت می‌کند و آموزش‌های لازم در مورد بیماری به آنها ارائه می‌شود، همچنین پایبندی به درمان در این بیماران مورد بررسی قرار می‌گیرد.»

دکتر مهدوی می‌گوید: «بهروزان در مورد عوارض دارویی پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند. اینکه بیماری باعث ایجاد مشکلات دیگری برای آنها شده است یا نه. در نهایت هر سال بیماران از نظر عوارض و میزان آن بررسی شده و اگر به متخصص نیاز داشته باشد، به سطح دو ارجاع داده می‌شوند. البته اگر افراد مبتلا به دیابت و پرفشاری خون دچار چاقی و اضافه وزن باشند، به مشاور تغذیه معرفی می‌شوند. افرادی که تازه متوجه بیماری‌شان شده‌اند، شاید با مقاومت در پذیرش بیماری روبه‌رو باشند، به همین دلیل برای آنها مشاوره‌های سلامت روان را هم در نظر گرفته‌ایم. برای اینکه افراد با بیماری خود کنار بیایند، تصورات اشتباه آنها در این بیماری‌ها اصلاح شود و به پیگیری درمان خود بایبند



سه چهارم مبتلایان ایرانی از بیماری خود آگاه هستند

دکتر مهدوی درباره وضعیت ایران در این دو بیماری نسبت به کشورهای منطقه توضیح می‌دهد: «دیابت و فشارخون بیماری‌های کشورهای توسعه‌یافته هستند، یعنی در این کشورها بیشتر دیده می‌شود.»

مهم‌ترین دلیل هم تغییر شیوه زندگی است. اگر نگاهی به اطراف‌مان بیندازیم، این تغییر در زندگی همه ما مشهود است. پیاده‌روی‌ها کاهش پیدا کرده، تقریباً همه ماشین دارند، جنب و جوش‌ها کم شده چون همه گوشی به دست شده‌اند، عواملی که حتی در کودکان هم تأثیر زیادی گذاشته است. در حال حاضر چاقی در کودکان و نوجوانان به سرعت در حال افزایش است و متأسفانه در این گروه سنی هم شاهد افزایش ابتلا به دیابت نوع دو هستیم.

با این اوصاف در مقایسه با کشورهای اطراف، وضعیت بدتری نداریم چون در کشورهای غربی دیابت عمدتاً شیوع بالاتری دارد. در منطقه مدیترانه شرقی ایران وضعیت بهتری نسبت به کشورهای دیگر دارد، بویژه در شناسایی و کنترل بیماری. مثلاً در کل منطقه مدیترانه شرقی، بالای ۵۰ درصد افراد دیابتی از بیماری خود بی‌اطلاع هستند. در ایران سه چهارم مبتلایان از بیماری‌ها آگاه هستند. معاون دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت با اشاره به برنامه‌های این وزارتخانه برای هفته ملی سلامت در این دو گروه بیماری می‌گوید: «امسال هفته سلامت از ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت ماه برگزار می‌شود که مصادف شده با روز جهانی فشارخون که در ۲۷ اردیبهشت ماه بود.»

به همین دلیل برنامه‌های مختلفی از طرف دانشگاه‌های علوم پزشکی برای این هفته در نظر گرفته شده است. البته چون هفته سلامت مصادف شده با روز جهانی فشارخون مسلماً روی بحث بیماری پرفشارخون مانورهای بیشتری داده خواهد شد.»

شرایط بیماری‌شان طبیعی می‌شود، یعنی می‌توانند به حالت عادی برگردند. افرادی که مبتلا به پرفشاری خون هستند، هم با کاهش وزن به فشار خون نرمال می‌رسند. البته افرادی که تصمیم به کاهش وزن دارند به تازگی داروهایی برای آنها در بازار دارویی دنیا و البته ایران آمده است که می‌توانند راحت‌تر برای اصلاح سبک زندگی و کاهش وزن گام بردارند. البته کم‌هزینه‌ترین روش کاهش وزن فعالیت بدنی است، اما ورزش به تنهایی وزن را کاهش نمی‌دهد، تغذیه مناسب و رژیم غذایی در کنار فعالیت بدنی مؤثر خواهد بود.»

باشند، خدمات مشاوره‌ای و روانشناسی هم دریافت می‌کنند.»
مدیر برنامه کشوری دیابت با اشاره به برنامه هفتم توسعه برای کنترل بار بیماری‌های غیرواگیر می‌گوید: «در بند چ ماده ۷۳ برای پیشگیری به‌بیمه‌ها اجازه دادند که بخشی از بودجه خود را به‌عنوان مشوق در اختیار مردم قرار بدهند تا افراد با راهکارهای موجود به سمت سلامتی قدم بردارند مثلاً در مورد افرادی که پیش دیابت دارند یا حتی به تازگی مبتلا شده‌اند، اگر پنج تا هفت درصد وزن بدن‌شان را کاهش بدهند، در بسیاری از موارد

آگهی دعوت سهامداران شرکت آمل تکنیک (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۳۲۸۴ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۰۷۵۲۰۶
جهت تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه شرکت که در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۸ ساعت ۸ به آدرس استان مازندران، شهرستان آمل، بخش دابودشت، شهر دابودشت، دابو، خیابان (هندوکلا)، جاده (آمل)، پلاک ۰، طبقه همکف کدپستی ۴۶۸۳۲۳۸۹۳ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱- انتخاب اعضای هیات مدیره ۲- انتخاب بازرسان ۳- انتخاب روزنامه کثیرالتنشر

هیات مدیره شرکت

شرکت سرمایه گذاری و توسعه ارونند

آگهی لغو فراخوان

بدین وسیله شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه ارونند با شماره ثبت ۲۹۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۶۳۴۵۹ اعلام می‌نماید، فراخوان ساخت و اجاره غرفه در مجتمع تجاری ارونند لغو گردید.

سایا

مناقصه عمومی فیزیکی

شرح:

تأمین الکتروموتور گیربکس ترمزدار

جهت تحویل مشخصات فنی (پاکت الف) و لیست قیمت (پاکت ب)، لطفاً به بخش دبیرخانه شرکت سایا تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ مراجعه فرمایید.

معاونت خرید گروه - مدیریت خرید غیرتولیدی و خدمات

ایران

تلفن: ۸۸۷۶۹۰۷۵
تلفار: ۸۸۷۶۹۰۷۴
پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳

editorial@iran-newspaper.com

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی سه فقره مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

تأمین دکل‌های حفاری ذیل الذکر در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	کد فراخوان در ستاد
۱۴۰۳/۰۳/۲۰۲۹	تأمین یک دستگاه دکل حفاری دریایی ۳۵۰ فوتی و یا بالاتر با کانتینلیور ۷۰ فوتی	۲۰۰۵۰۹۳۶۳۱۰۰۰۰۳۱
۱۴۰۳/۰۳/۰۵۷	تأمین یک دستگاه دکل حفاری دریایی ۳۵۰ فوتی و یا بالاتر با کانتینلیور ۷۰ فوتی	۲۰۰۵۰۹۳۶۳۱۰۰۰۰۳۲
۱۴۰۳/۰۳/۰۶۰	تأمین یک دستگاه دکل حفاری دریایی ۳۵۰ فوتی و یا بالاتر با کانتینلیور ۷۰ فوتی	۲۰۰۵۰۹۳۶۳۱۰۰۰۰۳۳

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصات فوق‌الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان مناقصات صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir خواهد شد و کلیه آگهی‌ها و دعوت‌نامه‌ها، تغییرات، اصلاحات و... صرفاً از طریق سامانه ستاد به اطلاع مناقصه‌گران رسانده می‌شود. لازم است پیشنهاددهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند و به‌صورت منظم جهت دریافت دعوت‌نامه‌ها، تغییرات، اصلاحات به سامانه ستاد مراجعه نمایند.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: تلفن: ۰۲۱-۲۳۳۸۲۵۲۹
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت: مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶۰۰۲ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی مزایده فروش اموال (سهام) مازاد

بانک گردشگری (سهامی عام) در نظر دارد در راستای اجرای ماده ۱۶ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴، دستورالعمل نحوه واگذاری سرمایه‌گذاری غیربانکی مؤسسات اعتباری شماره ۲۳/۱۷/۲۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۴، سیاست‌ها و الزامات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران درخصوص فروش سهام و اموال تملیکی، نسبت به فروش و واگذاری سهام به‌شرح ذیل با وضعیت موجود و بر مبنای قیمت پایه مزایده به‌صورت حداقل ۱۰ درصد نئمن معامله نقد و مابقی اقساط (می‌تواند با اعمال تنفس باشد) تا سقف مدت ۵ سال و با سایر طرق قانونی و اعمال مفاد ماده ۱۹ دستورالعمل نحوه واگذاری سرمایه‌گذاری غیربانکی مؤسسات اعتباری مطابق شرایط و جداول پیوست اسناد مزایده، اقدام نماید.

لذا، از تمامی سرمایه‌گذاران و متقاضیان خرید دعوت می‌گردد:

حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۸، جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۲۳۹۵۳۵۱۵ تماس حاصل نموده و جهت ارائه درخواست به دبیرخانه مرکزی بانک گردشگری (سهامی عام) به آدرس تهران، بلوار فرهنگ پایین‌تر از میدان فرهنگ، تیش بن بیست نور، پلاک ۶، ساختمان مرکزی بانک گردشگری (سهامی عام) به کدپستی ۱۹۹۷۷۳۴۴۵۹ ارسال نمایند.

تاریخ بازگشایی پاکات روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ می‌باشد.

ردیف	نام شرکت	نوع	حوزه فعالیت - توضیحات	درصد سهام قابل واگذاری
۱	نگین افق نیایش	سهامی خاص	شرکت پروژه محور، برای ساخت مجموعه تجاری و اداری واقع در تقاطع نیایش، ولی عصر	۱۰۰٪
۲	سرمایه‌گذاری و انبوه‌سازی پارس میکائیکیش	سهامی خاص	شرکت پروژه محور، مالک بخشی از واحدهای تجاری و تمامی واحدهای تقریبی پروژه میکامال کیش	از ۶۱٪ تا ۷۰٪
۳	مجمع فولاد صنعت بناب	سهامی خاص	تولید محصولات فولادی شامل ذوب و نورد و دارنده برند میلگرد شاهین در کشور	۴۳/۴۹٪
۴	پرستیزلند ایران	سهامی عام	شرکت پروژه محور، مالک عمده واحدهای تجاری سیتی سنتر، بخشی از واحدهای اداری و مسکونی به‌همراه مالکیت کامل هتل	از ۲۴/۹۹٪ تا ۲۴٪
۵	فراگستر فدک اسپادان	سهامی خاص	شرکت پروژه محور، سازنده واحدهای تجاری و اداری فدک مال اصفهان و مالک بخشی از متراژهای تجاری و واحدهای تقریبی	از ۱۰٪ تا ۶۶/۵۰٪
۶	توسعه سیاحتن سزمین ایرانیان	سهامی خاص	شرکت پروژه محور، مالک و مجری عمده شهر جدید آیتند	۲۵/۷۹٪
۷	گسترش صنایع و معادن ماهان	سهامی عام	هلدینگ فعال در مجموعه زنجیره تولید فولاد از معادن تا مقطع نورد	۲۹/۷۵٪
۸	توسعه فرآوری صنایع و معادن ماهان سیرجان	سهامی خاص	عملیات اکتشاف و استخراج و فرآوری مواد معدنی فلزی و غیرفلزی- شرکت زیر مجموعه هلدینگ گسترش و صنایع و معادن ماهان	۴۹/۸۸٪

درخواست متقاضیان می‌بایست شامل موارد زیر باشد و برای اشخاص حقوقی، امضای درخواست توسط یکی از صاحبان امضای مجاز ضروری است.

- معرفی کامل مشخصات درخواست‌کننده و تشریح حوزه ی فعالیت
- میزان سهام (درصد) مورد درخواست برای ردیف‌های ۴، ۵ و (متغیر)
- نحوه تسویه نئمن معامله (حداقل معادل ۱۰ درصد نقد و مابقی با دوره تنفس قانونی و حداکثر ظرف مدت ۵ سال در قالب عقد فروش اقساطی یا عقود مرتب‌بند) و برای ردیف‌های ۴، ۵ و (تقدی، اقساط، سهام بورسی، انتقال سایر دارایی‌های سهل‌البیع و...) به‌همراه قید نوع و مشخصات دارایی قابل تهاتر
- لیست سهامداران عمده اشخاص حقوقی و یا مشخصات کامل اشخاص حقیقی خریدار
- آخرین روزنامه رسمی، اعضای هیات‌مدیره و صاحبان امضای مجاز برای اشخاص حقوقی
- آخرین اساتامه شرکت برای اشخاص حقوقی
- صورت‌های مالی حسابرسی شده دوساله اخیر متقاضیان برای اشخاص حقوقی

توضیحات مهم:

- اطلاعات مالی و عملکردی شرکت‌ها، با درخواست کتبی متقاضی و معرفی کامل حوزه فعالیت و ارائه اطلاعات مالی، از طریق اداره امور سرمایه‌گذاری و شرکت‌ها بانک ارائه می‌گردد.
- متقاضیان می‌بایست با اطلاع کامل از وضعیت مالی و عملکردی (براساس اطلاعات موجود شرکت‌ها) نسبت به ارسال درخواست خود اقدام نمایند.
- مبنای قیمت پایه مزایده و انجام معامله به‌صورت نقدی براساس ارزش‌گذاری توسط کارشناسان رسمی دادگستری خواهد بود و در شرایط خرید اقساطی، نئمن معامله متناسب با شرایط خریدار و یا نرخ تسهیلات مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در قالب عقود مربوطه تعدیل می‌گردد.
- در صورتی که سایر دارایی‌ها به غیر از وجه نقد رایج کشور (ریال) به‌عنوان بخشی از نئمن معامله، مورد نظر خریدار باشد، دارایی‌های پیشنهادی می‌بایست مطابق شرایط مندرج در بند قبل مورد ارزیابی و قیمت‌گذاری قرار گیرند.
- بانک در پذیرش یا عدم پذیرش هر یک از تمامی درخواست‌ها و پیشنهادات مختار است.

بانک گردشگری - مدیریت امور سرمایه‌گذاری و شرکت‌ها

در گفت و گو با عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب بررسی شد ریل گذاری حکمرانی آب در برنامه هفتم

گفت و گو

گروه اقتصادی- در ششمین سال خشکسالی، چالش آب در ایران بیش از هر زمان دیگری خود را در دو حوزه نشان می‌دهد: الگوی مصرف و اقتصاد آب. چالش آب در ایران فقط محصول خشکسالی نیست؛ بخشی از آن از دل اقتصاد نادرست آب بیرون آمده است. وقتی قیمت آب در برخی بخش‌ها آتقدر پایین است که عملاً سیگنال مصرف بیشتر می‌دهد، نتیجه چیزی جز تشدید فشار بر منابع آبی نخواهد بود. عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب، در گفت‌وگو با روزنامه ایران با تأکید بر اینکه «مدیریت مصرف» بسیار مؤثرتر از «جیره‌بندی» است، می‌گوید قیمت پایین آب در عمل به مشوقی پنهان برای اسراف تبدیل شده است و همین مسأله مدیریت منابع را دشوارتر کرده است. او در این گفت‌وگو تأکید می‌کند که راه عبور از تنش آبی، جیره‌بندی نیست، بلکه مدیریت مصرف، اصلاح سیاست‌های مصرف آب و استفاده بیشتر از پساب در صنعت است.

با توجه به اینکه کشور وارد ششمین سال خشکسالی شده، آیا شرایط وارد مرحله بحرانی‌تری شده است؟ برای عبور از این وضعیت چه برنامه‌ای دارید؟

خوشبختانه در برنامه هفتم توسعه، ریل گذاری درستی برای حوزه آب انجام شده است؛ هرچند در برخی بخش‌ها، مثل سیاست‌های خاک و کشاورزی، هنوز ناسازگاری‌هایی با فصل آب در برنامه وجود دارد. با این حال، ما بر اساس تکالیف برنامه هفتم، به‌ویژه ماده ۳۷، پنج برنامه اصلی را طراحی کرده‌ایم؛ شامل تأمین و عرضه آب، مدیریت مصرف و تقاضا، حفاظت از منابع آب، مدیریت مخاطرات آبی و در نهایت اصلاحات نهادی و بهبود فضای کسب‌وکار. در مجموع برای این پنج محور، ۴۹ اقدام پیش‌بینی شده است. چهار برنامه اول بیشتر جنبه مدیریتی دارند و برنامه پنجم به حکمرانی آب مربوط می‌شود. یعنی هم‌زمان هم روی مدیریت منابع کار می‌کنیم و هم بر اصلاح حکمرانی آب تمرکز داریم تا بتوانیم از این دوره خشکسالی عبور کنیم.

هدف نهایی این برنامه‌ها چیست؟

هدف اصلی، حفظ پایداری زیست‌بوم است. ما باید به شکلی از منابع آب در سه بخش کشاورزی، شرب و خدمات و نیز صنعت استفاده کنیم که زیست‌بوم کشور پایدار بماند. در ماده ۳۷ و جدول ۷ برنامه هفتم، تکلیف شده تا پایان برنامه، ۱۵

برخی معتقدند سدسازی در بعضی مناطق به جای حل چالش، آن را پیچیده‌تر کرده است. نظر شما چیست؟

سدسازی یک ابزار است؛ مثل باتکی که ایجاد می‌کنید و می‌توان از آن استفاده خوب یا بد داشت. بنابراین نه می‌شود به‌طور مطلق آن را نفی کرد و نه به‌طور مطلق از آن دفاع کرد. در کشور هم سد خوب داریم و هم سد بد. در بعضی پروژه‌ها ممکن است در مرحله مطالعاتی، دقت کافی به خرج داده نشده باشد یا ابعاد پروژه بهینه نبوده باشد. اما در مقابل، سد‌هایی هم داریم که آثار توسعه‌ای و تمدنی مهمی در پایین دست خود ایجاد کرده‌اند. مثل سد درازا در نظر بگیرید؛ تصور مدیریت منابع آب خوزستان بدون سد در تقریباً ممکن نیست. سد‌های سفیدرود، ارس، بوکان و زاینده‌رود هم از جمله پروژه‌هایی هستند که آثار مثبت قابل توجهی داشته‌اند.

با توجه به اینکه بیشترین مصرف آب در بخش کشاورزی است، برای این بخش چه برنامه مشخصی دارید؟

همان ۴۹ اقدام در قالب پنج برنامه برای این حوزه هم دیده شده است. این برنامه‌ها به تأیید دبیرخانه شورای عالی آب رسیده؛ شورایی که اعضای آن شامل وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت، وزارت کشور، سازمان محیط زیست، سازمان برنامه و بودجه، سازمان مدیریت بحران و دو کارشناس منتخب رئیس‌جمهوری هستند.

از سوی دیگر، رئیس‌جمهوری هم تأکید کرده‌اند این برنامه‌ها به استنادها ابلاغ شود تا استانداردی‌ها نیز در اجرای آن نقش داشته باشند. در همین مسیر، از حدود نیمی از استان‌ها پاسخ گرفته‌ایم و پاسخ بقیه استان‌ها نیز در حال دریافت است.

شماره مدیریت مصرف تأکید دارید. تفاوت این رویکرد با جیره‌بندی چیست؟

جیره‌بندی در واقع نوعی



در بخش کشاورزی، قیمت فعلی آب مشوق اسراف است.

در بخش خانگی هم

برای کسانی که بالاتراز الگو مصرف می‌کنند، تعرفه‌ها هنوز

بازارزدگی لازم را ندارد



مدیریت اجباری مصرف است؛ یعنی در زمانی که مردم به آب نیاز دارند، دسترسی آنها محدود می‌شود. مشکل اینجاست که شما نمی‌دانید هر شهروند در چه زمانی مشغول استحمام یا انجام امور بهداشتی است. بنابراین قطع ناگهانی آب، هم ناراحتی ایجاد می‌کند و هم سطح رفاه مردم را پایین می‌آورد. از طرف دیگر، جیره‌بندی می‌تواند به شبکه آبرسانی هم آسیب بزند و پدیده‌هایی مثل ضربه قوچ را به دنبال داشته باشد. تجربه هم نشان داده که در زمان جیره‌بندی، حتی اگر از قبل اطلاع‌رسانی شود، بسیاری از شهروندان ظروف مختلف را پر از آب می‌کنند و بعد از وصل مجدد، بخشی از آن آب بدون استفاده دور ریخته می‌شود. بنابراین جیره‌بندی لزوماً حتی از نظر حجمی هم به کاهش مصرف منجر نمی‌شود. به همین دلیل، مدیریت مصرف آگاهانه توسط خود شهروندان بسیار مؤثرتر است؛ اقداماتی ساده مثل بستن شیر هنگام مسواک زدن یا جمع‌آوری آب سرد ابتدای دوش برای استفاده‌های دیگر، هم مصرف را کاهش می‌دهد و هم سطح رفاه را پایین نمی‌آورد.

وضعیت دشت‌ها و فروشنت زمین به کجا رسیده است؟

ما در کشور ۶۰۹ دشت داریم که بیش از ۴۰۰ دشت در وضعیت ممنوعه یا ممنوعه بحرانی قرار دارند. در حال حاضر نیز حدود ۲۰۰ دشت دچار

فروشنت هستند. اتفاقاً در استان‌ها و مناطقی که آبخوان‌های اصلی را در خود جای داده‌اند، مثل اصفهان، کرمان، فارس، مشهد، تهران، شیراز و مرودشت، این مشکل جدی‌تر است. برنامه کاهش ۱۵ میلیارد مترمکعبی ناترازی آب، یکی از مهم‌ترین ابزارهای ما برای کنترل این وضعیت و مهار فروشنت زمین است.

برای جلب مشارکت مردم در مدیریت مصرف چه مشوق‌هایی در نظر گرفته‌اید؟

مهم‌ترین ابزار، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی است. مردم باید بدانند منابع آب محدود است و بی‌توجهی به مصرف، مستقیماً رفاه آبی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما طبیعتاً این کافی نیست و باید از ابزارهای تشویقی و بازدارنده هم استفاده کرد.

برای مشتریان بدمصرف و پرمصرف، تعرفه‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شده که پرداخت بالاتری داشته باشند، هرچند برای برخی از بسیار پرمصرف‌ها هنوز بازارزدگی کامل ایجاد نشده است. در مقابل، برای مشتریانی که زیرالگو مصرف کنند و نسبت به سال قبل بیش از ۲۰ درصد کاهش مصرف داشته باشند، ۲۰ درصد تخفیف در آب‌بها در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، اگر شهروندی از طریق سامانه ۱۱۲ درخواست نصب تجهیزات کاهش مصرف بدهد، این تجهیزات به‌صورت اقساطی برای او نصب می‌شود و به‌دلیل استفاده از کاهنده نیز ۲۰ درصد دیگر از آب‌بها کسر خواهد شد. در



مجموع، این مشوق‌ها می‌تواند انگیزه خوبی برای کاهش مصرف ایجاد کند.

آیا صنایع بزرگ به استفاده از پساب ملزم شده‌اند؟

بله، در قانون برنامه هفتم به‌صراحت آمده است که به‌جز صنایع غذایی، دارویی و آشامیدنی، همه صنایع باید از آب نامتعارف، یعنی پساب، استفاده کنند. در این برنامه پیش‌بینی شده تا پایان برنامه، یک میلیارد و ۷۷۰ میلیون مترمکعب آب نامتعارف مورد استفاده قرار گیرد. در این زمینه بخشنامه‌های لازم هم صادر شده و با جدیت پیگیری اجرای آن هستیم. در حال حاضر ۱۸۶ پروژه جمع‌آوری فاضلاب در کشور در دست اجراست، هرچند تأمین مالی این پروژه‌ها کار ساده‌ای نیست.

آیا انتقال آب از دریا می‌تواند راه حل چالش آب کشور باشد؟

موافقت یا مخالفت با انتقال آب از دریا به نوع پروژه بستگی دارد. به‌طور کلی، این پروژه‌ها نمی‌توانند به‌تنهایی بحران آب کشور را حل کنند، چون هزینه بسیار بالایی دارند. البته برای نواح ساحلی، چنین طرح‌هایی کاملاً توصیه‌پذیر است. برای کریدور شرق هم قانون مشخصی وجود دارد و برای برخی مناطق فلات مرکزی نیز در اسناد بالادستی و ستاد انتقال آب دریا پیش‌بینی‌هایی شده است. اما باید توجه داشت که اساساً این پروژه‌ها بیشتر برای مصرف صنایع بزرگ، پرآبر و البته پرسود تعریف شده‌اند، نه به‌عنوان نسخه عمومی حل بحران آب در سراسر کشور.

دعوت به شرکت در مناقصه
اخذ پیمانکار عمومی جهت انجام خدمات
نقبت یارسان
مرتب با محصول پار افین (نوبت دوم)

شرکت نفت پارس در نظر دارد اخذ پیمانکار جهت انجام خدمات رنگبری فیلتر آسمون، پرکنسی و قالب گیری، تخلیه و بسته‌بندی پارافین به صورت اسلب (تالیون، کارت تن و پالت) پالایشگاه خود را مطابق اسناد پیوست از طریق مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق وبگاه شرکت نفت پارس به آدرس:

<http://www.parsolco/fa/tender.html> مراجعه فرمایند.

مهلت ارسال پاکت پیشنهادی مربوطه تا تاریخ ۱۳۷۱/۰۵/۲۰ می‌باشد.

واگذاری مشروط بر حصول شرایط قانونی، بر مبنای اسناد انجام خواهد شد.

به پیشنهادی فاقد امضاء، مهر، مشروط، مهیم، فادف تضمین اسبیره شرکت در مناقصه و پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل نشود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه می‌باشد و بدیهی است شرکت نفت پارس در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

آگهی مناقصه عمومی
صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان
شماره ۱۴۰۵-۰۷

موضوع مناقصه: طراحی، ساخت و نصب یک دستگاه پرس هیدرولیک با ظرفیت ۱۵۰ تن

الف) ضمانت شرکت در مناقصه: حاوی سبرده شرکت در مناقصه، ضمانت باشد به یکی از دوروش قابل ارائه می‌باشد:

ضمانت‌نامه بانکی با چک تضمین شده بانکی معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی یا چک صیادی و سفته هر کدام معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی (جمعاً به میزان ۱۰٪ مبلغ کل پیشنهادی)

ب) مهلت دریافت اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

ج) مهلت تحویل اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۹

د) زمان بازگشایی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۱

محل دریافت اسناد مناقصه: کیلومتر ۴۵ جاده اصفهان- مبارکه، روبه‌روی روستای باغ ملک، صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان، معاونت بازرگانی «مدیریت خرید» شماره تماس: ۰۳۱۳۳۹۷۳۳۳۰۶ و ۰۳۱۳۳۹۷۳۳۳۰۶

(هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.)

روابط عمومی صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان

آگهی دعوت به مناقصه عمومی
تأمین ۱۰۰۰ حلقه چرخ منوبلوک ۹۲۰
شماره ۰۵-۰۳-۱۰۰

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد (بن ریل) در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه به شرح زیر اقدام نماید:

۱- موضوع مناقصه: تأمین و تحویل ۱۰۰۰ حلقه چرخ منوبلوک ۹۲۰

۲- مدت و محل اجرا: مدت ۴۱ ماه و محل تحویل انبار تهران می‌باشد.

۳- مهلت خرید، محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: متقاضیان می‌توانند حداکثر ظرف مدت (۱۰) ده روز از تاریخ درج آگهی (به استثنای پنج شنبه و جمعه) از ساعت ۸ لغایت ۱۶ یا در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی جهت خرید و دریافت اسناد مناقصه به نشانی: تهران، خیابان شهید مطهری، بعد از چهارراه مفتح، نرسیده به جهانباب، پلاک ۱۷۳، ساختمان بن ریل، واحد تدارکات مراجعه نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکت اسناد تکمیل شده مناقصه ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ به دبیرخانه شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد واقع در طبقه دوم ساختمان بن ریل می‌باشد.

۴- متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (معادل پانصد هزار تومان) به حساب ۰۸۸۹۲۱۲۳۰۱-۸۱۴-۳۹۲ نزد بانک سینا شعبه پارک ساعی به نام شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد، قابل پرداخت در کلیه شعب بانک سینا واریز و فیش پرداختی به‌همراه معرفی‌نامه را به واحد تدارکات شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد به نشانی مندرج در بند ۳، طبقه اول تحویل و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام فرمایند.

۵- بازگشایی پاکت "الف و ب و ج" مناقصه ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ در ساختمان بن ریل برگزار خواهد شد.

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد

مزایده فروش اموال مازاد منقول
مدیریت شعب استان البرز شماره ۱/۱۴۰۵
بانک صادرات ایران

بانک صادرات ایران مدیریت شعب استان البرز در نظر دارد نسبت به فروش یک فقره سیم کارت همراه اول به شماره ۰۹۱۳۱۸۰۰۰۰ از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد شرکت در مزایده از تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ لغایت ۱۴۰۵/۰۲/۳۰ به مدت ۳ روز کاری از ساعت ۸ الی ۱۳ به آدرس کرج، چهارراه طالقانی، بانک صادرات، مدیریت شعب استان البرز، طبقه پنجم، دایره تدارکات و ساختمان مراجعه نموده و در صورت نیاز با شماره تلفن ۰۲۶۰۳۲۲۲۲۰۰ تماس حاصل نمایند.

توضیحات:

۱- آخرین مهلت فروش اسناد مزایده تا ساعت ۱۳ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۳۰ می‌باشد.

۲- جهت خرید پاکت و دریافت اسناد و اوراق مزایده ارائه فیش واریزی به مبلغ ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال نزد حساب شماره ۰۱۰۲۹۹۵۳۳۹۰۵ با شماره شبای ۰۵۳۳۹۰۵۳۳۹۰۵ IR نام دایره تدارکات و ساختمان بانک صادرات استان البرز الزامی می‌باشد. (غیرقابل استرداد)

۳- پرداخت کلیه هزینه‌های مورد مزایده از قبیل هزینه‌های کارشناسی، هزینه درج آگهی و... به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.

۴- جمع کل قیمت پایه کارشناسی سیم کارت مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال معادل بیست میلیارد تومان می‌باشد.

۵- سبرده تودعی شرکت در مزایده به مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال معادل دو میلیارد تومان به‌صورت چک بانکی در وجه بانک صادرات ایران یا واریز وجه نقد به شماره حساب مندرج در بند ۲ و ارائه رسید آن جهت شرکت در مزایده الزامی است.

۶- بانک در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات خرید مجاز است.

۷- آخرین مهلت تحویل اسناد مزایده تا ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ نشانی کرج چهارراه طالقانی بانک صادرات مدیریت شعب استان البرز طبقه چهارم دایره دبیرخانه و روابط عمومی در قابل اخذ رسید خواهد بود و جلسه بازگشایی پاکت در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ در همین آدرس با حضور مسئولین دبیرت مفتوح و فرائت خواهد شد.

۸- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده درج شده است.

آگهی مناقصه عمومی صنایع
خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۱۴۰۵/۱۰۰-۱۰

این صنایع در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مناقصه از تأمین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.

۱- خرید انواع سیم و کابل خودرویی با گرید T3

۲- خرید انواع ورشو و مقاطع آلومینیومی

۳- خرید ۳ ردیف تابلو مسیر اتوبوس (جلو، بغل، عقب)

هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

آگهی مناقصه عمومی صنایع
خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۱۴۰۵/۱۰۰-۰۹

این صنایع در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مناقصه از تأمین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.

۱- خرید انواع سیم و کابل خودرویی با گرید T3

۲- خرید انواع ورشو و مقاطع آلومینیومی

۳- خرید ۳ ردیف تابلو مسیر اتوبوس (جلو، بغل، عقب)

هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

آگهی مناقصه عمومی

یک شرکت صنعتی در اصفهان در نظر دارد قلم مشروحه ذیل را (مطابق مشخصات فنی) از طریق مناقصه عمومی از شرکت‌های واجد شرایط خریداری نماید. لذا از کلیه شرکت‌ها و کارخانجات واجد شرایط و دارای سابقه کار مفید و امکانات لازم دعوت به‌عمل می‌آورد ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی با شماره تلفن ۰۳۱-۵۲۳۲۲۳۱۱-۶ داخلی ۸۴۴۸۴ تماس برقرار نموده و به منظور دریافت اسناد مناقصه هماهنگی لازم به‌عمل آید.

«هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.»

شماره مناقصه	موضوع	تعداد دستگاه	مشخصات فنی
۴۰۵-۱۰۰۰۰۵	گیوتین مقوا بری	۱	مطابق با مستندات فنی درج شده در اسناد
۴۰۵-۱۰۰۰۰۶	گیوتین ورق بری	۲	مطابق با مستندات فنی درج شده در اسناد
۴۰۵-۱۰۰۰۰۷	دستگاه لاک کاری	۱	مطابق با مستندات فنی درج شده در اسناد

روابط عمومی شرکت صنعتی

بناگاه

تقدیر معاون رئیس جمهور و

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران از

سرپرست مدیریت عامل بانک سرمایه

معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با ارسال لوح تقدیری خطاب به موسی اسلامیان، سرپرست مدیریت عامل بانک سرمایه، از اقدامات این بانک در ارائه خدمات و صیانت از اموال مردم در جنگ تحمیلی سوم تشکر کرد.

به گزارش روابط عمومی بانک سرمایه، سید احمد موسوی، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، با ارسال لوح سپاسی خطاب به موسی اسلامیان، سرپرست مدیریت عامل بانک سرمایه، از مجاهدت‌ها و تلاش بی‌شائبه این بانک در صیانت شایسته از دارایی‌های مردم و استمرار خدمت‌رسانی در زمان جنگ تحمیلی سوم تشکر و قدردانی کرد. در بخشی از این لوح سپاس آمده است: «عظمت، پیشرفت و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مرهون پایداری مردم و درایت مدیران جهادی و متعهدی است که با مجاهدت و ایمان، طریق خدمت به کشور را برگزیده‌اند و در این مسیر الهی در برابر تمام تهدیدها و دشواری‌ها ایستاده‌اند. مدیران بانکی کشور نیز با روحیه و سلوک ایثارگرانه در جنگ تحمیلی سوم، به شایستگی از دارایی‌های مردم در سیستم بانکی صیانت نمودند و با تدابیر و استمرار خدمت‌رسانی، نشان دادند که می‌توان با بینش انقلابی در هر شرایطی پاسدار و امانت‌دار اعتماد ملت شریف ایران بود. اینجانب اقدامات ارزنده‌ی شما را در نظام بانکی کشور را چ می‌نهم و در گره‌ها و پرده‌ها برای شما توفیق و سرفرازی مسألت دارم. امید آن که در مسیر خدمت همواره موفق و سرلبد باشید.»

تداوم رتبه اول بانک ملت و

شرکت به پرداخت ملت

در بازار پرداخت الکترونیکی

بانک ملت و شرکت به پرداخت ملت در فروردین ماه ۱۴۰۵ موفق به تداوم صدرنشینی در شاخص‌های عملکردی تعداد و مبلغ تراکنش خرید در حوزه پرداخت دیجیتال کشور شدند. به استناد گزارش شماره ۱۳۰۰ شاپرک مربوط به مقطع فروردین ماه ۱۴۰۵، بانک ملت و شرکت به پرداخت ملت با ادامه روند روبه رشد و کسب رتبه اول توانستند در شاخص‌های عملکردی مبلغ و تعداد تراکنش خرید، همچنان بر مدار صعود باقی بمانند.

بانک ملت در فروردین ماه ۱۴۰۵ در شاخص‌های سهم‌درصد مبلغ و تعداد تراکنش خرید به ترتیب سهم ۱۸.۹۳ درصد و ۲۱.۱۷ درصد و شرکت به پرداخت ملت به ترتیب سهم ۲۴.۳۶ درصد و ۲۱.۸۴ درصد را کسب کردند.

فعالان اقتصادی خواستار بازتعریف سیاست‌های اقتصادی متناسب با شرایط کشور شدند

آمادگی بخش خصوصی برای بازسازی در پسا جنگ



گزارش

گروه اقتصادی

محور اولین جلسه هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران در سال ۱۴۰۵ به شرایط بنگاه‌های اقتصادی در جنگ و پسا جنگ اختصاص یافت. فعالان اقتصادی در این نشست اعتقاد داشتند باید سیاست‌گذاری‌های اقتصادی متناسب با شرایط بازتعریف شود. همچنین رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران اعلام کرد، این نهاد سه مرحله جنگ، بازسازی و نوسازی حکمرانی اقتصادی را طراحی کرده و برای هماهنگی اقدامات، ستاد اقتصادی ویژه‌ای تشکیل داده است. همچنین سه سناریوی توقف جنگ، رفع محاصره و توافق اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

عیسی منصوری، رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران، بر

ضرورت افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد تأکید کرد. به گفته او، در شرایط فعلی باید بر فعالیت‌ها و رسته‌های کلیدی تمرکز و از فعالان خصوصی توانمند برای مدیریت تأمین کالا و مسئولیت‌های اقتصادی استفاده شود. در بخش دیگری از نشست، گزارشی از وضعیت صنعت پتروشیمی و بازار محصولات پلیمری ارائه شد؛ گزارشی که بیانگر آن بود که با کاهش صادرات محصولات پتروشیمی و افت تقاضا، امکان تأمین نیازهای ضروری کشور از طریق واردات پلیمرها فراهم شده است. بر اساس این گزارش، میزان واردات ماهانه مواد اولیه در صنایع مختلف بین ۱۲ تا ۱۷ میلیون دلار برآورد می‌شود. همچنین روند معاملات پلیمر در بورس کالا از اواخر فروردین دوباره صعودی و حدود ۷۵ درصد عرضه محصولات پتروشیمی احیا شده است. در عین حال برای جلوگیری از کمبود کالاهای اساسی وابسته به بسته بندی، واردات برخی اقلام خاص باید هر چه سریع‌تر آغاز شود.

گزارش دیگری در حوزه صنعت فولاد ارائه شد که حاکی از آن بود با وجود آسیب‌های ناشی از جنگ، همچنان حدود ۵.۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور و نزدیک به دو میلیون شغل مستقیم و غیرمستقیم را حفظ کرده است. بر اساس این گزارش، کمبود جدی در محصولات فولادی پیش‌بینی نمی‌شود، اما واحدهای آسیب‌دیده یویژه فولاد مبارکه و فولاد خوزستان نیازمند حمایت جدی برای جلوگیری از تعدیل نیرو هستند.

بازسازی به دست

بخش خصوصی

فرج‌الله معماری، رئیس اتاق سمنان نیز در نطق خود در هیأت نمایندگان تأکید کرد، کشور برای عبور از شرایط فعلی به اصلاحات جدی اقتصادی و افزایش نقش بخش خصوصی نیاز دارد. او گفت، مسأله امروز فقط قبول ضرورت اصلاحات نیست، بلکه باید این توافق‌ها به تصمیم‌ها و اقدامات عملی تبدیل شوند. به گفته او، بخش خصوصی اکنون فقط یک بازیگر اقتصادی نیست، بلکه نقش مهمی در امنیت و تاب‌آوری

اقتصاد کشور دارد؛ زیرا حفظ تولید، اشتغال، زنجیره تأمین و صادرات به توان این بخش وابسته است. معماری هشدار داد، افزایش هزینه تولید، بی‌ثباتی سیاست‌ها و محدودیت سرمایه‌گذاری، توان مقاومت اقتصاد کشور را کاهش می‌دهد. او همچنین با اشاره به نزدیک شدن ایران به دوره «بازسازی اقتصادی» گفت، باید از ظرفیت واقعی بخش خصوصی استفاده شود و بازسازی اقتصاد ایران تنها با حضور یک بخش خصوصی قدرتمند، مشارکت‌محور و تصمیم‌ساز امکان‌پذیر است.

بر رسته‌های کلیدی، متناسب با شرایط جاری تمرکز شود

عیسی منصوری، رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با ارائه گزارش اقتصاد در شرایط ویژه گفت: «در شرایطی هستیم که کشور از جنگ مستقیم، آرام‌آرام به سمت فشار ژئواکونومیک وارد می‌شود؛ بنابراین باید در سیاست‌گذاری ملی نیز تمرکز اصلی را بر این حوزه قرار دهیم.» او با بیان اینکه اتاق در این دوره باید نهاد عملیاتی راهبردی باشد، افزود: «سه دوره جنگ، بازسازی و نوسازی حکمرانی اقتصادی را تعریف کردیم و برای انسجام بیشتر عملکردها در این سه حوزه، ستاد اقتصادی در اتاق تشکیل شد.» منصوری با بیان اینکه شناسایی آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگ از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق انجام شد، ادامه داد: «در سه سناریو توقف جنگ، رفع محاصره و توافق، شرایط را با یک پلتفرم دیجیتال که اخیراً در مرکز پژوهش‌ها مستقر شده، پیش‌بینی کردیم.» او با اشاره به الگوی فعلی کشور که متشکل از هسته قدرت اقتصادی، گروه‌های دارای دسترسی و در نهایت سهم پایین بخش خصوصی است،

بررسی حجم

دادوستد

پلیمرها در

۶ ماه اخیر

نشان می‌دهد

از ۲۱ فروردین

دوباره روند

افزایشی و ۷۵

درصد عرضه

محصولات

پتروشیمی در

بورس احیا

شده است

آن در بورس کالا بر بازار محصولات پلیمری و صنایع تکمیلی ارائه داد و گفت: «به دلیل کاهش صادرات مواد نیمه‌خام و نهایی حوزه پتروشیمی و کاهش تقاضا، می‌توان به تأمین نیازهای اساسی با واردات پلیمرها امیدوار بود.» ترکان، میزان واردات سرخ‌فشان را پیش‌بینی کرد و افزود: «میزان واردات سرخ‌فشان در این دوره را در سه سناریو به ترتیب حدود ۱۸۷، ۳۴۷ و ۴۷۵ میلیون دلار در ماه عنوان کرد.»

رئیس انجمن ملی پلیمر ایران، در بخش دیگری از اظهارات خود تصریح کرد: «بررسی حجم دادوستد پلیمرها در ۶ ماه اخیر نشان می‌دهد از ۲۱ فروردین دوباره روند افزایشی و ۷۵ درصد عرضه محصولات پتروشیمی در بورس احیا شده است.»

با کمبود محصولات فولادی مواجه نیستیم

وحدی یعقوبی، معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد هم با ارائه گزارشی از آخرین وضعیت زنجیره فولاد، گفت: «۵/۵ درصد جی‌دی‌پی قبل از جنگ مربوط به صنعت فولاد بود که با وجود آسیب‌های جنگ این سهم حفظ خواهد شد. همچنین صنعت فولاد دو میلیون اشتغال مستقیم و غیرمستقیم را در اختیار دارد که با توجه به ۸ درصد شاغلان کشور، با این حساب، واحد‌های آسیب‌دیده به خصوص فولاد مبارکه و خوزستان، نیازمند حمایت‌های جدی برای جلوگیری از تعدیل نیرو هستند.»

یعقوبی افزود: «با تمام آسیب‌های وارد شده، بجز آورد ما این است که میزان کمبود محصولات فولادی قابل توجه نیست.»

گفت: «الگوی پیش روی کشور باید با رویکرد افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد تغییر کند.» رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران ادامه داد: «باید بر رسته‌های کلیدی متناسب با شرایط جاری تمرکز شود. در این رسته فعالیت‌های کلیدی، به سراغ فعالان خصوصی پیش رو برویم که توان پذیرفتن مسئولیت در این دوره را دارند. مثلاً کسانی که اعتبار برای واردات کالا از خارج کشور را دارا هستند.»

منصوری، مدل اقتصاد سلولی مقاوم را پیشنهاد داد و دربار آن توضیح داد: «در استان‌ها و مناطق به گونه‌ای الگوی اقتصادی را طراحی کنیم که اگر استانی صدمه دید، این صدمه به کل کشور تسری پیدا نکند.» او تأکید کرد: «نکته مهم در این شرایط، گذار از الگوی سیاست‌گذاری رشد محور به الگوی سیاست‌گذاری بقا و مقاومتی است. در حال حاضر سیاست‌ها رشد محور است؛ لذا تصمیم‌گیری‌ها به دنبال رشد و بهره‌وری بیشتر هستند، در حالی که باید به سمت اقتصاد بقای شبکه‌ای میل کنیم. در این شرایط، مدیریت زنجیره‌ها و جلوگیری از تنش‌های اقتصادی اهمیت خواهد داشت. بنابراین باید تولید پراکنده، لجستیک چند مسیره، مبادلات ارزی و مالی چندلایه، جلوگیری از تصمیم‌گیری متمرکز و تمرکز بر نقش آفرینی بخش خصوصی به عنوان زیرساخت امنیت کشور و محور اقتصاد مقاومتی در اولویت قرار گیرد. این الگو در نهایت می‌تواند ما را به سمت اصلاح و نوسازی حکمرانی اقتصاد پیش ببرد.»

آخرین وضعیت محصولات

صنعت پتروشیمی

سعید ترکان، رئیس انجمن ملی پلیمر ایران نیز گزارشی از آخرین وضعیت صنعت پتروشیمی و آثار

آگهی فراخوان
شماره ۲۳۸۱/۷۷۰۰۴۰۵۰۰۷/ت ک م ع
ژنراتور 100 KVA
دارای AVR دائم کار
آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند ۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ می‌باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت www.torc.ir بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.

روابط عمومی و بین الملل شرکت پالایش نفت تهران

آگهی فراخوان
شماره ۲۳۳۸/۰۴۸۰۰۰۰۸/ت ک م ع
TUBE BUNDLE
آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند ۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ می‌باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت www.torc.ir بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.

روابط عمومی شرکت پالایش نفت تهران

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۵/۰۰۶/م (یک مرحله‌ای)
انجام خدمات دستور کارهای عمرانی
آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال فرم تکمیل‌شده ارزیابی مناقصه‌گران تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۷ می‌باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت www.torc.ir بخش فراخوان‌ها آدرس مراجعه فرمایید.

روابط عمومی شرکت پالایش نفت تهران

آگهی فراخوان
شماره ۲۳۹۱/۰۴۸۰۳۸۷/ت ک م ع
ساخت قطعات PARTS FOR LMF RECIPROCATING GAS COMPRESSOR
آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند ۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ می‌باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت www.torc.ir بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.

روابط عمومی و بین الملل شرکت پالایش نفت تهران

ابلاغ آگهی
بدین وسیله به اطلاع خانم معصومه عباس دوست فرزند لطفعلی پرستار رسمی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می‌رساند؛ نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۲۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر اخراج از دستگاه متبوع صادر گردیده و هیچ‌گونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد. لذا مشارالیه در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت توسعه و سرمایه انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

Public announcement for Identification and Quality Assessment of Suppliers
A reputable international company in the field of supplying foreign goods and services intends to identify and assess active international suppliers in the oil, gas, petrochemical, mining and energy industries with the aim of completing and developing its sourcing database. All suppliers interested in participating in this quality assessment are hereby invited to send their declaration of readiness Email according to the table below to the email address: sourcing@thbkhfco.com.

Subject of Email	Evaluating of International Suppliers
موضوع/Subject ایمیل:	فراخوان ارزیابی تأمین کنندگان بین الملل
متن ایمیل شامل:	نام شرکت، شماره ثبت، رزومه/کاتالوگ/پروفایل شرکت و اطلاعات تماس (موبایل و ایمیل)

It is worth noting that after receiving above declaration of readiness Email - in response to it - the quality assessment forms will be provided to the applicants so that after the aforementioned forms are completed and sent by the esteemed suppliers, the quality assessment process will begin. It is also informed that after the evaluation stage, only qualified companies will be invited to future bids, therefore, sending relevant documents by suppliers will not create the right to participate in company's bids.

Sourcing Department
Email: sourcing@thbkhfco.com

روابط عمومی و بین الملل شرکت پالایش نفت تهران

آگهی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران - مناقصه عمومی
شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۹۳۶۷۰۰۰۱۲/م
شماره ۱۴۰۵/۹۰۱/م م

شرکت نفت و گاز اروند (مناقصه‌گزار) در نظر دارد خدمات موضوع فوق را از طریق شرکت‌های واجد صلاحیت داخلی (پیمانکار، به‌صورت انفرادی یا کنسرسیوم) تأمین نماید. بدین وسیله از کلیه شرکت‌هایی که دارای شرایط ذیل می‌باشند دعوت می‌گردد اسناد و مدارک خود را براساس اعلام ارزیابی کیفی، برای ارزیابی و تعیین صلاحیت به این امور ارسال نمایند.

الف- موضوع مناقصه عبارت است از: استفاده از خدمات اجاره روزانه یک دستگاه حفاری ۲۰۰۰ اسب بخار به همراه خدمات جانبی در میادین اروند - بنه دو ماه - برآورد مالی مناقصه: برآورد کلی مناقصه ۳۱,۷۸۱,۵۳۳ (سی و یک میلیون و هشتصد و هشتاد و یک هزار و پانصد و نود و سه) دلار آمریکا می‌باشد.

ج- نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه: از نوع سیرده (واریز وجه نقد) و با ضمانت‌نامه بانکی معتبر به میزان ۳۳۰,۸۵۴ (سیصد و هشتاد هزار و هشتصد و پنجاه و چهار) دلار آمریکا می‌باشد.

د- مطابق تبصره ذیل ماده ۹ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (تضمین‌نامه شماره ۱۲/۲۲۳۴۲/۵۰۶۵۹ مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۲۴): اشخاص ایرانی مجازند به جای ضمانت‌نامه‌های ارزی، ضمانت‌نامه ریالی بانکی براساس نرخ تسعیر ارز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارائه نمایند. (مبنای نرخ تسعیر ارز: مطابق نرخ خرید حواله‌های ارزی مندرج در سامانه معاملات الکترونیکی (ETS))

ه- مدت اجرای قرارداد: ۳۶ ماه

و- شرایط الزامی برای ورود به مرحله ارزیابی کیفی (در صورت عدم دارا بودن و یا عدم ارائه هر کدام از موارد ذیل، ارزیابی کیفی آن شرکت انجام نخواهد شد):

- داشتن گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری رتبه ۱ در رشته نفت و گاز
- میزان‌های ارزیابی کیفی:
- تجربه و دانش در زمینه مورد نظر
- حسب سابقه در کارهای قبلی
- توان مالی

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروند

AOGC.IR

حکمرانی فرهنگ پایه با تکیه بر میراث فرهنگی



علی دارابی قائم مقام وزیر ومعاون میراث فرهنگی کشور

باور عمومی از «میراث فرهنگی»، « داشته و دارایی از «که و چه » «یودم‌های تاریخی» است و عموماً به «که و چه » «باشم‌های امروزی» منتهی نمی‌شود. در مراتب حفظ و صیانت از میراث فرهنگی نیز این نقصان رویکرد موجب تعارض باوری و عملی براهمیت و ضرورت حفاظت از آن، در مسیر رشد و توسعه کشور شده است و میراث فرهنگی را به عنوان مهم‌ترین رکن و منبع توسعه پایدار سرزمینی در پایه‌ریزی چهارچوب‌های حکمرانی کشور بی نقش و تأثیر می‌کند.

در پیوند دو مؤلفه «میراث فرهنگی» به عنوان منبع و داشته در اختیار جوامع امروز با «نظام حکمرانی»، غفلت از تأثیر و تأثر و نحوه ایجاد ارتباط عملی این دو مؤلفه، موجب می‌شود حکومت و جامعه مهم‌ترین تکیه‌گاه جهت دهنی تضمین پیش برای رشد و بالندگی پایدار خود را نادیده بگیرد و در این راه در عمل مفهوم پایداری سرزمینی با مخاطره مواجه می‌شود.

توجه نظام‌های حکمرانی به مقوله «فرهنگ»، چه در اتخاذ «نظام حکمرانی فرهنگ پایه»، و چه در انتخاب «نظام حکمرانی فرهنگی»، فرهنگ و عناصر

آن را به مقوله و رویکردی جدی در نظام حکمرانی تبدیل کرده است و تأثیر مهمی بر تحقق کیفی چشم اندازهای مطلوب جامعه دارد.

ورای امر پدیهی بهره‌گیری از اصل فرهنگ در نظام حکمرانی جوامع، این نکته حائز اهمیت است و حکومت‌ها در انتخاب مسیر خود مذاقه می‌کنند که «آیا فرهنگ و عناصر آن پایه و اصل شکل بخشی بر کلیت نظام حکمرانی است؟» یا «کفایت می‌کند که بخش فرهنگ جامعه در قالب «نظام حکمرانی فرهنگی» نظام بخشی شود؟» برای کشور ی با غنا وخاستگاه فرهنگی و تمدنی ایران که یکی از ده تمدن کهن بشری است توجه به این پیوند و انتخاب رویکرد درست و ثمربخش حائز اهمیت‌تر است.

توسعه‌ای و سیاسی کشور متصل کرده است در حالی که راه رشد و تعالی پایدار اقتصادی، عمرانی و سیاسی کشور از تکیه بر منابع فرهنگی در اختیار می‌گذرد. مهم‌ترین پایه و منبع فرهنگی در اختیار برای خوانش و کاربست در نظام حکمرانی فرهنگ پایه، نموده‌ها و تباوهای فرهنگی-تاریخی یا همان «میراث فرهنگی » است. بر اساس نظام حکمرانی کشور، چهارچوب مبانی و خاستگاه‌های معرفتی، فرهنگ پایه و مقصود از «حکمرانی فرهنگ پایه » همان «حکمرانی بر پایه آموزه‌های میراث فرهنگی» است و امروز بیش از هر زمان دیگری جامعه ایرانی نیازمند تحول در اتخاذ این رویکرد است. حکمرانی بر پایه آموزه‌های میراث فرهنگی در چهارچوب-فراز حکمرانی فرهنگ پایه، مفهومی فراتر

فرهنگی فرمودند: «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ هستند.» این فرمایش مبین، دیدگاه و رویکرد حکمرانی فرهنگ پایه مغفل‌ه بود، هرچند در عمل در استقرار نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری کشور با وجه تقلیل یافته‌ای از منویات ایشان مواجهیم و جامعه سیاست‌گذار کشور یا مستقلاً فرهنگ را امری جدای از اقتصاد و سیاست توسعه و عمران کشور دیده و به دنبال «نظام حکمرانی فرهنگی » بوده، یا در سطح پیوست‌نگاری فرهنگی، موضوع فرهنگ را به نظام حکمرانی اقتصادی، توسعه‌ای و سیاسی کشور متصل کرده است

«حکمرانی میراث فرهنگی » است. تعبیر معنایی و کارکردی حکمرانی میراث فرهنگی که موضوع سیاست‌گذاری برای بخش میراث فرهنگی کشور و تعیین نقش بازیگران برای حفاظت و بهره‌برداری از آن را در بر می‌گیرد، هر چند موضوعی حائز اهمیت و مورد نیاز کشور است، اما هدف اصلی و غایت نهایی نیست. این نوشتار به دنبال تحقق و تبیین نظام کلی حکمرانی فرهنگ پایه برای کشور با تکیه بر آموزه‌های میراث فرهنگی و پیرونی حکمرانی را تأثیر بر پایه میراث فرهنگی » است.

مقصود از «حکمرانی بر پایه میراث فرهنگی» به معنای آگاهی و نقش‌آفرینی ارگان حکومتی و اجتماعی برای حفظ میراث فرهنگی نیست بلکه به معنای تبدیل آموزه‌های حاصل از میراث فرهنگی اعم هنجارها و مسیر حرکت جامعه شکل بگیرد. در واقع تداوم و بالندگی حیات برگرفته از تجارب زیست متعالی سرزمینی به منبع و پشتوانه‌ای آزمون شده برای مدل استقرار، حرکت و تداوم رشد و بالندگی جامعه و حکمرانی بر آن است. این مدل به دنبال تأثیر پذیری میراث فرهنگی در مدل حکمرانی جامعه نیست بلکه رویکرد مطلوب در نظام حکمرانی را تأثیر آموزه‌های میراث فرهنگی بر اتخاذ مدل حکمرانی و تکیه بر آن می‌داند.

انسجام درونی و بیرونی جوامع امروزی، مستلزم نهادینه‌سازی شاکله‌ای قوام یافته به پذیرش برسد؟ چگونه می‌توان بدون وعده نجات، بدون تضمین پایان رنج و بدون امید به امنیت نهایی، همچنان زندگی کرد؟ شاید فراتر از نوسان‌های روزمره پیوند می‌زند؛ به یک عمل، یک معنا، یک ایده پرهایی بخش یا یک اخلاقی.

چنین رضایتی، بدون یک بنیان ارزشی ممکن نیست. انسان باید بتواند زندگی خود را به چیزی متصل کند که فراتر از امیال لحظه‌ای و ترس‌های روزگذر باشد. از همین جاست که پرسش اصلی شکل می‌گیرد: چگونه می‌توان فرورختن اند، همچنان به نوعی رضایت و سعادت دست یافت؟

آنچه در اینجا اهمیت دارد، نوعی «پذیرش فعال» است؛ نه تسلیم مغفلهانه، بلکه تصمیمی آگاهانه برای مواجهه با وضعیت. اغلب ما در برابر رنج، فوراً واکنش نشان می‌دهیم: «کی تمام می‌شود؟ اما شاید امکان دیگری هم وجود داشته باشد؛ اینکه انسان بتواند به‌جای انتظار پایان بحران، بگوید: «شاید هرگز تمام نشود، اما اگر کاری از شماست وجود دارد، باید آن را انجام داد.» این همان نقطه‌ای است که بسیاری از سنت‌های فلسفی، از روانی‌گری تا عرفان شرقی، درباره آن سخن گفته‌اند؛ اینکه انسان چگونه می‌تواند نسبت دیگری در درد، فقدان و ناامنی برقرار کند. مسأله این نیست که رنج از میان برود، بلکه این است که فرد بتواند در دل آن، همچنان به زیستن ادامه دهد و معنایی برای «بودن» خود بیابد.

جست‌وجوی آرامش در دل مصیبت
مسأله اصلی این است که انسان بتواند در لحظه وقوع بحران، دست‌کم برای یک لحظه، از واکنش‌های کلیشه‌ای فاصله بگیرد. ما معمولاً بلافاصله به سمت نفی، خشم، شکایت یا جست‌وجوی مقصر می‌رویم. اما پذیرش، به این معناست که فدر در اولین مواجهه، وضعیت را صرفاً پس نزنند؛ بتواند پیش از هر واکنشی، آن را ببیند و تحمل کند. این کار البته ساده نیست. ذهن و عاطفه انسان مدام به سمت واکنش‌های آشنا بازمی‌گردند: خشم، انتقام، شکایت و اضطراب، بارها سر برمی‌آورند. اما شاید تمام مسأله همین باشد که فرد بتواند، حتی برای لحظه‌ای کوتاه، این چرخه را متوقف کند و امکان مواجهه‌ای دیگر را بیازماید.

بسیاری از سنت‌های دینی و عرفانی، این پذیرش را با تکیه بر یک امر بیرونی ممکن می‌کنند؛ یا کتابچه خدا، تقدیر؛ یا نظمی متعالی. در این نگاه، انسان می‌تواند رنج را تحمل کند، زیرا آن بخشی از حکمتی بزرگ‌تر می‌داند. کسی که واقعاً به چنین ایمانی دست یافته باشد، در دل مصیبت نیز نوعی آرامش پیدا می‌کند. بسیاری از انسان‌ها توانسته‌اند با اتکا به همین باورها، فقدان، بیماری و ویرانی را تاب بیاورند.

زندگی در عصر حیرت

اما مسأله انسان معاصر دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که تکیه‌گاه‌هایش فرومی‌ریزند. انسان امروز اغلب در وضعیتی از حیرت و بی‌پناهی زندگی می‌کند؛ وضعیتی که دیگر نه می‌تواند به بنیادهای سنتی بازگردد و نه تکیه‌گاه تازه‌ای یافته است. جهانی که در آن، معناهای پیشین از دست رفته‌اند و معناهای جدید نیز هنوز استقرار نیافته‌اند. در چنین شرایطی، پرسش دشوارتر می‌شود: وقتی تکیه‌گاه وجود ندارد، انسان چگونه می‌تواند

حکومتی و اجتماعی برای حفظ میراث فرهنگی نیست بلکه به معنای تبدیل آموزه‌های حاصل از میراث فرهنگی اعم هنجارها و مسیر حرکت جامعه شکل بگیرد. در واقع تداوم و بالندگی حیات برگرفته از تجارب زیست متعالی سرزمینی به منبع و پشتوانه‌ای آزمون شده برای مدل استقرار، حرکت و تداوم رشد و بالندگی جامعه و حکمرانی بر آن است. این مدل به دنبال تأثیر پذیری میراث فرهنگی در مدل حکمرانی جامعه نیست بلکه رویکرد مطلوب در نظام حکمرانی را تأثیر آموزه‌های میراث فرهنگی بر اتخاذ مدل حکمرانی و تکیه بر آن می‌داند.

انسجام درونی و بیرونی جوامع امروزی، مستلزم نهادینه‌سازی شاکله‌ای قوام یافته



از باورها، ارزش‌ها به شکلی نظام مند و تضمین کننده در بطن جوامع است تا هنجارها و مسیر حرکت جامعه شکل بگیرد. در واقع تداوم و بالندگی حیات فرهنگی، اجتماعی، عمرانی، اقتصادی و حتی سیاسی جوامع نیازمند مجموعه‌ای تداوم یافته از تجارب، و روش‌ها و هنجارهایی است که میراث فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهد. خوانش، روایت و معرفی این میراث در قالب حفظ و صیانت از آن در بی درونی‌سازی یک نظام باوری و ارزشی از دل تداوم تاریخی سنت‌ها، آیین‌ها، آداب، رسوم و تجارب تاریخی هزاران‌ساله در زیست بوم فرهنگی و طبیعی است. از این رو

مدام تجدید شود. انسان تصمیم می‌گیرد که چگونه باشد، که وضعیت را بپذیرد و در برابر آن مقاومت واکنشی غریزی نشان ندهد؛ اما این تصمیم به‌سریعت از دست می‌رود و فرد دوباره به همان الگوهای همیشگی بازمی‌گردد. به همین دلیل، پذیرش فعال در حقیقت نوعی «تعهد مستمر به تصمیم» است؛ تصمیمی که باید لحظه به‌لحظه بازآفرینی شود. انسان بارها تصمیم می‌گیرد که خشمگین نشود، دچار اضطراب نشود، آرام بماند یا شیوه دیگری از زیستن را تجربه کند، اما ناگهان به خود می‌آید و می‌بیند دوباره به همان واکنش‌های قدیمی بازگشته‌است.

پناه‌بردن به غفلت

در سنت عرفانی ما، مفهومی وجود دارد که می‌تواند این وضعیت را توضیح دهد: «غفلت» غفلت به این معنا نیست که انسان چیزی را نمی‌داند؛ مسأله دقیقاً برعکس است. انسان می‌داند، اما آن را نادیده می‌گیرد. همه می‌دانند که لحظه از دست می‌دهد. همه می‌دانند که میراث بخشی از زندگی است، همه می‌دانند جهان ناپایدار است، اما هنگامی که فقدان رخ می‌دهد، چنان واکنش نشان می‌دهند که تمام دامن‌ها را از زندگی بیرون می‌کشند. این امر در واقع نوعی «پناه‌بردن به غفلت» است؛ نه فرار از واقعیت، بلکه فرار از مواجهه با درد و ناامیدی و بی‌پناهی.

به همین دلیل، نقطه‌آغاز این بحث نه امید، بلکه استیصال است. مخاطب این سخن، انسانی است که بسیاری از تکیه‌گاه‌های پیشین را از دست داده و دیگر نمی‌تواند به‌سادگی به نظام‌های آماده یا وعده‌های نجات‌بخش پناه ببرد. مسأله این است که آیا در چنین وضعیتی، هنوز می‌توان امکان دیگری را کشود؟ در اینجا «پذیرش فعال» اهمیتی اساسی پیدا می‌کند. پذیرش، یک وضعیت ثابت و دائمی نیست، بلکه تصمیمی است که باید دوباره و دوباره گرفته شود. این امر در واقع نوعی «پناه‌بردن به غفلت» است؛ نه فرار از واقعیت، بلکه فرار از مواجهه با درد و ناامیدی و بی‌پناهی.

سعادت در محاصره مکانیزم‌های ضد رضایت

اگر بخواهیم بفهمیم چرا رسیدن به رضایت و آرامش تا این اندازه دشوار است، باید به سازوکارهایی نگاه کنیم که اساساً در تولید ناراضایتی بنا شده‌اند. بخش بزرگی از جهان معاصر بر نوعی «مکانیزم ضد رضایت» استوار است؛ سازوکاری که انسان را دائماً در وضعیت اضطراب و میل ننگ می‌دارد. «اقتصاد مصرف‌گرا» نمونه‌ای روشن از این وضعیت است. انسان نمی‌تواند لباسی را بپوشد، بی‌آنکه شبکه‌ای از تبلیغات، هنجارهای اجتماعی و فشارهای فرهنگی به او القا کنند که «دیگر کافی است». اگر فرد از آنچه دارد راضی بماند، چرخه مصرف مختل می‌شود. بنابراین نظام اقتصادی نیازمند آن است که انسان همواره احساس کند چیزی کم دارد. اما مسأله فقط اقتصاد نیست. این سازوکارها در لایه‌های مختلف روانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز عمل می‌کنند. حتی چیزی به ظاهر ساده مانند «غرغر کردن» را نمی‌توان صرفاً یک واکنش روانی بی‌اهمیت دانست. غر زدن، شکایت دائمی و نوسان میان خودبیزاری و خودشیفتگی، بخشی از شبکه‌ای گسترده‌اند که دائماً ناراضایتی را بازتولید می‌کنند. خشم نیز چنین وضعیتی دارد. انسان معمولاً گمان می‌کند دیگری او را



بیش

زیست بوم- اندیشه

حاکمان و سیاست‌گذاران در مدل نظام حکمرانی فرهنگ پایه، در تلاش‌اند تا آثار و عناصر تاریخی-تمدنی سرزمینی خود را در قالب‌های مفهومی و کارکردی شناسایی، عرضه و به عنوان منبعی آزموده شده برای نظام حکمرانی به کاربندند و با پندآموزی از سیر حرکت و رشد جامعه و تداوم تاریخی سنت‌ها به انتقال این منابع به چرخه حکمرانی کمک کنند تا شاکله‌ای مستحکم از الگوها و ساختارها برای حفظ تداوم حیات در بستر سرزمینی فراهم شود. از این رو این آثار و عناصر فرهنگی یا همان میراث فرهنگی مقوم معنایی و شکلی حکمرانی برای جوامع امروزی و خاستگاه و تکیه‌گاهی برای انسجام مسیر توسعه برای جوامع معاصر است.

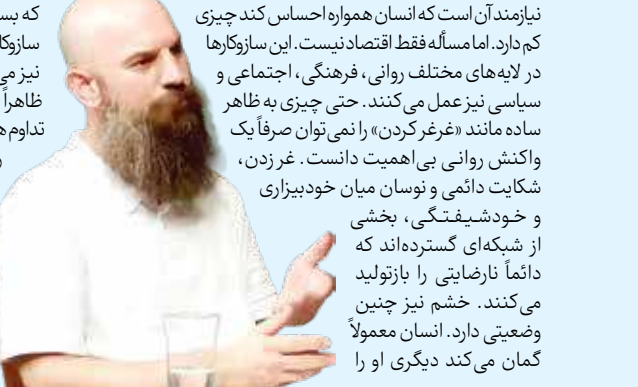
در این‌ساحت از حکمرانی، کاربست میراث فرهنگی به عنوان مهم‌ترین منبع الهام‌بخش، جهت‌دهنده و کاربردی برای تدوین و تبیین حدود و ثغور سیاست‌های توسعه‌ای و حکمرانی، الزاماً در ذیل نظام حکمرانی فرهنگی تعریف نمی‌شود و ساحتی فرابخشی و بنیادتری می‌یابد و در عمل برای جوامع برخوردار از پیشینه فرهنگی و تمدنی، «حکمرانی بر پایه میراث فرهنگی» به عنوان رکنی از حکمرانی بر پایه فرهنگ به مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حکمرانی‌ها تبدیل می‌شود تا میراث فرهنگی را از امری بخشی به موضوعی فرابخشی تبدیل کند. انتظار و امید می‌رود برای میسر و کوتاه کردن مسیر دست‌یابی به افق و چشم‌انداز مطلوب ایران اسلامی، توجه به امر «حکمرانی فرهنگ پایه» با تکیه بر منابع دانشی و تجربی برگرفته از میراث فرهنگی، در چهارچوبی کلان‌نگر، واقع‌نگر، جهت‌دهنده، ذهنیت‌ساز و نظم‌پذیر، چراغ راه ایران مقتدر و قدرتمند باشد.

اقتصاد ناراضایتی

مسأله اصلی دقیقاً همین جاست: چگونه می‌توان از تصمیم خود حراست کرد؟ چگونه می‌توان اجازه نداد که ذهن دوباره به «تنظیمات کارخانه» بازگردد؟ بسیاری سده‌های وجود ندارد. انسان از این سخنان زیبا و الهام‌بخش به‌نظمی‌رسند، اما هنگامی که انسان وارد میدان واقعی زندگی می‌شود، درمی‌یابد که تحقق آنها تا چه اندازه دشوار است. مشکل این نیست که انسان تصمیم نمی‌گیرد؛ اغلب این است که وجود تصمیم می‌گیرد. مشکل این است که نیروهای بسیار قدرتمندتر از اراده آگاهانه او عمل می‌کنند. این نیروها تنها روانی یا فردی نیستند؛ بلکه شبکه‌های پیچیده‌ای سازوکارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، زیستی و ذهنی‌اند که دائماً وضعیت ناراضایتی و تنش را بازتولید می‌کنند. بسیاری از این سازوکارها از ناراضایتی انسان تغذیه می‌کنند.

اقتصاد مصرفی نمونه‌ای روشن از این وضعیت است. انسان باید دائماً احساس کمبود کند تا مصرف ادامه پیدا کند. اگر فرد از آنچه دارد راضی باشد، چرخه مصرف متوقف می‌شود. بنابراین نظام اقتصادی مدام این احساس را بازتولید می‌کند که «آنچه هست کافی نیست». همین منطق را می‌توان در بسیاری از عرصه‌های دیگر نیز دید؛ از سازوکارهای روان‌شناختی گرفته تا نظام‌های سیاسی و رسانه‌ای. بخش بزرگی از جهان معاصر بر تولید مداوم اضطراب، کمبود و ناراضایتی استوار است. به همین دلیل، رسیدن به رضایت صرفاً یک انتخاب فردی ساده نیست؛ بلکه نوعی مقاومت در برابر شبکه‌ای عظیم از نیروهایی است که بی‌قراری سوق می‌دهند.

در چنین وضعیتی، «پذیرش فعال» دیگر صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه شکلی از مبارزه است؛ مبارزه‌ای برای یافتن معنا، رضایت، آگاهی و حضور، در جهانی که مدام انسان را به‌سمت غفلت، اضطراب و ناراضایتی سوق می‌دهد.



اندیشه

تأملی فلسفی درباره «سعادت در زمانه ناامنی»

سعادت؛ حذف رنج نیست!

انسان امروز در وضعیتی از حیرت و بی‌پناهی زندگی می‌کند



اشکالی از «تجربه بی‌ثباتی» هستند. پرسش اول انسان در مواجهه با این وضعیت معمولاً این است که «آیا اساساً می‌توان در جهانی چنین ناپایدار، زندگی سعادت‌مندانه‌ای داشت؟» دکتر محمدمهدی اردبیلی، در این گفتار، نشان می‌دهد که مسأله سعادت، نه در حذف بحران، بلکه در نحوه نسبت ما با آن است. اگر بحران، بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسانی باشد، آن‌گاه سعادت نیز باید معنایی متفاوت پیدا کند: سعادت نه به‌مثابه آرامش دائمی، بلکه به‌مثابه توان زیستن در دل ناپایداری است.
مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی او با عنوان «سعادت در زمانه ناپودی» است که به همت انجمن جامعه‌شناسی ایران و در محل مؤسسه فرهنگی-هنری کازه ارائه شده‌است.

فلسفه سعاد

محمدمهدی اردبیلی

استاد فلسفه غرب

انسان معاصر در وضعیتی زندگی می‌کند که می‌توان آن را «زیستن بر لبه بحران» نامید؛ وضعیتی که در آن، ناامنی یک حادثه استثنایی نیست، بلکه بخشی از ساختار پایدار زندگی انسان امروز شده است. جنگ، بیماری، مصائب اقتصادی یا اضطراب‌های روزمره، همگی

وقتی جنگ، زلزله، بحران اقتصادی یا هر شکل دیگری از فروپاشی نظم روزمره رخ می‌دهد، یکی از اولین پرسش‌هایی که در ذهن انسان شکل می‌گیرد این است که «چگونه می‌توان این وضعیت را تاب آورد؟» شاید دقیق‌تر از آن، این پرسش باشد که «این وضعیت کی تمام می‌شود؟» این پرسش‌ها، فقط پرسش انسان درگیر جنگ نیست؛ پرسش هر انسانی است که در موقعیتی از درد، اضطراب، تعلیق و ناامنی قرار گرفته‌است. از بیماری‌های ساده گرفته تا بحران‌های عظیم اجتماعی، همواره صادی در درون ما می‌پرسد: «کی تمام می‌شود؟»

انسان‌ها خانه خوشبختی خود را بر دهانه آتشفشان ساخته‌اند

اما شاید مسأله اصلی این باشد که ما اساساً «چگونه می‌توان این وضعیت را تاب آورد؟» شاید دقیق‌تر از آن است. زندگی انسانی، ذاتاً با اضطراب، تهدید، بی‌ثباتی و امکان فروپاشی گره خورده‌است. آنچه در زمان جنگ رخ می‌دهد، صرفاً آشکار شدن حقیقتی است که همیشه وجود داشته، اما در روزمرگی پنهان مانده است.

فریدریش نیچه جایی می‌گوید انسان‌ها خانه خوشبختی خود را بر دهانه آتشفشان ساخته‌اند. ما تنها زمانی که آتشفشان خاموش است احساس امنیت می‌کنیم، بی‌آنکه این خاموشی موقت چیزی از ماهیت خطرناک آن کم کرده باشد. سنت‌های شرقی نیز تصویری مشابه ارائه می‌دهند. در برخی

آموزه‌های بودایی، جهان به «فقس شیرها» تشبیه می‌شود؛ اینکه اکنون شیری به‌ما حمله نمی‌کند، به این معنا نیست که در امنیت کامل قرار داریم. در چنین جهانی، پرسش از «سعادت» معنایی پیچیده پیدا می‌کند. آیا اساساً می‌توان در زمانه بحران، فروپاشی و ناامنی، زندگی سعادت‌مندانه‌ای داشت؟ پاسخ به این پرسش، بستگی به آن دارد که سعادت را چگونه تعریف کنیم.

آموزه‌های رایج از سعادت، معمولاً با آسایش، فقدان درد و تجربه لذت پیوند خورده است. اما مسأله اینجاست که چنین وضعیتی نه پایدار است و نه حتی ممکن. درد و رنج، صرفاً اخلاقی بیرونی در مسیر خوشبختی نیستند، بلکه بخشی از ساختار زندگی‌اند. لذت، بدون رنج قابل تصور نیست؛ همان‌طور که شادی بدون امکان فقدان معنا ندارد.

انسان مدرن اغلب می‌کوشد هر شکل از ناراحتی را حذف کند؛ اما حذف درد، الزاماً به سعادت منتهی نمی‌شود. گاه نتیجه‌آن چیزی است که می‌توان «امال» نامید؛ وضعیتی که خود در نیز فرساینده‌تر است. بسیاری از انسان‌ها حتی برای فرار از ملال، به درد پناه می‌برند، زیرا دست‌کم درد، نوعی شدت و احساس زنده بودن در خود دارد. شاید به همین دلیل است که برخی سنت‌های فلسفی و معنوی، به جای تلاش برای حذف رنج، بر تغییر نسبت ما با رنج تأکید می‌کنند. مسأله



واژگونه مرگبار اتوبوس در سیراف

گروه حوادث: واژگونه یک دستگاه اتوبوس مسافربری حامل کارکنان مجتمع گاز پارس جنوبی در محور عسلویه منجر به مرگ ۶ مسافر شد. سردار احمد کریمی اسد رئیس پلیس راه راهسور فراجا با اعلام جزئیات این حادثه اظهار کرد: «ساعت ۸:۳۰ صبح یکشنبه ۲۷ اردیبهشت یک دستگاه اتوبوس مسافربری با ۲۶ سرنشین از مبدأ عسلویه به کرمانشاه در حال تردد بود که در محدوده حوزه استحفاظی پلیس راه سیراف به طور کامل واژگون شد.»

وی افزود: «بررسی های کارشناسی درباره علت وقوع این حادثه آغاز شده و علت دقیق واژگونه اتوبوس پس از تکمیل بررسی های فنی و کارشناسی توسط تیم های پلیس راه اعلام خواهد شد.» سرهنگ محمد رستمی فرمانده پلیس راه سیراف - عسلویه علت واژگونه اتوبوس مسافربری را نقص فنی در سیستم ترمز اتوبوس اعلام کرد و گفت: «کارشناسان پلیس راه در محل حادثه حاضر شده و علت این واژگونه را نقص فنی در سیستم



جانباختگان ۶ نفر و مصدومان ۲۰ نفر است. وی با ابراز تأسف عمیق از وقوع این سانحه، این مصیبت را به

خانواده های داغدار و همچنین خانواده های بزرگ صنعت نفت و گاز، به ویژه همکاران در شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی تسلیت گفت.

درگیری مرگبار دو بچه محل به خاطر یک دختر

پس از آن کارشناس پلیس راهسور با بازبینی دوربین های محل حادثه در گزارشی اعلام کرد: «حرکات ماریج خودرو و افزایش سرعت ناگهانی سبب پرتاب قربانی و مرگ او شده است.» با اعلام این گزارش، پرونده بار دیگر به دادگاه کیفری فرستاده شد تا متهم برای دومین بار محاکمه شود.

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه نیز اولیای دم خواستار قصاص متهم شدند. بعد از آن شاهرخ به جایگاه رفت و گفت: «من روند این موضوع را گفتم که اصلاً متوجه حضور وحید در روی صندوق عقب خودروام نشدم.» قاضی گفت: «تصاویر نشان می دهد شما چندبار سرت را از پنجره بیرون آوردی و به او گفتی که در را باز نمی کنم.» در ضمن قربانی حدود ۱۲۰ کیلو وزن داشت و نشستن او روی صندوق کاملاً مشخص بوده است» متهم جواب داد: «این موضوع مربوط به کنار هم بنزین است من فکر کردم او از پشت ماشینم پایین آمده و برای فرار از دستش به سرعت محل را ترک کردم. من و وحید با هم دوست بودیم و من هیچ مشکلی با او نداشتم.» قاضی پرسید: «اگه با مقتول دوست بودی چرا از دستش فرار کردی؟»



متهم پاسخ داد: «اصلاً من صورت او را ندیدم فکر کردم او می خواهد از من اخاذی کند.» قاضی سؤال کرد: «دوربین ها نشان می دهد به عمد وارد لاین کندرو شدی تا با وحید درگیری ایجاد کنی.»

شاهرخ گفت: «نه از لاین کندرو رفتم چون سمیرا از من خواست. او می ترسید برادرهایش ما را با هم ببینند به همین خاطر گفت از لاین کندرو بروم.» با پایان جلسه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و بر اساس مستندات و گزارش پلیس راهسور و پزشکی قانونی، متهم را بار دیگر محاکمه کردند.

گروه حوادث/ کامران علمدهی: پسر جوان که متهم است به خاطر یک دختر، بچه محل را به قتل رسانده، با نقض حکم قصاص از سوی قضات دیوان عالی کشور، برای دومین بار محاکمه و به قصاص محکوم شد.

به گزارش «ایران»، این پرونده از مرداد سال ۱۴۰۳ با گزارش مرگ مشکوک پسر ۲۰ ساله ای به نام وحید در یکی از بیمارستان های تهران کلید خورد.

مأموران به تحقیق از تنها شاهد ماجرا که دوست مقتول بود، پرداختند و او در تشریح ماجرا گفت: «دوستم شب حادثه ناگهان دختر مورد علاقه اش را در خودروی یکی از بچه محل هایمان به نام شاهرخ دید و تلاش کرد تا آنها را متوقف کند. بعد روی صندوق عقب ماشین نشست اما شاهرخ با سرعت زیاد و حرکات ماریج خودرو، او را روی زمین انداخت و فرار کرد. من دوستم را به بیمارستان رساندم اما ضربه به سر وحید موجب مرگ او شد.»

پس از این اظهارات، مأموران به سراغ دوربین های مدار بسته محل جنایت رفتند و بازبینی دوربین ها، صحت حرف های دوست وحید را تأیید کرد. با دستگیری شاهرخ، وی گفت: «من و سمیرا برای گردش بیرون رفته بودیم که به یکباره وحید را دیدیم. من به پمپ بنزین رفتم تا بنزین بزنم اما وحید مدام به صندوق ماشینم می کوپید تا در را باز کنم من هم برای فرار از دستش به سرعت محل را ترک کردم و واقعاً نمی دانستم که او روی صندوق عقب نشسته و پس از دستگیری متوجه شد که او از روی خودروی من به زمین افتاده است.»

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

اولین جلسه دادگاه

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم بار دیگر اظهاراتش را تکرار کرد و مدعی شد در مرگ دوستش بی قصاص شاهرخ را به قصاص محکوم کردند.

با صدور رأی و اعتراض متهم، پرونده به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان پس از بررسی پرونده حکم را نقض و مقرر کردند: پس از نظر کارشناسان پلیس راهسور مبنی بر اینکه آیا سرعت خودروی متهم سبب مرگ قربانی شده است، او بار دیگر محاکمه شود.

پایان شوم تماس زن همسایه با کمپ ترک اعتیاد

کمپ منتقل کردند. در مرگ ستار ما نقشی نداشتیم و او به خاطر مصرف نکردن مواد مخدر بی قراری می کرد و بعد از آن هم حالش بد شد و مجبور شدیم او را به بیمارستان برسانیم. در ادامه، بازپرس جنایی دستور شناسایی خانواده ستار را صادر کرد تا از خانواده اش تحقیق شود، اما خانواده وی وقتی متوجه ماجرا شدند اظهارات متناقضی بیان کردند. یکی از خواهرهای ستار گفت: «برادرم به تنهایی در خانه مجردی اش در کرج زندگی می کرد. او هیچ مزاحمتی برای ما نداشت و هیچ کدام از ما با کمپ تماس نگرفته ایم که بخواهیم برادرم را برای ترک اعتیاد به کمپ ببرند. الان هم ما از مسئولان و پرسنل کمپ به خاطر آدم ربایی و قتل شکایت داریم از طرفی می خواهیم که هر چه سریع تر پلیس موضوع را پیگیری کند تا مشخص شود چه کسی با کمپ تماس گرفته و خواهان بردن برادرم شده است.»

شناسایی زن مرموز

با توجه به اظهارات خانواده ستار و مسئولان کمپ، مشخص شد زن ناشناسی این تماس را برقرار کرده است. بنا بر این در تحقیقاتی که کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت انجام دادند آنها شماره تماس زن ناشناس را که

گروه حوادث: مرضیه همایونی / زن همسایه که از رفت و آمدهای گاه و بیگاه مهمانان خانه پسر جوان به ستوه آمده بود در تماس با کمپ ترک اعتیاد سرنوشت شومی برای او رقم زد.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل مسئولان کمپ ترک اعتیاد در اطراف تهران پسر جوانی را که بی هوش بود به بیمارستان منتقل کردند اما تلاش کادر درمان برای نجات جانش نتیجه نداد و ستار جان باخت. با توجه به مشکوک بودن ماجرا و از آنجایی که مرد جوان از کمپ ترک اعتیاد به بیمارستان منتقل شده بود موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. با گزارش این خبر بازپرس رضا اعلایی دستور تحقیقات صادر کرد و مسئولان کمپ تحت بازجویی قرار گرفتند. آنها مدعی شدند یک روز قبل از این حادثه زنی با کمپ تماس گرفته و خودش را خواهر ستار معرفی کرده و گفته برادرش اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارد و برای او و خانواده اش ایجاد مزاحمت می کند. به همین دلیل از ما خواست تا به آدرس محل زندگی برادرش رفته و او را به کمپ ترک اعتیاد ببریم. ما هم بعد از دریافت آدرس، طبق معمول، چهار نفر از کارمندان را به خانه او فرستادیم و مرد جوان را به

قتل زن ایرانی به دست شوهرش در ترکیه

مرد میانسال که در اقدامی عجیب همسر ایرانی خود را در ترکیه کشته بود، دستگیر شد.

روز گذشته پلیس ترکیه از دستگیری مردی خبر داد که متهم است همسر ایرانی ۶۸ ساله خود را در استانبول به قتل رسانده و پس از منته کردن جسد، آن را به طور مخفیانه در آنکارا دفن کرده است؛ ردیابی این جنایت از یک ماه قبل پس از ناپدید شدن این زن آغاز شد. بر اساس گزارش ها، زن ۶۸ ساله ایرانی که حدود یک ماه پیش در استانبول ناپدید شده بود، به دست همسر ترک خود کشته شده است. در جریان تحقیقات پلیس مشخص شد متهم پس از خفه کردن این زن با تسمه، جسد او را منته کرده و به صورت مخفیانه در شهر آنکارا دفن کرده است. گفته می شود این مرد علاوه بر همسر ایرانی خود، همسر دیگری نیز در ترکیه داشته و پیش تر به دلیل سوابق کیفری بازداشت شده و در زمان وقوع این جنایت در آزادی مشروط به سر می برد.

مشارکت ۲ سارق مسلح در قتل مامور پلیس

گروه حوادث: ردیابی دو سارق مسلح که به اتهام سرقت از یک خانه دستگیر شده بودند در پرونده قتل یکی از مأموران پلیس ملارد شناسایی شد.

سرهنگ کاپوشن نورمحمدی در تشریح جزئیات این خبر اظهار کرد: «پس از گزارش های به دست آمده مبنی بر سرقت مسلحانه خودرو و منزل توسط دو نفر مأموران پلیس آگاهی شهرستان ملارد با انجام اقدامات اطلاعاتی و فنی موفق به شناسایی مخفیگاه متهمین در ملارد شدند. مأموران پلیس آگاهی ملارد در عملیاتی با حکم قضایی متهمان را دستگیر کردند. پس از بازجویی های فنی، متهمان به جرم خود مبنی بر سرقت مسلحانه خودرو و منزل اعتراف کردند. در بازسازی از محل، ۲ دستگاه خودرو نیز کشف و توقیف شد.»

سرهنگ نورمحمدی تصریح کرد: «در ادامه تحقیقات مشخص شد که متهمین در جریان اغتشاشات اخیر در قتل سرهنگ شهید شاهین دهقان، از عوامل فرماندهی انتظامی شهرستان ملارد، نیز مشارکت داشته اند.»

یک جدول بادوشرح

۹۰۲۸

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی» و ویژه «است». در صورت تمایل به حل دوشرح ابتدایی از شرح ها را با مدام حل کرده و سپس بپایک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی

- گروه بزرگ موسیقی - نیا
- رسم مغولی - معنی سخن - داداش
- نشانه محبت - برداران مخترع هواپیما - ارتباط تلفنی
- یکی از طعم ها - برجستگی ته گفش - بیماری پوستی - مگر
- مردود - زرد کم رنگ - گاو پیشانی سفید مصریان
- غذای ظهر - محصول دامغان - مادر عرب
- آحاد - نارآرامی و بی قراری - بزرگترین غده بدن
- طرف آب خوری - رنگ آرامش - امور
- شیمی کربن - پریشانی، اختلال - از شعرای نامی ایران در عهد افشاریه و زندیه
- جدید - غیرت - زمان ها، وقت ها
- سریال سعید سلطانی - ساکنان - موضوع
- ماده خوشبو - حکومت آلمان نازی - عملی گردید - خوشا
- خانه ساحلی - نقابدار کارتنی - شاگرد میرعماد
- نسل و فرزند - اصلاح - یک نوع هورمون
- عدد کارمندی ۱ - گسوف

جدول ویژه

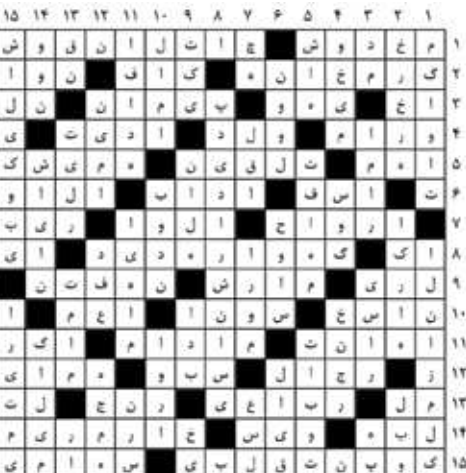
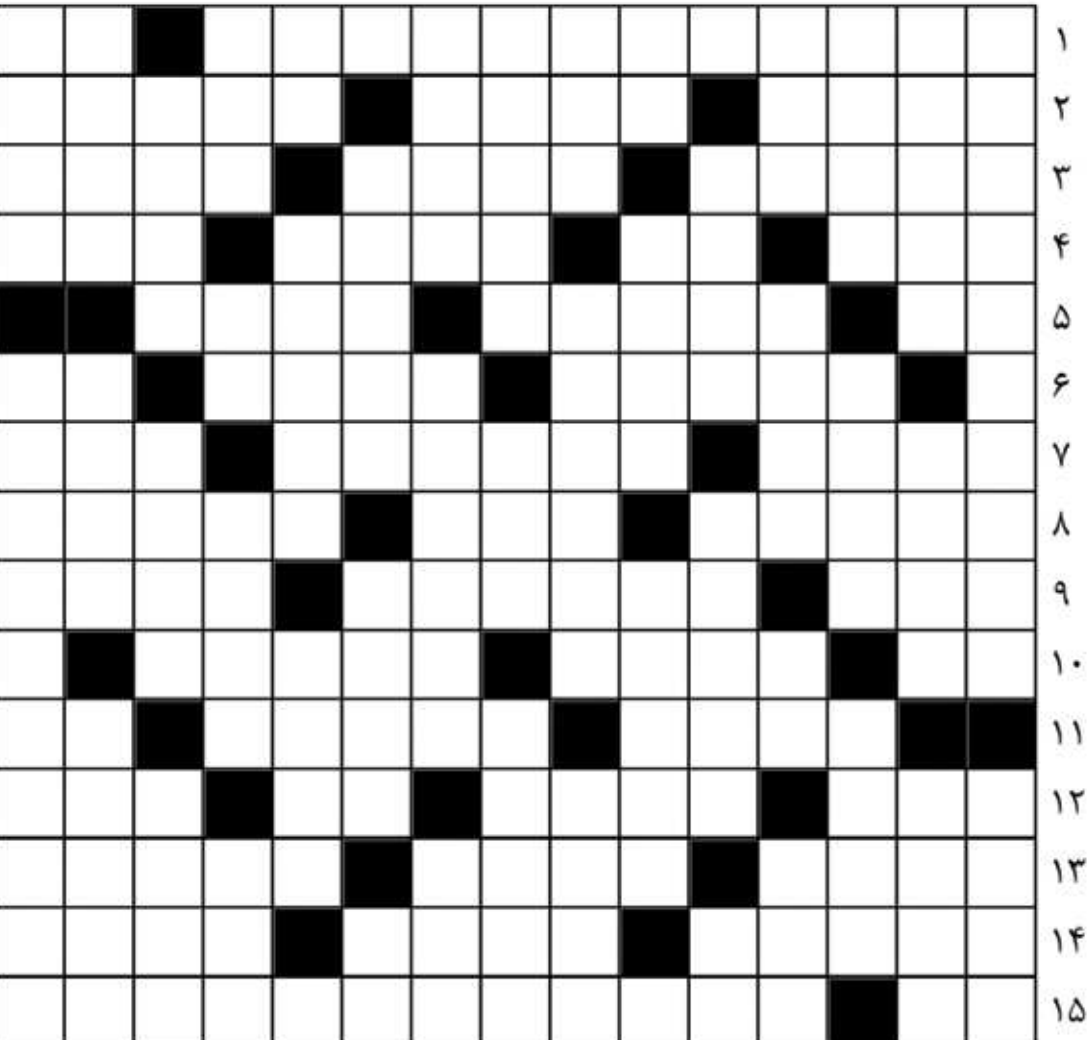
افقی

- اثر «سرگئی یسنین» - دنیه برشته
- سریال «وود هریس» - زور و توان - نوعی از صفحات اینترنتی
- بیماری پوستی - جذاب - آب داروی کشتن حشرات
- نسل سوم - نشانه فعلی جمع - اختصاری و خلاصه - در آغاز
- اجاق سربسته - فیلمی از علیرضا داوودنژاد - همسطح با هم
- تنگه - بنیانگذار - دستگاه نساجی
- سنگ انداز - نوعی از خودروی شورولت - دوری
- فواره - دهی در خلخال - پول قدیمی
- محصول کنده - نوعی پرنده - ضمیمه
- صوت دهن کچی - خسته و درمانده - برجسته
- وسپله پرواز انفرادی - با عقیده واحد - امر به پختن
- سلاح عقرب - مرغ مردارخوار - نفس آدم چاق - صد سال
- ورزش یخ و چمن - شهر «نپال» - نخ های سست پشمین یا پنبه
- نمای عمارت - نخ نورد آسانسور صفت - هر چیز سبک و کم وزن و مختصر
- کلمه شکفتی - غذای کرمانی

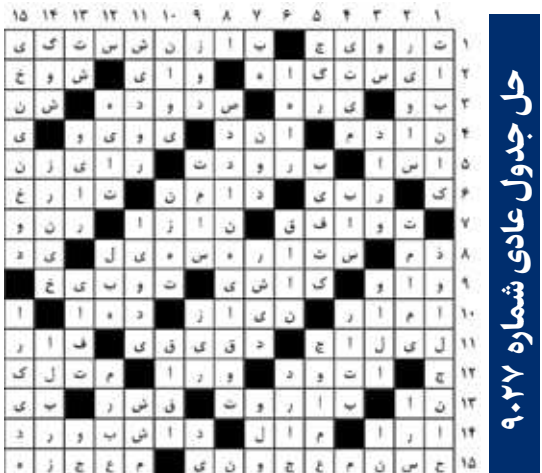
عمودی

- جایزه ای در علوم - همرزگ «گاندی»
- حد وسط بین غوره و مویز - پدر عرب - بیهوده و بی معنی
- محل حفظ و نمایش آثار باستانی و هنری - تله - استخوان سرنزانو
- خراب کردن - زمان و وقت - پسوند ساینده - شهر «مجارستان»
- سنت - شاخه ای از فیزیک که به شناخت نور می پردازد - گفتاواز
- پول سامواری ها - گودال - زبان من درآوردی!
- امیر - مایعی در چشم - نمانگ
- شیطان - برترین داور قرن ۲۱ فوتبال جهان - نگهبان چماقدار
- اثر «الیزابت کاستووا» - قطعه ای از یک سازوکار ویژه در اتصالات موتورها و دستگاه های مکانیکی - منظره
- روزه کشایی - نتیجه تلاش دانش آموز - کاغذ چاپ
- نت اول - اسم دخترانه - ارايه بزرگ جنگی
- بهره وام - حرف ندا - دختر گشتاسب - شهری در استان فارس
- سخن چین - واحد فرانکس - یاکریم
- کارگر کشتی - یورش - گوسفند فریه
- غده گوشته روی دست و پا - یکی از سروده های پهلوانی در ادبیات ایران

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



حل جدول ویژه شماره ۹۰۲۷



حل جدول عادی شماره ۹۰۲۷

حمیدرضا طاهری، سرپرست دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی در گفت‌وگو با «ایران»:

سرمایه اجتماعی محبوبیت ورزشکاران را تشدید می‌کند

مسئولیت اجتماعی باید در ساختارهای رسمی ورزش نهادینه شود

پریسا غفاری/ ورزش در عصر حاضر، صرفاً میدان رقابت و سنجش توانایی‌های جسمانی نیست، بلکه به عرصه‌ای اثرگذار در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها و جریان‌های فرهنگی جامعه تبدیل شده است. در این میان، ورزشکاران به واسطه جایگاه اجتماعی ویژه و بازتاب گسترده در رسانه‌ها، نقشی فراتر از یک کنشگر ورزشی ایفا می‌کنند و به چهره‌هایی تأثیرگذار در فضای عمومی بدل شده‌اند. این جایگاه ممتاز،

از دید جامعه‌شناسی ورزش، «مسئولیت اجتماعی ورزشکاران» یعنی چه؟ آیا این مسئولیت بیشتر به انتخاب فردی مربوط است یا تحت‌تأثیر جامعه‌هاست؟

از منظر جامعه‌شناسی ورزش، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را نمی‌توان صرفاً به یک عامل تقلیل داد؛ بلکه این مسئولیت حاصل تعامل میان «انتخاب آگاهانه فردی» و «ساختارها و خواسته‌های نهادی» است. به بیان دیگر، هم باورها، ارزش‌ها و وجدان اخلاقی خود ورزشکار در شکل‌گیری این مسئولیت نقش دارد و هم انتظاراتی که جامعه، رسانه‌ها و نهادهای ورزشی و فرهنگی از او دارند.

در چهارچوب فرهنگ اسلامی، این مسئولیت معنایی عمیق‌تر پیدا می‌کند. در این نگاه، رفتار اجتماعی ورزشکار تنها یک کنش فردی یا نمایشی نیست، بلکه نوعی تعهد اخلاقی، دینی و اجتماعی در قبال مردم تلقی می‌شود. شهرت و محبوبیت ورزشکاران نوعی «امانت» به شمار می‌آید که باید در مسیر خیر عمومی به کار گرفته شود.

ورزشکاران به دلیل دیده شدن و اثرگذاری گسترده، به‌طور طبیعی در جایگاه الگو قرار می‌گیرند. سبک زندگی، نوع گفتار، واکنش‌ها و موقعیت‌های مختلف (پیروزی، شکست و چالش‌ها) و حتی مواضع گیری‌های این ورزشکاران می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای نسل جوان اثر بگذارد. از این رو، مسئولیت اجتماعی آنان شامل تقویت ارزش‌هایی مانند جوانمردی، احترام، همدلی، عدالت‌خواهی و حفظ کرامت انسانی است.

در نهایت می‌توان گفت که این مسئولیت، هم از درون فرد (باورها و اخلاق شخصی) سرچشمه می‌گیرد و هم نیازمند هدایت، حمایت و چهارچوب‌گذاری از سوی مجموعه‌های اجتماعی و ورزشی است تا به شکلی پایدار و مؤثر تحقق یابد.

ورزشکاران چه نقشی در ایجاد و افزایش اعتماد اجتماعی دارند؟

در نظریه‌های سرمایه اجتماعی، «اعتماد» یکی از مهم‌ترین عناصر انسجام و پایداری جامعه محسوب می‌شود. ورزشکاران به دلیل محبوبیت، دسترسی گسترده به افکار عمومی و پیوند عاطفی با مردم، می‌توانند نقش مهمی در تقویت این اعتماد ایفا کنند. در یک جامعه، زمانی اعتماد شکل می‌گیرد که مردم در چهره‌های اثرگذار، ویژگی‌هایی مانند صداقت، مسئولیت‌پذیری، تواضع و وفاداری و علاقه به مردم، ورزشکاران، بویژه آنهایی که در سطح ملی یا بین‌المللی مطرح هستند، اگر در عمل به این ارزش‌ها پایبند باشند، می‌توانند به الگوهای قابل اعتماد تبدیل شوند. برای مثال، ورزشکاری که در رقابت‌ها اصول اخلاقی را رعایت می‌کند، در زمان پیروزی دچار غرور و خودبرتربینی نمی‌شود، در شکست، منانیت و احترام را حفظ می‌کند و در شرایط سخت در کنار مردم می‌ایستد؛ در واقع پیام روشنی به جامعه منتقل می‌کند؛ اینکه ارزش‌های اخلاقی هنوز زنده و قابل تحقق‌اند. چنین رفتارهایی نه تنها موجب افزایش اعتماد مردم به خود ورزشکار می‌شود، بلکه به‌طور گسترده‌تر، اعتماد به نهاد ورزش و حتی اعتماد میان افراد جامعه را نیز تقویت می‌کند. این اعتماد می‌تواند امید اجتماعی را افزایش دهد، پیوند میان نسل‌ها را تقویت کند و حس همبستگی را در جامعه گسترش دهد. در نتیجه ورزشکاران تنها نقش‌آفرین ورزشی ندارند، بلکه می‌توانند به عنوان «سرمایه‌های اجتماعی» عمل کنند که با رفتار مسئولانه خود به انسجام، امید و اعتماد در جامعه کمک می‌کنند.

آیا یک ورزشکار حرفه‌ای باید فقط در ورزش فعالیت کند یا نقش اجتماعی هم داشته باشد؟ این نقش تا چه اندازه مناسب است؟

ورزشکار حرفه‌ای، بویژه در سطح ملی و بین‌المللی، به‌طور طبیعی در معرض توجه گسترده افکار عمومی قرار دارد. به همین دلیل نقش او معمولاً فراتر از میدان ورزش تعریف می‌شود و می‌تواند در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نیز اثرگذار باشد. بنابراین نه تنها می‌توان گفت ورزشکار می‌تواند نقش اخلاقی داشته باشد، بلکه در کنار ورزشکاری و ورزشی، دارای ویژگی‌هایی مانند روحیه پهلوانی، تواضع، مسئولیت‌پذیری، حمایت از دیگران و پایداری به ارزش‌های اخلاقی و ورزشی است. این ویژگی‌ها می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای رفتاری در میان مردم منجر شود. این الگوها می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ ورزشی و اخلاقی در جامعه منجر شود. به همین دلیل، ورزشکاران در کنار ورزش خود، باید به عنوان مسئولیت‌پذیران در نظر گرفته شوند. این امر بویژه برای نسل جوان بسیار مهم‌بخش است.

علاوه بر این، رفتارهای اجتماعی و اخلاقی و سبک زندگی نیز در چنین شرایطی اهمیت دوچندان دارد. حضور در کنار مردم، همدلی با آسیب‌دیدگان، مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه یا حتی بیان پیام‌های امیدبخش می‌تواند به کاهش احساس ناامیدی و افزایش انسجام اجتماعی کمک کند. در فرهنگ اسلامی و انقلابی، قهرمان واقعی کسی است که در جامعه در درک کند و خود را جدا از مردم نداند. باید توجه داشت نقش ورزشکاران در این زمینه بیشتر «الهام‌بخش» و تقویت‌کننده روحیه است، نه نقش اجرایی و ساختاری. حل ریشه‌ای مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیازمند سیاست‌گذاری‌های عادلانه، مدیریت کارآمد و حمایت‌های مسئول است. ورزشکاران می‌توانند در کنار این فرآیند، به‌عنوان تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی، نقش مکمل و مؤثری ایفا کنند.

آیا درست است از ورزشکاران انتظار داشته باشیم بخشی از درآمدشان را به بخش‌های آسیب‌دیده در طول جنگ تحمیلی اختصاص دهند؟ کمک مالی ورزشکاران به نیازمندان با مشارکت در امور خیریه، در صورتی که از روی اختیار، نیت خیر و احساس مسئولیت درونی انجام شود، عملی بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است. چنین رفتاری را می‌توان در چهارچوب

مفاهیمی مانند انفاق، ایثار و جوانمردی تحلیل کرد؛ مفاهیمی که در فرهنگ ما جایگاه والاّیی دارند و همواره به عنوان نشانه‌ای از بزرگی شخصیت افراد شناخته می‌شوند. با این حال، نکته مهم این است که این نوع کمک‌ها باید «داوطلبانه» باشد، نه اجباری. اگر جامعه، رسانه‌ها یا افکار عمومی به‌گونه‌ای عمل کنند که ورزشکار خود را تحت فشار برای بخشیدن بخشی از درآمدش ببیند، ارزش اخلاقی این عمل کاهش می‌یابد؛ زیرا کار خیر زمانی معنا و اثر واقعی دارد که از روی اختیار و نیت پاک انجام شود، نه از سر اجبار، ترس از قضاوت یا حفظ وجهه اجتماعی.

نیاید آموزش کرد که ورزشکار نیز مانند هر شهروند دیگری، حق دارد درباره درآمد و دارایی خود تصمیم بگیرد. بنابراین بهترین رویکرد این است که فرهنگ کمک و همدلی در جامعه تقویت شود، نه اینکه با مطالبه‌گری وادار به انجام این کار شوند.

کمک مالی ورزشکاران مهم تر است یا اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی؟

کمک‌های مالی ورزشکاران، هرچند ارزشمند و تأثیرگذار است، اما نمی‌تواند جایگزین اصلاحات ساختاری در حوزه عدالت اجتماعی و اقتصادی شود. مسأله درآمد ورزشکاران و توزیع آن، تنها یک موضوع فردی نیست، بلکه در بستری گسترده‌تر از نظام اقتصادی، مدیریت ورزشی و سیاست‌گذاری‌های کلان قرار دارد. عواملی مانند نحوه تنظیم قراردادها، شفافیت مالی، نقش باشگاه‌ها، اسپانسرها، مدیران ورزشی و حتی وضعیت کلی اقتصاد کشور، همگی در شکل‌گیری این مسأله دخیل هستند. اگر این ساختارها دچار نابرابری یا ناکارآمدی باشند، انتظار اینکه صرفاً با کمک‌های فردی ورزشکاران بتوان عدالت اجتماعی را برقرار کرد، واقع‌بینانه نیست.

به بیان دیگر، همراهی اقتصادی ورزشکاران می‌تواند «مکمل» باشد، نه «جایگزین». تحقق عدالت اجتماعی نیازمند اصلاحات عمیق و پایدار در ساختارهاست؛ اصلاحاتی که توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع را تضمین کند. در چنین شرایطی، اقدامات اثرگذار بیشتری داشته باشد و در کنار سیاست‌های درست، به بهبود وضعیت جامعه کمک کند.

نابرابری دستمزد‌ها در ورزش چه تأثیری بر تصویر اجتماعی ورزشکاران دارد؟

در جامعه‌ای که نابرابری در حوزه دستمزد‌های ورزشکاران وجود دارد، تصویر اجتماعی آن‌ها معمولاً حالتی دوگانه پیدا می‌کند. از یک سو، آنها نماد تلاش، موفقیت، پیشرفت و افتخار ملی هستند و می‌توانند الهام‌بخش نسل جوان باشند. موفقیت‌های آنان نشان می‌دهد با تلاش و پشتکاری می‌توان به جایگاه‌های بالا دست یافت. اما از سوی دیگر، اگر این موفقیت با نمایش دارایی و ثروت، تجمل‌گرایی یا فاصله گرفتن از سبک زندگی عمومی مردم همراه شود، ممکن است نگاه جامعه نسبت به آنان تغییر کند. در چنین حالتی، برخی از مردم احساس فاصله یا حتی بی‌اعتمادی پیدا می‌کنند و ورزشکار دیگر به‌عنوان «چهره‌ای مردمی» دیده نمی‌شود. ورزشکاران پیش از هر چیز، یک شهروند است و از حقوقی مشابه دیگران برخوردار است؛ از جمله حق داشتن درآمد بالا یا بیان دیدگاه‌های شخصی. اما به دلیل جایگاه اجتماعی و میزان دیده شدن، رفتار او تأثیر بیشتری بر افکار عمومی دارد. به همین دلیل نحوه استفاده از ثروت و نوع سبک زندگی او می‌تواند در شکل‌گیری تصویر اجتماعی‌اش بسیار تعیین‌کننده باشد. در فرهنگ اسلامی، ثروت و موفقیت

زمانی ارزشمند تلقی می‌شود که با ویژگی‌هایی مانند تواضع، خدمت به مردم، عدالت‌خواهی و ساده‌زیستی نسبی همراه باشد. اگر این عناصر در رفتار ورزشکار دیده شود، نه تنها ثروت او موجب فاصله گرفتن از مردم نمی‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش محبوبیت و سرمایه اجتماعی او نیز کمک کند. در مقابل، اگر موفقیت مالی به فخرفروشی، مصرف‌گرایی افراطی یا بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی منجر شود، ممکن است سرمایه اخلاقی و اجتماعی ورزشکار کاهش یابد. بنابراین تصویر مطلوب از ورزشکاران در نه از آن موقعیت حرفه‌ای با اخلاق، مردمی بودن و حس مسئولیت اجتماعی همراه باشد.

چرا کارهای خیر ورزشکاران باعث می‌شود مردم بیشتر به آنها احترام بگذارند؟

فعالیت‌های خیرخواهانه ورزشکاران زمانی باعث افزایش اعتبار و جایگاه اجتماعی آنها می‌شود که مردم این رفتارها را صادقانه و از سر دلسوژی واقعی بدانند. در چنین حالتی، این اقدامات به چیزی فراتر از یک عمل ساده تبدیل می‌شود و به «سرمایه نمادین» یا اعتبار اجتماعی پایدار می‌انجامد. در فرهنگ اسلامی، کمک به دیگران بویژه نیازمندان، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ایمان، اخلاق و انسانیت است. وقتی یک ورزشکار از شهرت و محبوبیت خود برای کمک به دیگران استفاده می‌کند، در واقع نشان می‌دهد موفقیتش صرفاً برای خود او نیست، بلکه در خدمت جامعه نیز قرار دارد. همین موضوع باعث می‌شود مردم او را نه فقط به‌عنوان یک قهرمان ورزشی، بلکه به‌عنوان یک «الگوی اخلاقی» یا حتی «پهلوان اجتماعی» بشناسند. البته این اعتبار زمانی ماندگار خواهد بود که این فعالیت‌ها با ویژگی‌هایی مانند فروتنی، استمرار، شفافیت و نیت واقعی خدمت همراه باشد. اگر مردم احساس کنند این اقدامات صرفاً برای دیده شدن یا تبلیغات است، اثر مثبت آن کاهش می‌یابد. بنابراین آنچه جایگاه اجتماعی ورزشکار را ارتقا می‌دهد، پیش از خود عمل، «نحوه انجام» و «نیت پشت آن» است.

رسانه‌ها چه تأثیری در شکل‌گیری تصویر ورزشکار مسئول اجتماعی دارند؟ آیا ممکن است این موضوع را سطحی کنند؟

رسانه‌ها نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تصویر اجتماعی ورزشکاران دارند. آنها می‌توانند نگاه مردم را از یک قهرمان صرفاً توانمند به شخصیتی اخلاق مدار، مسئول و اثرگذار در جامعه تغییر دهند. به بیان دیگر، رسانه‌ها این توانایی را دارند که «معنای قهرمانی» را بازتعریف کنند. در حالت مطلوب، رسانه‌ها باید ورزشکارانی را برجسته کنند که علاوه بر موفقیت ورزشی، دارای ویژگی‌هایی مانند جوانمردی، تواضع، احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توجه به مسائل مردم هستند. این نوع بازنامایی می‌تواند به ترویج ارزش‌های مثبت در جامعه کمک کند و الگوهای سالمی برای نسل جوان بسازد. اما در سوی دیگر، اگر رسانه‌ها بیش از حد به حاشیه‌ها، سبک زندگی لوکس، میزان درآمد یا حتی نمایش اغراق‌آمیز فعالیت‌های خیرخواهانه پردازند، این نوع رفتارها می‌تواند به ایندکس‌های اخلاقی منفی در ذهن مردم منجر شود. در چنین شرایطی، عمل خیر به جای اینکه یک کنش اخلاقی عمیق باشد، به ابزاری برای جلب توجه، افزایش دنبال‌کننده یا برندسازی شخصی تبدیل می‌شود. بنابراین مسئولیت رسانه‌ها بسیار حساس است، آنها باید میان «اطلاع‌رسانی» و «نمایش‌سازی» تمایز قائل شوند و تلاش کنند روایتگر واقعیت، صداقت و عمق رفتارهای اجتماعی ورزشکاران باشند، نه اینکه آنها را به کالایی رسانه‌ای تبدیل کنند.



نشان دادن کارهای اجتماعی ورزشکاران در رسانه‌ها بیشتر باعث همبستگی می‌شود یا آن را به‌نمایش تبدیل می‌کند؟

اگر رسانه‌ها فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران را با صداقت، عمق و رویکردی تربیتی بازتاب دهند، این کار می‌تواند آثار بسیار مثبتی در جامعه داشته باشد. در چنین شرایطی، مردم با دیدن رفتار مسئولانه یک ورزشکار محبوب، احساس نزدیکی و همدلی بیشتری می‌کنند. این امر می‌تواند حس مسئولیت جمعی را تقویت و افراد را به مشارکت در کارهای خیر و اجتماعی ترغیب کند. همچنین این نوع بازنامایی می‌تواند امید اجتماعی را افزایش و نشان دهد هنوز ارزش‌هایی مانند کمک به دیگران و همدلی زنده است.

اما اگر این بازنامایی به سمت اغراق، احساسات‌گرایی افراطی، تبلیغات شخصی یا رقابت برای دیده شدن حرکت کند، نتیجه معکوس خواهد داشت. در این حالت، آنچه باید یک عمل اخلاقی باشد، به یک «نمایش» تبدیل می‌شود و حتی ممکن است باعث بدبینی و بی‌اعتمادی در جامعه شود.

چطور می‌توان کاری کرد که مسئولیت اجتماعی ورزشکاران فقط یک اقدام داوطلبانه نباشد و به یک برنامه دائمی تبدیل شود؟

برای اینکه مسئولیت اجتماعی در ورزش از حالت مقطعی و داوطلبانه خارج و به یک سیاست پایدار تبدیل شود، لازم است مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ فرهنگی، مدیریتی و ساختاری نخست، تدوین «منشور اخلاقی و اجتماعی ورزش» اهمیت دارد؛ منشوری که بر پایه ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه، بویژه در چهارچوب نگاه اسلامی تنظیم شده باشد و وظایف اجتماعی ورزشکاران و نهادهای ورزشی را مشخص کند. دوم، آموزش‌های

ورزشکاران می‌توانند چه نقشی در ایجاد وحدت و هویت مشترک در جامعه داشته باشند؟

ورزشکاران در بسیاری از جوامع، بویژه در جوامعی که با چالش‌های اقتصادی روبه‌رو هستند، می‌توانند نقش بسیار مهمی در تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی ایفا کنند. آنها از طریق حضور در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، به نمادهایی از موفقیت، تلاش و امید تبدیل می‌شوند و می‌توانند احساس مشترکی از افتخار و تعلق را در میان مردم ایجاد کنند.

در فرهنگ اسلامی و ایرانی، مفهوم «قهرمان» صرفاً به کسب مدال یا رکورد ورزشی محدود نمی‌شود. قهرمان واقعی کسی است که علاوه بر توانمندی ورزشی، دارای ویژگی‌هایی مانند اخلاق‌مداری، تواضع، غیرت، احترام به مردم و روحیه خدمت به جامعه باشد. چنین فردی می‌تواند فراتر از مرزهای طبقاتی و اجتماعی عمل کند و افراد مختلف را حول یک ارزش مشترک گرد هم آورد.

موفقیت یک ورزشکار متعهد، در واقع فقط یک موفقیت فردی نیست، بلکه می‌تواند به یک «سرمایه اجتماعی» تبدیل شود؛ سرمایه‌ای که احساس امید، عزت و همبستگی را در جامعه تقویت می‌کند، بویژه برای نسل جوان، این پیام را به همراه دارد که با تلاش، ایمان و پایداری به اخلاقی می‌توان به پیشرفت رسید و بر محدودیت‌ها غلبه کرد.

در نتیجه ورزشکاران در چنین شرایطی می‌توانند به نمادهایی از وحدت، مقاومت، امید و کرامت ملی تبدیل شوند و نقش مهمی در کاهش احساس شکاف اجتماعی داشته باشند.

آیا ورزش می‌تواند باعث نزدیک شدن طبقات مختلف جامعه به هم شود؟

ورزش یکی از مؤثرترین ابزارهای

فرهنگی و معرفی برای ورزشکاران باید جدی گرفته شود. ورزشکار تنها یک فرد حرفه‌ای در میدان مسابقه نیست، بلکه یک چهره اثرگذار اجتماعی است و باید نسبت به نقش خود در جامعه آگاهی داشته باشد.

سوم، لازم است در بودجه باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها، سهم مشخصی برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و خیریه در نظر گرفته شود تا این اقدامات وابسته به تصمیم‌های فردی و مقطعی نباشد.

ارتباط نظام‌مند میان نهادهای ورزشی و سایر نهادهای اجتماعی مانند مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد، خیریه‌ها و گروه‌های مردمی باید تقویت شود. این ارتباط می‌تواند زمینه حضور مؤثر ورزشکاران در جامعه را فراهم کند.

در کنار این موارد، وجود سازوکارهایی برای ارزیابی اثرگذاری اجتماعی، گزارش‌دهی شفاف، الگوسازی از ورزشکاران اخلاق‌مدار و همچنین جلوگیری از ریاکاری، تبلیغات افراطی و استفاده ابزاری از کارهای خیر ضروری است.

در نهایت، زمانی می‌توان گفت مسئولیت اجتماعی در ورزش پایدار شده است که به بخشی از «سیاست فرهنگی و اخلاقی ورزش» تبدیل شود؛ یعنی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و ساختارهای رسمی، ورزش جایگاه مشخص و دائمی داشته باشد.

آیا اگر همه از ورزشکاران انتظار مسئولیت اجتماعی داشته باشند، مشکلات اصلی جامعه نادیده گرفته نمی‌شود؟

اگر مسئولیت اجتماعی به‌طور افراطی و یک‌جانبه بر دوش ورزشکاران گذاشته شود، این خطر وجود دارد که ریشه‌های اصلی و ساختاری مشکلات اجتماعی نادیده گرفته شود.

مشکلاتی مانند فقر، نابرابری، محرومیت، ضعف زیرساخت‌های ورزشی و آسیب‌های اجتماعی، صرفاً با اقدامات فردی - اگر از سوی چهره‌های محبوب باشد - حل نمی‌شوند. این مسائل ریشه در ساختارهای اقتصادی، مدیریتی و سیاست‌گذاری دارند و نیازمند اصلاحات بنیادین هستند.

با توجه به این واقعیت‌ها، تمرکز اصلی باید بر اصلاحات ساختاری باشد تا بتواند نقش مهمی در ایجاد امید، تقویت همبستگی اجتماعی، حمایت از محرومان و انتقال پیام‌های اخلاقی داشته باشد. اما نباید به جای نهادهای مسئول بنشیند یا با ناکارآمدی ساختارها را به دوش بکشد. بنابراین نگاه درست به مسئولیت اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که میان «کنش فردی ورزشکاران» و «اصلاحات ساختاری» تعادل برقرار شود. تنها در این صورت است که هم اثرگذاری اجتماعی افزایش می‌یابد و هم از تحمیل فشار ناعادلانه بر افراد جلوگیری می‌شود.

اجتماعی برای ایجاد ارتباط میان طبقات مختلف جامعه است. فضای ورزشی، بویژه در قالب رقابت‌های سالم، هواداری و احساس افتخار ملی، می‌تواند افراد با پیشینه‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت را در یک نقطه مشترک گرد هم آورد.

در چنین فضایی، تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی تا حد زیادی کمرنگ می‌شود و جای خود را به احساس مشترک تعلق، هیجان جمعی و همبستگی اجتماعی می‌دهد. به همین دلیل، ورزش را می‌تواند یک «بنا مشترک اجتماعی» دانست که همه اقشار جامعه آن را درک کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

در نگاه عدالت‌محور اسلامی و انقلابی نیز ورزش یک حق عمومی و همگانی است؛ نه یک امتیاز ویژه برای طبقات خاص یا گروه‌های برخوردار. ورزش باید در خدمت سلامت جسمی، نشاط روانی، تربیت اخلاقی و انسجام اجتماعی قرار گیرد.

اگر امکانات ورزشی به صورت عادلانه در مدارس، محله‌ها، روستاها و مناطق محروم توزیع شود، ورزش می‌تواند نقش مهم‌تری در کاهش شکاف‌های اجتماعی ایفا کند. در چنین حالتی، ورزش نه تنها سرگرمی یا رقابت، بلکه ابزاری برای افزایش امید اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی خواهد بود.

چطور می‌شود بین موفقیت حرفه‌ای ورزشکار و انتظارات مردم از تعادل برقرار کرد؟

ایجاد تعادل میان موفقیت حرفه‌ای ورزشکاران و انتظارات اجتماعی از آنها، نیازمند نگاه واقع‌بینانه و چندبعدی است. ورزشکار باید فرصت، حمایت و آموزش لازم را برای تمرین، پیشرفت و دستیابی به موفقیت‌های حرفه‌ای داشته باشد. بدون این حمایت، انتظار موفقیت پایدار از او منطقی نخواهد بود.



برای افزایش توان رقابت در عصر فناوری‌های نوین ارتباطی چه باید کرد؟

تنظیم‌گری هوشمند، نقشه راه ایران دیجیتال



ایران امروز در نقطه‌ای قرار دارد که تصمیم‌های سیاستی آن می‌تواند سرنوشت دهه‌های آینده را تعیین کند. اگر سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری هوشمند، تنظیم‌گری متناسب و دسترسی فراگیر به اینترنت به عنوان زیرساخت توسعه پذیرفته شود، کشور می‌تواند با تکیه بر سرمایه انسانی جوان و توانمند خود، فاصله حوزه‌های حتمی و در برخی حوزه‌ها حتی پیش‌تاز شود.

ایستا، محدودکننده یا مبتنی بر نگاه‌های سنتی باشد. در واقع تنظیم‌گری هوشمند (Smart Regulation) مبتنی بر سه اصل است:

- ۱ تناسب‌پذیری (Proportionality):** مقررات باید متناسب با سطح ریسک و نوع کاربری عارف، معاون اول خود را با حفظ سمت به عنوان رئیس «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» منصوب کرده است تا با طراحی و استقرار سازوکارهای مؤثر و هماهنگی و تصمیم‌گیری یکپارچه در رفع تداخل سیاست‌گذاری‌ها، از موازی‌کاری‌ها در این بخش جلوگیری شود و پایانی بر مشکلات موجود در مدیریت فضای مجازی کشور باشد. «تدوین و اجرای نقشه راه جامع تحول در حکمرانی فضای مجازی»؛ «بازآرایی ساختارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از جمله ساماندهی و ارتقای کارآمدی دبیرخانه شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی»؛ و نیز «استقرار نظام نظارت راهبردی و پایش مستمر عملکرد دستگاه‌ها در این حوزه از دیگر مأموریت‌های این ستاد است. اما برای حکمرانی هوشمند و تنظیم‌گری نوآورانه چه باید کرد؟

اینترنت کالای لوکس نیست
در الگوهای نوین حکمرانی دیجیتال در جهان، نقش دولت از «بازنگر مستقیم اقتصادی» به «تسهیل‌گر، سیاست‌گذار و تنظیم‌گر هوشمند» تغییر یافته است. در این میان، دولت باید زیرساخت‌های کلان از جمله اینترنت پرسرعت و پایدار، مراکز داده، امنیت سایبری، حمایت از پژوهش‌های عمیق، سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های آینده و تدوین چهارچوب‌های حقوقی شفاف را تأمین کند. در عصر هوش مصنوعی نمی‌تواند تنظیم‌گری نوین حکمرانی هوشمند و تنظیم‌گری نوآورانه

دسترسی هوشمند نه تعبیزی در دسترسی
تنظیم‌گری هوشمند به معنای محدودسازی فراگیر نیست؛ بلکه به معنای مدیریت هوشمند سطح دسترسی بر اساس نیاز و کارکرد است. همان‌گونه که در نظام پیشرفته دیجیتال

مشاهده می‌شود، دسترسی‌ها می‌توانند مبتنی بر نقش‌های طیف‌های مختلف کاربران تعریف شوند. به عنوان مثال یک کودک دبستانی نیازمند دسترسی آموزشی ایمن و هدایت‌شده است، یک دانشجو یا استاد دانشگاه به منابع پژوهشی گسترده و پایگاه‌های علمی بین‌المللی نیاز دارد. همچنین یک کسب‌وکار دیجیتال به اینترنت پایدار، بدون اختلال و با دسترسی جهانی برای رقابت در بازار بین‌المللی وابسته است و پژوهشگران حوزه هوش مصنوعی به داده‌های باز، پردازش‌آبری و زیرساخت‌های پردازشی پیشرفته نیاز دارند.

این تفکیک باید بر اساس استانداردهای فنی، حقوقی و اخلاقی شفاف و با مشارکت متخصصان انجام شود؛ نه بر مبنای رویکردهای سلبی و کلی‌نگر چراکه هدف، افزایش بهره‌وری ملی، امنیت و بهبود کیفیت‌های استفاده از اینترنت است، نه کاهش دسترسی. البته این تفکیک را نباید با طرح‌هایی نظیر اینترنت پرو و همچنین فیلترینگ یکسان دانست. این رویکردها در عمل ناشی از نگاه تقلیل‌گرایانه به فناوری است و چنین سیاست‌هایی به نابرابری دیجیتال و نقض دسترسی برابر شهروندان با اطلاعات منجر می‌شوند. به جای محدودسازی‌های سراسری، باید از الگوهای تنظیم‌گری هوشمند و مشارکت بخش خصوصی برای مدیریت فضای دیجیتال استفاده شود تا هم هزینه‌های اقتصادی و هم هزینه‌های اجتماعی کاهش چشمگیر یابد.

واقعیت این است که ایجاد شفاف در کیفیت و دسترسی به اینترنت در عمل فرصت‌های برابر اقتصادی، آموزشی و حرفه‌ای را بین برده و اقشار ضعیف‌تر از چرخه رقابت حذف می‌کند.

از سوی دیگر اتکالی بیش از حد به رویکرد مبتنی بر محدودسازی به جای توسعه زیرساخت موجب کاهش تاب‌آوری ملی می‌شود که این امر در شرایط بحرانی می‌تواند خدمات حیاتی مانند بانکداری، آموزش، خدمات عمومی و کسب‌وکارهای آنلاین را با اختلال جدی مواجه کند.

تبعات منفی ادامه‌دار شدن محدودیت اینترنت
مسئله اینترنت پرو را نمی‌توان صرفاً به عنوان یک سیاست مقطعی یا ابزار مدیریتی در شرایط خاص تفسیر کرد بلکه این رویکرد در سطحی عمیق‌تر بازتاب نگاه به حکمرانی دیجیتال و نسبت تصمیم‌گیران با فناوری‌های تحول‌آفرین است. در شرایط خاص و اضطراری از جمله موقعیت‌های بحرانی مانند جنگ یا تهدیدات امنیتی، اتخاذ برخی محدودیت‌های موقت با هدف مدیریت شرایط و کاهش آسیب به زیرساخت‌ها و کسب‌وکارها می‌تواند قابل درک باشد اما اختلال طولانی مدت در دسترسی عمومی به اینترنت زنجیره‌ای، آثار منفی متعددی به دنبال خواهد داشت که از جمله آنها می‌توان به کاهش اعتماد عمومی،

افت بهره‌وری، مهاجرت نیروی انسانی و تضعیف اکوسیستم نوآوری اشاره کرد.

سه ضلع حکمرانی هوشمند فضای مجازی

اما برای تحقق مدل تنظیم‌گری هوشمند چه باید کرد؟ در پاسخ باید گفت تحقق چنین مدلی نیازمند تقسیم کار ملی است. دولت باید مواردی مانند تدوین راهبرد ملی هوش مصنوعی و فناوری‌های تحول‌آفرین و تضمین دسترسی پایدار و مقرون به صرفه به اینترنت را مدنظر داشته باشد. حمایت از پژوهش‌های بنیادی و توسعه زیرساخت‌های پردازشی و ایجاد محیط حقوقی پیش‌بینی‌پذیر برای سرمایه‌گذاری نیز بخشی دیگر از موضوعاتی است که دولت در مسیر تنظیم‌گری هوشمند باید به آن توجه داشته باشد.

دومین گروهی که باید از تخصص آنها در تنظیم‌گری هوشمند استفاده شود، بخش خصوصی فناوری است. این گروه می‌تواند با توسعه محصولات و خدمات رقابت‌پذیر در مقیاس منطقه‌ای و جهانی، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، مشارکت در تدوین استانداردها و مقررات تخصصی و همچنین ارتقای فرهنگ نوآوری و کارآفرینی، در این مسیر گام بردارند.

در این میان نقش تشکیل‌دهنده تخصصی و نهاد‌های حرفه‌ای را نمی‌توان نادیده گرفت. شکل‌های تخصصی می‌توانند پل ارتباطی میان دولت و صنعت باشند. در این میان، کانون عالی هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال و فناوری‌های تحول‌آفرین ایران، ظرفیت آن را دارد که به عنوان بازوی مشورتی و تخصصی، در طراحی چهارچوب‌های تنظیم‌گری هوشمند، استانداردهای، توانمندسازی نیروی انسانی و ایجاد هم‌افزایی ملی نقش‌آفرینی کند. بی‌شک هم‌افزایی میان این ساختارها، فرصتی برای شکل‌گیری یک نظام حکمرانی دیجیتال مبتنی بر دانش تخصصی و اجماع ملی فراهم می‌کند.

پنجره تاریخی تصمیم
ایران امروز در نقطه‌ای قرار دارد که تصمیم‌های سیاستی آن می‌تواند سرنوشت دهه‌های آینده را و پیشرفت‌های مرتبط با آن تعیین کند. اگر سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری هوشمند، تنظیم‌گری متناسب و دسترسی فراگیر به اینترنت به عنوان زیرساخت توسعه پذیرفته شود، کشور می‌تواند با تکیه بر سرمایه انسانی جوان و توانمند خود، فاصله فناوری‌ها را کاهش داده و در برخی حوزه‌ها حتی پیش‌تاز شود. اما در صورت غفلت، شکاف فناوری در عصر هوش مصنوعی با سرعتی نامایی افزایش خواهد یافت؛ شکافی که بسیار عمیق‌تر از فاصله ناشی از انقلاب صنعتی خواهد بود.

اکنون زمان آن است که با رویکردی علمی، مشارکتی و آینده‌نگر، حکمرانی دیجیتال کشور را با طراحی کنیم؛ نه صرفاً برای مدیریت امروز، بلکه برای ساختن نوآوران آینده‌سازان ایران.

ارزش‌های (داشت) برای توسعه زیرساخت‌ها و خدمات این سکوها اختصاص یافت که کمک راهگشایی بود. لازم است در ادامه بیشتر هم کمک شود. حتی اگر لازم بود محتوای رایگان فراهم شود یا صدا و سیما و سایر منابع در اختیارشان قرار گیرد. همچنین باید زیرساخت‌های ملی به طوری در اختیار پلتفرم‌های خصوصی قرار گیرد تا از این زیرساخت‌ها با قیمت ارزان استفاده کنند. اما اگر تصمیم بگیرد پلتفرم‌های دیگر را ببندد تا پلتفرم‌های داخلی رشد کنند، نتیجه‌ای مشابه با وضعیتی در صنعت خودرو برای کشور خواهید داشت.»

تضمین حق دسترسی پایدار کاربران به اینترنت
این استاد دانشگاه گفت: «باید تدوین منشور حقوق کاربران اینترنتی با مشارکت مدنی وزارت ارتباطات، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای، مرکز ملی فضای مجازی و نمایندگان جامعه مدنی تهیه شود تا حقوقی چون حق دسترسی پایدار و با کیفیت، حق حریم خصوصی داده‌ها، حق اعتراض به محدودیت و حق آگاهی از دلیل فیلترینگ را تضمین کند.»
آشنا ادامه داد: «تدوین این منشور برای بازگرداندن اعتماد عمومی به جامعه بسیار مهم است زیرا برخی کاربران نگران هستند که پلتفرم‌های داخلی با دستکاری الگوریتم به اطلاعات آنان دسترسی پیدا کنند.»

حوزه فاوا

نتایج نظرسنجی انجمن تجارت الکترونیک از حدود هزار کسب‌وکار نشان می‌دهد قطع همزمان اینترنت و پیامک، فقط اختلال ارتباطی نبود؛ شوکی بود که فروش، اعتماد مشتری و بقای بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک را هدف گرفت و باعث کاهش ۶۰ درصدی ارتباط با مشتریان شد. براساس این نظرسنجی، در جنگ رمضان و همزمان با محدود شدن ارسال برخی پیامک‌های ضروری از جمله کدهای ورود، حجم ترافیک پیامک بیش از ۸۰ درصد کاهش یافته است؛ آفتی که نشان می‌دهد حتی ابتدایی‌ترین ابزار احراز هویت و ارتباط با مشتری نیز از چرخه فعالیت بسیاری از شرکت‌ها خارج شده است.

کوتاه از فناوری

استارت‌آپ XAI هوش مصنوعی ایلان ماسک از ابزار برنامه‌نویسی Grok Build رونمایی کرد؛ محصولی که رقیب سرویس‌هایی مثل Claude Code محسوب می‌شود. این ابزار فعلاً در نسخه بتا و فقط برای مشترکان پلن SuperGrok Heavy با قیمت ماهانه ۳۰۰ دلار در دسترس قرار گرفته است.

پژوهشگران انگلیسی موفق به ساخت حسگرهایی به اندازه یک تمبر پستی شده‌اند که می‌تواند در لحظه، خطر بیخ‌زدگی هواپیما را تشخیص دهد و مانع بروز حادثه شده و جان هزاران مسافر نجات دهد.

پژوهشگران کره جنوبی سامانه جدیدی برای ترجمه زبان اشاره ساخته‌اند که از هفت حلقه مجوز به حسگر تشکیل شده است. این فناوری می‌تواند حرکات دست را با دقت حدود ۸۸ درصد به متن تبدیل کند و گامی بزرگ برای رفع موانع ارتباطی میان ناشنوایان و دیگران بردارد.

تازه‌های موبایل

آر‌سما اعلام کرد، گوشی Robot Phone تا سه ماهه سوم ۲۰۲۶ وارد بازار می‌شود. این دستگاه پیش‌تر در فستیوال فیلم کن به نمایش درآمد و برخلاف نمایش‌های قبلی، کاربران توانستند آن را از نزدیک لمس کنند. این گوشی با همکاری ARRI ساخته شده و به کیمبال داخلی مجهز است. این همکاری باعث می‌شود تصاویر پایدار و پویایی‌های سین حرکت ثبت شود. دوربین‌های سری ال‌کس‌آی ARRI سال‌هاست در فیلم‌های هالیوودی استفاده می‌شوند و حالا این تکنولوژی در دستان شما قرار می‌گیرد.

کهکشان



ناسا تصویری از کهکشان مارپیچی میله‌ای را منتشر کرد. در مرکز کهکشان مارپیچی «ان‌جی‌سی ۱۳۰۰» یک میله وجود دارد و در مرکز این میله، یک مارپیچ کوچک‌تر دیده می‌شود. این کهکشان حدود ۷۰ میلیون سال نوری از زمین فاصله دارد و در صورت فلکی جوی (Eridanus) قرار گرفته است. پژوهشگران می‌گویند، افزایش بی‌رویه روند پرتاب ماهواره‌ها و صورت‌های فلکی ماهواره‌ای به مدار زمین، آلودگی بیشتری را در جو زمین ایجاد می‌کند. شرکت اسپیس‌ایکس از سال ۲۰۱۹ تاکنون نزدیک به ۱۲ هزار ماهواره برای ساخت ابرصورت فلکی استارلینک خود به مدار زمین پرتاب کرده است و در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار و ۳۰۰ ماهواره آن عملیاتی هستند.

همراه با غول‌های فناوری



مقابلیت‌های نظارتی جدیدی برای حساب‌های نوجوانان در اینستاگرام فعال کرده تا والدین نظارت بیشتری بر فعالیت فرزندان خود داشته باشند. براساس این تغییرات، والدین می‌توانند موضوعات کلی موردعلاقه نوجوانان را مشاهده کنند.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

شرکت هوش مصنوعی اوپن‌آی قرار دادی با دولت مالت امضا کرده تا پس از آنکه شهروندان دوره‌ای درباره شیوه استفاده از هوش مصنوعی را گذرانند، زمینه دسترسی به سرویس چت‌چی‌پی‌تی‌پلاس را برای تمام آنها به مدت یک سال فراهم کند.

خبرهای علم

«داده‌های لرزه‌ای نشان می‌دهد روند جایش‌قاره‌ای و تشکیل اقیانوس جدید در شرق آفریقا شتاب گرفته و پوسته زمین در شرق آفریقا با سرعتی غیرعادی در حال نازک شدن است. این پدیده که زمین‌شناسان آن را «اریک‌شدن» می‌نامند، مقاومت زمین را کاهش داده و منطقه را به آستانه گسست نهایی نزدیک کرده است. این فرآیند که حدود ۴ میلیون سال پیش شتاب گرفته، در آینده دور می‌تواند منجر به جدایی بخش‌هایی از آفریقا و شکل‌گیری یک اقیانوس جدید شود.»
«ایلان ماسک»، مدیرعامل نورالینک، در جدیدترین اظهارنظر خود اعلام کرد که این شرکت در حال کار روی ایمپلنت‌های مغزی برای بازگرداندن نوعی از «بینایی» به افراد نابیناست اولین آزمایش‌های انسانی آن طی ۱۲ تا ۱۶ ماه آینده انجام خواهد شد. این فناوری که پیش‌تر روی میمون‌ها آزمایش شده، با انتقال مستقیم اطلاعات روی قشر بینایی مغز، می‌تواند در آینده قابلیت‌هایی فراتر از دید عادی، مانند دیدن در طیف فرابنفش و فروسرخ را نیز ممکن کند.

حسام‌الدین آشنا، استاد ارتباطات در نشست تخصصی تاب‌آوری دیجیتال:

منشور حقوق کاربران اینترنت تدوین شود

اینترنت

گروه علم و فناوری

حسام‌الدین آشنا، استاد علوم ارتباطات و مشاور رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم در اولین روز از آیین گرامیداشت روز جهانی ارتباطات، در نشست تخصصی «تاب‌آوری دیجیتال و مواجهه هوشمند با بحران‌ها و تهدیدات ترکیبی» اظهار کرد: آزادی در موضوع اینترنت به معنای بی‌قانونی نیست بلکه به معنای تغییر پارادایم از «لطف دولت» به «حق شهروند و مسئولیت‌حاکمیت» است. او با تأکید بر اینکه امروز مشخص شده است که محدودسازی دسترسی به اینترنت یک امر شکست‌خورده و هزینه‌بر است، اظهار کرد: پس از سال‌ها محدودیت‌های گسترده در حوزه اینترنت، اکنون سه سؤال قابل طرح است: آیا محتوای نامناسب از فضای مجازی حذف شده است که باید گفت؛ خبر این محتوا به پشت فیلترشکن‌ها مهاجرت کرده است. «سؤال دوم این است که آیا امنیت سایبری ایران افزایش یافته که باز هم پاسخ منفی است زیرا حجم حملات دیداس (DDOS)، نفوذهای خارجی و خرابکاری‌های داخلی نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه با ادعای دشمنان درباره هک دوربین‌های شهری و دسترسی به عمیق‌ترین لایه‌های امنیتی کشور مواجه هستیم.»

این استاد دانشگاه سؤال سوم را اینچنین مطرح کرد که «آیا کاربران با رضایت و آرامش به شبکه‌های داخلی با سکوکی داخلی روی آورده‌اند؟» که پاسخ به این سؤال چند جانبه است و باید ابعاد آن بررسی شود.

افزایش بی اعتمادی مردم با روش فنی

او یادآور شد: سیاست فعلی در حوزه اینترنت، هم هزینه اقتصادی به مردم تحمیل می‌کند و هم هزینه اجتماعی و بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند.

این استاد حوزه علوم ارتباطات، دومین ضعف و ناکامی را بحران

مشاور معاون اجرایی رئیس‌جمهور:

کار روابط عمومی، ترمیم اعتماد مردم است

عباس رضایی‌نمین، مشاور معاون اجرایی رئیس‌جمهور در مراسم بزرگداشت روز روابط عمومی که به همت استانداری قم و با حضور استاندار، مدیران و کارشناسان روابط عمومی دستگاه‌های اجرایی استان در دانشگاه فرهنگیان قم برگزار شد، گفت: «روابط عمومی در شرایط امروز کشور، صرفاً واحد انتشار خبر و مدیریت تصویر نیست، بلکه بخشی از سازوکار ارتباطی حکمرانی است و باید با نزدیک‌کردن زبان رسمی به تجربه واقعی مردم، به ترمیم اعتماد عمومی کمک کند.» او با بیان اینکه روز روابط عمومی نباید به یک مناسبت تقویمی تشریفاتی تقلیل یابد، گفت: «این روز می‌تواند فرصتی برای طرح پرسش‌های جدی درباره نسبت جامعه، حکمرانی، حقیقت و ارتباطات باشد.»

مشاور معاون اجرایی رئیس‌جمهور با اشاره به شرایط خاص کشور در ماه‌های اخیر، افزود: «جامعه ایران در دوره‌ای قرار دارد که فشارهای اقتصادی، اضطراب‌های امنیتی، تجربه جنگ، وضعیت آتش‌سبب و فرسایش اعتماد عمومی از هم‌زمان از سبزی‌گذراند و در چنین وضعیتی باید از خود پرسش روابط عمومی دقیقاً چه نسبتی با حکمرانی، جامعه و حقیقت دارد.»

رضایی‌نمین، پاسخ به این پرسش را در بازتعریف جایگاه روابط عمومی دانست و گفت: «روابط عمومی را نمی‌توان فقط واحد انتشار خبر، تولید تصویر، تنظیم اطلاعیه یا مدیریت مناسبت‌ها دانست. در صورت‌بندی جدید، روابط عمومی بخشی از سازوکار ارتباطی حکمرانی است؛ نقطه‌ای که سیاست عمومی، ادراک اجتماعی و تجربه زیسته شهروندان به هم می‌رسند.»

او با بیان اینکه ایران امروز با کمبود پیام‌واجه نیست، خاطر نشان کرد: «دستگاه‌ها سخن می‌گویند، گزارش می‌دهند، اطلاعیه صادر می‌کنند و در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند، اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که میان تجربه روزمره مردم و زبان رسمی نهادها فاصله می‌افتد.»

رضایی‌نمین ادامه داد: «حتی اگر پیام‌ها از نظر فنی درست، پر حجم و به موقع منتشر شوند، وقتی اعتبار پیام آسیب دیده باشد، با اختلال ارتباطی مواجه خواهیم شد.» او تأکید اصلی روابط عمومی در وضعیت امروز را ترمیم پیوند میان «واقعیت نهادی» و «ادراک اجتماعی» عنوان کرد و گفت: «این ترمیم با بزرگ‌کردن واقعیت به دست نمی‌آید، بلکه با فهم دقیق افکار عمومی، شفاف‌سازی محدودیت‌ها، توضیح صادقانه تصمیم‌ها و پذیرش سهم نهاد در مسئله آغاز می‌شود.»

مشاور معاون اجرایی رئیس‌جمهور افزود: «جامعه بحران دیده بیش از آنکه به تبلیغ‌های اغراق‌آمیز نیاز داشته باشد، به زبانی نیاز دارد که توأم با همدلی، واقع‌بینی و پاسخگویی باشد.»

او با تأکید بر اهمیت نقش روابط عمومی‌ها در استان‌ها گفت: «این بحث در استان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. هر استان با تاریخ، زبان، حافظه جمعی، تعلقات محلی و ظرفیت‌های خود، صرفاً مخاطب پیام‌های مرکز نیست، بلکه خود تولیدکننده معنا، مساله و مطالبه است.»

رضایی‌نمین ادامه داد: «روابط عمومی در استان‌ها زمانی نقش واقعی خود را ایفا می‌کند که بتواند لایه‌های محلی، فرهنگی و اجتماعی استان را به زبان تصمیم‌سازی ملی ترجمه کند؛ یعنی هم روایت مرکز را با واقعیت زندگی مردم منطبق سازد و هم تجربه مردم را به گوش ساختارهای تصمیم‌گیر برساند.»

نسل اببری

ارتباطات موبایلی و جامعه به نقش تلفن همراه در شکل دهی ساختار اجتماعی می پردازد



فناوری یکسان نیست و بر اساس فرهنگ، طبقه اجتماعی، جنسیت و موقعیت جغرافیایی متفاوت است. لذا ارتباطات موبایلی می تواند هم فرصت ساز باشد و هم بازتولیدکننده شکاف های موجود.

ظهور ستابان موبایل

«ارتباطات موبایلی و جامعه» در فصل اول ما را به دل یکی از مهم ترین دگرگونی های ارتباطی اواخر قرن بیستم می برد: ظهور ستابان تلفن موبایل و گسترش آن در سراسر جهان. نویسندگان نشان می دهند چگونه این فناوری در زمانی کوتاه از یک ابزار جانبی به یکی از اصلی ترین شیوه های ارتباطی تبدیل شده و در بسیاری از کشورها حتی از تلفن ثابت پیشی گرفته است. اما آنچه در این فصل برجسته می شود، فقط سرعت گسترش این فناوری نیست، بلکه تفاوت در الگوهای رشد آن است؛ تفاوتی که از یک سو به شدت رقابت میان اپراتورها و از سوی دیگر به سیاست های دولت در تنظیم

هدایت بازار برمی گردد. فصل اول در نهایت نشان می دهد موبایل فقط یک ابزار فنی نبوده، بلکه محصولی است که رشد آن به ساختار بازار، مقررات دولتی و الگوهای خدمات رسانی ارتباط دارد. فصل دوم کتاب به تمایزات اجتماعی کاربران ارتباطات موبایلی می پردازد و نقش تلفن موبایل را در بازتاب تفاوت ها و تمایزات اجتماعی بررسی می کند. در این فصل نشان داده شده که موبایل برای برخی گروه ها، بویژه اقلیت های قومی، مهاجران و آوارگان، ابزاری مهم برای حفظ ارتباط، دسترسی به اطلاعات و تداوم پیوندهای فرهنگی است. با این حال، نویسندگان تأکید می کنند که نمی توان این کارکرد مثبت را به همه شکل های استفاده از فناوری تعمیم داد، زیرا میان کاربران از

نظر نوع استفاده، کیفیت بهره برداری، توان اقتصادی و سواد دیجیتال تفاوت های مهمی وجود دارد. این فصل همچنین نشان می دهد که الگوهای استفاده از ارتباطات موبایلی در کشورها و فرهنگ های مختلف یکسان نیست و عوامل فرهنگی، قومی و ملی در شکل گیری آن نقش دارند. در نهایت، نتیجه اصلی فصل این است که فناوری ارتباطی تنها شکل شکاف های اجتماعی را از بین نمی برد، بلکه در بسیاری از موارد همان تمایزات موجود در جامعه را بازتولید می کند.

● «ارتباطات موبایلی و جامعه» نشان می دهد موبایل چگونه از یک ابزار جانبی به یکی از اصلی ترین شیوه های ارتباطی تبدیل شده است.

الگوهای تازه در تعاملات اجتماعی

فصل سوم با نگاه تطبیقی، تحول اجتماعی ناشی از فناوری های ارتباطی موبایلی را بررسی می کند. نویسندگان برپایه شواهد فرهنگی و پژوهشی با متنوع توضیح می دهند تلفن موبایل به ابزاری فراگیر در شکل دهی به جنبه های مختلف زندگی انسانی تبدیل شده است. مردم با استفاده از فناوری های ارتباطی جدید، شیوه های زندگی خود را بازسازی کرده و آن را با نیازها، ارزش ها و ترجیحات فرهنگی شان سازگار می کنند. در این راستا، ارتباطات موبایلی باعث ظهور الگوهای تازه ای از تعامل های اجتماعی می شود؛ الگوهایی که در آن افراد می توانند با انعطاف بیشتری زندگی، کار یا روابط خانوادگی و اجتماعی خود را سازمان دهند. این تعامل ها بستری جدید از آزادی و انتخاب به وجود می آورند، اما در عین حال، شکل های از نظر، کنترل و وابستگی تازه را هم پدید می آورند. تلفن موبایل نه تنها مرز میان کار و زندگی خصوصی را بازنهاری می کند، بلکه فرهنگ های مختلف را به شیوه خاص خود دگرگون می سازد. دگرگون سازی ارتباطی در بافت این کتاب تأکید دارد فناوری ارتباطی در بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معنا پیدا

می کند؛ این گونه که در جوامع متفاوت، شبکه ها و شیوه های زندگی به طور انتخابی بازسازی می شوند. به تدریج، تعامل های دیجیتال و ارتباطات چندوجهی به ضربان زندگی روزمره پیوند می خورند و جامعه در حالت شبکه ای و پویاتر قرار می گیرد. در این شبکه ها تصویر، متن، صدا و زبان به صورت ترکیبی عمل می کنند و دستگاه های موبایل به کانال هایی برای بیان چندبعدی تبدیل می شوند که هم بر معناگذاری و هویت اثر دارند و هم به رفتار جمعی و فرهنگی نیز شکل می دهند.

هویت نسل موبایلی

فصل چهارم به این می پردازد که تلفن موبایل چگونه در میان جوانان به بخشی از زندگی روزمره و هویت آنها تبدیل شده است. نویسندگان نشان می دهند موبایل ابزاری است که استقلال جوانان را بیشتر می کند، روابط شان با خانواده و مدرسه را تغییر می دهد، و شکل تازه ای از ارتباط مداوم و شبکه ای را به وجود می آورد. در عین حال، استفاده از موبایل میان جوانان یکسان نیست و به عواملی مثل جایگاه اجتماعی، توان خرید، فرهنگ و موقعیت جغرافیایی بستگی دارد. به همین دلیل، تلفن موبایل هم می تواند نشانه ای از هویت فردی و سبک زندگی باشد و هم تفاوت های اجتماعی را بازتاب دهد. در مجموع، نویسندگان می گویند که فرهنگ جوانان در عصر موبایل در حال شکل گرفتن است و این فناوری نقش مهمی در ساختن روابط، عادت ها و هویت نسل جوان دارد. فصل پنجم به فضای جریان ها و شبکه های موبایلی که ماهیت و گستره تعاملات اجتماعی را تعیین کرده اشاره دارد و مبنای سرزمینی این ارتباطات را مشخص می کند. فناوری های موبایلی، نقش محوری در گسترش و بازنهاری این مفاهیم ایفا می کنند. این فصل تأکید دارد که تلفن موبایل، امکان حضور همزمان و انجاء چند وظیفه در آن واحد را فراهم می آورد، به گونه ای که افراد می توانند از نظر ارتباطی در چندین مکان حضور داشته باشند و فعالیت های گوناگونی را در طولانی مدت پیش ببرند. این قابلیت، چهارچوب های سنتی زمان و مکان را در هم شکسته و زندگی اجتماعی را اسباب را در چندوجهی تر ساخته است. با این حال، این تحول با نگرانی های اجتماعی نیز همراه است. در ایالات متحده، اضطراب های ناشی از سرعت تغییرات و پیامدهای آن شکل گرفته است؛ محسو شدن مرزهای کاری و شخصی که امکان استفاده مداوم از تلفن موبایل، تفکیک بین حریم خصوصی و محیط کار را دشوار کرده است. همچنین آداب عمومی و رفتار استفاده نامناسب از تلفن موبایل در اماکن عمومی و هنگام رانندگی، چالش های جدیدی را به وجود آورده است. مسائل بهداشتی و تأثیرات فناوری های بی سیم بر سلامت نیز یکی از مباحثی است که مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت، این فصل بیان می کند که فناوری ارتباط بی سیم به افراد این قدرت را داده است که از هر لحظه ای حتی در زمان های انتظار یا کسالت، برای برقراری ارتباط و انجام فعالیت های خود استفاده کنند. این امر، تعریف ما از «زمان فراغت» و «زمان کار» را دگرگون ساخته و باعث شده تا ندانستن تلفن موبایل به معنای دور ماندن از جریان های حیاتی اطلاعات و تعاملات اجتماعی شود. به این ترتیب، تلفن موبایل به ابزاری ضروری برای نوآوری در دنیای اجتماعی مدرن تبدیل شده.



ارتباطات موبایلی و جامعه

چشم اندازی جهانی

- نویسنده گان: مانوئل کاستلز، میریا فرناندز آرذوول، جک لینچوان چیو، آرابا سی
- مترجمان: پدram الوندی، اسماعیل یزدان پور، سعیده فراهانی
- انتشارات: خزه
- تعداد صفحات: ۴۸۰ صفحه
- قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

نقش سیاسی موبایل

تحول چشمگیر زبان و ارتباطات در عصر موبایل با محوریت پیامک (SMS) و پیام های چندرسانه ای فصل ششم را شامل می شود. این بخش نشان می دهد که چگونه پیامک به عنوان یک ابزار ارتباطی، سریع تر، راحت تر و کارآمدتر از تماس تلفنی عمل می کند و امکان انتقال انواع پیام ها را در هر زمان و مکان فراهم می آورد. گسترش پیامک منجر به ظهور زبان های نوین، مبتنی بر اختصارات، خلاصیت و بازتولید عناصر فرهنگی شده است که نه تنها در میان جوانان، بلکه در میان عموم کاربران موبایل رواج یافته است. این زبان چندوجهی، که شامل متن، شکلک ها و دیگر نمادهاست، بیانگر تغییرات فرهنگی و رفتاری ناشی از فناوری های بی سیم است و تعریف جدیدی از ارتباطات متنی و چندرسانه ای ارائه می دهد.

نویسندگان در فصل هفتم توضیح می دهند که فناوری موبایل می تواند به وسیله ای برای ابزار نارضایتی تبدیل شود. این نوع ارتباطات، که از نظر هاروارد رینگولد به شکل سیخ های فوری ظاهر می شوند، در برخی موارد تأثیر مهمی بر سیاست های رسمی و تصمیم های دولتی گذاشته اند. در ادامه نیز نمونه هایی مانند اعتراضات و تحولات سیاسی در فیلیپین، اسپانیا، کره جنوبی، آمریکا، ژاپن و چین بررسی می شود تا نشان دهد ارتباطات بی سیم چگونه می تواند در شکل گیری و هدایت حرکت های سیاسی و اجتماعی نقش داشته باشند. فصل هشتم به ارتباطات بی سیم و توسعه جهانی اختصاص دارد. این فناوری ها پتانسیل بالایی برای تسهیل دسترسی به اقتصاد جهانی، آموزش و اطلاعات دارند و امکان جهش در مراحل توسعه را فراهم می آورند. اما از سوی دیگر، این فصل نگرانی به خوش بینی بیش از حد هشدار داده و چالش های مهمی را برجسته می کند: نیاز به سرمایه گذاری کلان، مسائل اجرایی آموزش، کاربران و محدودیت های توانایی، برای غلبه بر این موانع، بر بهبود زیرساخت ها، هم افزایی فناوری ها و نقش تنظیم کنندگان تأکید شده است. در نهایت، ابتکارات مردمی و حلق اتصال به عنوان عوامل کلیدی در گسترش این فناوری مورد توجه قرار می گیرند.

ضرورت توجه به تاریخ اجتماعی فناوری

پدرام الوندی

پژوهشگر رسانه و مترجم کتاب

در فضای فکری و رسانه ای امروز، یک سوء تفاهم بزرگ درباره فناوری شکل گرفته است: این تصور که هر متنی که چند سال از زمان نگارش گذشته باشد، دیگر ارزش خواندن ندارد. گویی تاریخ فناوری فقط از «آخرین نسخه» ها ساخته شده و فهم تحولات ارتباطی نیز باید دائماً از نو و بدون رجوع به ریشه ها آغاز شود. نتیجه چنین نگاهی، نوعی اکنون زدگی مزمن است؛ وضعیتی که در آن جامعه مدام درباره آینده حرف می زند، اما گذشته تحولات فناورانه را نمی شناسد.

ترجمه کتاب «ارتباطات موبایلی و جامعه: چشم اندازی جهانی» نوشته مانوئل کاستلز و همکارانش، دقیقاً از دل چنین خلأیی بیرون آمد. کتابی که اولین بار در میانه دهه ۲۰۰۰ منتشر شد؛ زمانی که هنوز خبری از اینستاگرام، تیک تاک، اقتصاد پلتفرمی امروز، اینترنت ماهواره ای یا هوش مصنوعی مولد نبود. طبیعی است که اولین واکنش برخی مخاطبان این باشد که چرا باید در سال ۱۴۰۴ سراغ کتابی رفت که درباره «تلفن همراه» در دو دهه پیش نوشته شده است؟

اما شاید پرسش درست دقیقاً برعکس باشد: چگونه می توان بدون فهم آن نقطه تاریخی، وضعیت امروز را فهمید؟ کاستلز در این کتاب صرفاً درباره موبایل حرف نمی زند. او درباره لحظه ای تاریخی سخن می گوید که در آن، ارتباطات برای اولین بار از مکان ثابت جدا شد و انسان وارد وضعیت «اتصال دائمی» شد؛ وضعیتی که امروز آن را بدیهی فرض می کنیم. آنچه امروز در قالب شبکه های اجتماعی، اقتصاد توجه، پلتفرم های هوشمند، کار از دور، روستا آنلاین و حتی سیاست زوری دیجیتال تجربه می کنیم، بدون آن گسست تاریخی قابل فهم نیست.

اهمیت کتاب «ارتباطات موبایلی و جامعه» در این است که تحولات فناورانه را نه به عنوان مجموعه ای از ابزارها، بلکه به مثابه دگرگونی در ساختار اجتماعی تحلیل می کند. این همان چیزی است که در بسیاری از مطالعات فناوری در ایران غالب مانده است. بخش بزرگی از گفت وگوهای ما درباره اینترنت و فناوری، یا فنی اند یا اخلاقی و سیاسی؛ اما کمتر به فناوری به عنوان «تولید اجتماعی» نگاه می کنند. نتیجه این می شود که هر تحول فناورانه، یا به عنوان تهدیدی آخرازمی فهم می شود یا به عنوان وعده های رهایی بخش. در حالی که کاستلز دقیقاً نشان می دهد فناوری چگونه در دل ساختارهای قدرت، فرهنگ، نابرابری و زندگی روزمره عمل می کند. کتاب در زمانی نوشته شده که هنوز «جامعه پلتفرمی» به شکل امروزی ظهور نکرده بود، اما بسیاری از روندهای این کتاب امروز با آنها زندگی می کنیم، به شکلی پیشگویانه توضیح می دهد: فشرده شدن زمان و مکان، اتصال دائمی، شکل گیری شبکه های انتخابی، بازنهاری حریم خصوصی، تغییر زبان ارتباطی و حتی ظهور اشکال جدید بسنج سیاسی مبتنی بر ارتباطات موبایلی. وقتی امروز درباره اقتصاد دیجیتال، سیاست شبکه های، فرسودگی دیجیتال یا زندگی همواره آنلاین حرف می زنیم، در واقع در امتداد همان تحولی ایستاده ایم که کاستلز اولین نشانه های آن را ثبت می کرد.

از سوی دیگر، ترجمه جلیب آثاری برای ایرانی ها فقط یک کار آکادمیک نیست؛ نوعی بازسازی حافظه نظری است. در بسیاری از حوزه های علوم انسانی و اجتماعی ایران، ما مستقیماً از روی موج های روز حرکت می کنیم، بی آنکه لایه های تاریخی نظریه را با شناسیم. پژوهشگری که امروز درباره هوش مصنوعی، پلتفرم ها یا شبکه های اجتماعی تحقیق می کند، اگر نداند جامعه شبکه ای چگونه فهم شد، چگونه می تواند تحولات بعدی را تحلیل کند؟ مشکل فقط کمبود داده یا فناوری نیست؛ مشکل، ضعف در فهم تابشهای اجتماعی تحولات است. این وضعیت را می توان در مواجهه ما با اینترنت نیز دید. ما معمولاً اینترنت را صرفاً به عنوان «ابزار» می بینیم؛ ابزاری برای سرگرمی، تجارت، کنترل یا حتی تهدید امنیتی. اما کمتر به این فکر می کنیم که اینترنت و ارتباطات موبایلی، پیش از هر چیزی، صورت جدیدی از سازمان یافتگی اجتماعی ایجاد کرده اند. صورت جدیدی از قدرت، هویت، زمان، کار و حتی تنهایی.

کاستلز از اولین متفکرانی بود که این تغییر را نه در سطح ابزار، بلکه در سطح ساختار اجتماعی فهم کرد. به همین دلیل کتاب که آثار او هنوز خواندنی اند؛ نه چون آینده را دقیق پیش بینی کرده، بلکه چون منطبق تحولات را توضیح داد. سختی، شاید امروز دیگر بسیاری از مثال های کتاب قدیمی شده باشند؛ اما درختی آمارها مربوط به عصر پیامک اند؛ بعضی مصادیق، متعلق به جهان پیش از گوشی های هوشمند. اما از زمان واقعی این کتاب در مثال ها، نیست؛ در چهارچوب تحلیلی آن است. همان طور که هنوز وبر برای فهم بوروکراسی می خوانیم یا مک لوهان را برای فهم رسانه، کاستلز همان ها، کاربان و عادت های اجتماعی عمل می کند. به بیان دیگر، وقتی از موبایل، اینترنت یا پلتفرم ها حرف می زنیم، در واقع از یک دستگاه حرف نمی زنیم؛ از یک نظم اجتماعی-فنی سخن می گویم. اهمیت این میدان برای جامعه ای مانند ایران دوچندان است، زیرا بسیاری از بحث های ما درباره فناوری هنوز در سطح سیاست روز، اخلاق عمومی یا کارکرد فنی متوقف می ماند. تاریخ اجتماعی فناوری کمک می کند بررسی فرآوردی که روزی به زمانی وارد جامعه شده، چه گروه هایی از آن سود برده اند، چه کسانی از دسترسی مؤثر محروم مانده اند، چه نوع مصرفی را طبیعی کرده، چه شکلی از قدرت را تقویت کرده و چه نوع زندگی روزمره ای ساخته است. روت شوارتز کوان، در مطالعات کلاسیک خود درباره فناوری های خانگی، نشان داد حتی ابزارهایی که ظاهر برای آسان تر کردن زندگی طراحی شده اند، می توانند در عمل شکل کار، کلاس، جنسیت، مصرف و انتظارات اجتماعی را بازنهاری کنند. بنابراین خواندن کاستلز نیز از همین منظر اهمیت دارد؛ او موبایل را نه به عنوان یک ابزار ارتباطی تازه، بلکه به عنوان نشانه ای از ورود جامعه به نظمی تازه از اتصال، تحرک، قدرت و زندگی روزمره بررسی می کند.

در احاطه شبکه ها

درآمدی پیشرفته بر جامعه دیجیتال مانوئل کاستلز تحلیلی جامع و چند حوزه ای است



مانوئل کاستلز در بین نظریه پردازان علم ارتباطات نویسنده ای متمایز است و جایگاهی ویژه دارد. از این رو اهمیت کتاب سه جلدی «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ» او که اولین بار در سال های پایانی سده بیستم منتشر شد، اهمیت ویژه ای دارد. کارل مارکس در سده نوزدهم دانسته اند. پس از آن کاستلز کتاب های مهم دیگری منتشر کرده که از جمله می توان به «کهکشان اینترنت»، «قدرت ارتباطات»، «کسیختگی: بحران لیبرال دموکراسی»، «بازگرم توهم در عصر اطلاعات» و «شبکه های خشم و امید: جنبش های اجتماعی در عصر اینترنت» اشاره کرد. کاستلز حوزه های جامعه شناسی شهری، مطالعات سازمانی، مطالعات فضای مجازی، جنبش های اجتماعی، جامعه شناسی فرهنگ و اقتصاد سیاسی را در کنار هم مطالعه کرده تا یک تحلیل بین رشته ای از جهان پیچیده رسانه ای شده امروز ارائه دهد. کاستلز در جدیدترین کتابش با عنوان «درآمدی پیشرفته بر جامعه دیجیتال / Digital introduction to digital society» نگاهی چندوجهی و تحلیلی به دگرگونی های ناشی از دیجیتالی شدن جوامع معاصر دارد که به نوعی ادامه و جمع بندی یافته های جامعه شناسی سده های سه گانه عصر اطلاعات است. بنابراین می توان گفت آنچه در این کتاب آمده

است معاشرت آنلاین می تواند مکمل معاشرت آفلاین باشد و حتی به افزایش رضایت از زندگی و توانمندسازی گروه های به حاشیه رانده شده کمک کند.

کتاب «درآمدی پیشرفته بر جامعه دیجیتال» در ادامه به نقش شبکه ها در تولید قدرت و مقابله با آن می پردازد. به اعتقاد کاستلز، بازیگران دولتی، شرکت های چند ملیتی، فناوری، شبکه های اجتماعی و بازیگران اجتماعی همه درون شبکه های عملی می کنند که توان جسمانی و نادین را بازتولید می کنند. همزمان، امکان مقابله و اعتراض نیز از طریق همین شبکه ها پدید می آید؛ بنابراین دیجیتال شدن هم ابزار تسلط و هم بستر مقاومت است. این تحلیل ابزار مهمی برای فهم شکل های جدید سیاست زوری فراهم می کند. ویژگی اصلی این کتاب در توانایی کاستلز در پیوند دادن تحول دیجیتال به نظریه کاستلز رزوند ستابان دیجیتال شدن را دنبال کرده و تأکید دارد این تحولات نه تنها ارتباطات انسانی، بلکه خود مفهوم ارتباطی جمعی را مطرح کرده و توضیح می دهد چگونه شبکه های اجتماعی و رسانه های دیجیتال شکل های جدیدی در معاشرت، هویت یابی و گروه بندی را به وجود آورده اند و با تحلیل داده های پژوهشی، باورهای رایج درباره انزوا و دیجیتال را به چالش کشیده و معتقد

در شبکه ها سازمان می یابند و منطبق شبکه ها به کل عرصه اعمال انسانی رسوخ می کند. اگرچه شبکه ها همیشه وجود داشته اند، اما شبکه های دارای اهمیت راهبردی معاصر که ساختار اجتماعی را شکل می دهند، برآمدن فناوری های ارتباط دیجیتال هستند که انعطاف پذیری، مقیاس پذیری و تاب آوری این شبکه ها را به سرعت افزایش می دهند.» کاستلز طرح فکری زیربنای کتاب «درآمدی پیشرفته بر جامعه دیجیتال» را «تلاش برای حرکت از سرگسستگی کژاگاهانه به هوشیاری آگاهانه تجربه انسانی جدید» می داند. او شواهد کاملی از جامعه ای پیکربندی جامعه دیجیتال ارائه می دهد و رابطه بین این جامعه با سرمایه داری داده محور، جایی که داده ها به منبع اصلی ارزش و کنترل تبدیل شده اند، نظارت دولتی و حریم خصوصی را می کاود. یکی از نقاط قوت کتاب، چنانکه منتقدان برجسته ای چون سارا بانث وایزر (رئیس مؤسسه ارتباطات انبرگ دانشگاه پنسیلوانیا) می نویسند: «در سده بیست و یکم ساختار اجتماعی جدیدی در سرتاسر جهان به مثابه شکل رایج سازمان در همه حوزه های زندگی انسان ظهور کرده است. من مدتی پیش این ساختار اجتماعی را جامعه شبکه ای نامیده ام. باورهای رایج درباره انزوا و دیجیتال را به چالش کشیده و معتقد



درآمدی پیشرفته بر جامعه دیجیتال

- نویسنده: مانوئل کاستلز
- مترجم: مجتبی قلی پور
- انتشارات: مرکز
- تعداد صفحات: ۱۸۶ صفحه
- قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

درباره هوش فراترسانی دوری کرده و تمرکز خود را بر چشم انداز واقعی کاهش آزادی فردی و کیفیت زندگی قرار می دهد. به باور کاستلز، جامعه شبکه ای بر اساس تاریخ و فرهنگ هر کشور و موقعیت خاص آن در درون شبکه های جهانی سازمان دهنده زندگی در سیهار، خود را در سازمان های اجتماعی متفاوتی جلوه گر می سازد. به همین شکل جامعه دیجیتال و مجموعه وسیع فناوری های جدیدش، بسته به اینکه چه کسی و برای چه هدفی از هر فناوری استفاده می کند، تأثیرات متفاوت و حتی متضادی بر انسان ها و طبیعت دارد.

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر: هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۷۲۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشتریان: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دوازده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

امام علی (ع):
 جان شما را بهایی جز بهشت نیست؛ آن را جز روز به بهشت نفروشید.



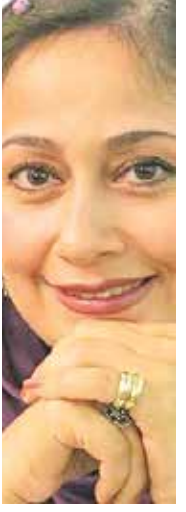
غزل حکم در الکلم

در حوزه بازی نیازمند مطالعات فرهنگی هستیم

آنچه امروز در جهان جدید با آن مواجه هستیم، اقتضات خاص خود را دارد. به طور طبیعی، هر جامعه‌ای باید تلاش کند فرزند زمانه خود باشد. اگر در سیاست‌گذاری این حوزه، به اقتضات جهانی و همچنین شرایط و ویژگی‌های جامعه ایران توجه نکنیم، امکان جبران عقب‌ماندگی‌ها بسیار دشوار خواهد بود.

ما در عصر زندگی می‌کنیم که کوچک‌ترین غفلت می‌تواند به عقب‌افتادگی‌هایی صدساله و حتی بیشتر منجر شود. دریای دیجیتال، عصر فضای دیجیتال، جایی است که هر کس به اندازه وسع و حضور خود از آن بهره می‌گیرد و استفاده می‌کند. هنر ما این است که بتوانیم با محتوای فاخر و محتوایی که ارزش‌ها، فرهنگ و تمدن و میراث ما را نشان دهد، بازگو کنیم. محتوایی که بومی نیست، پیاپی جهانی است و حوزه بازی می‌تواند به ما کمک کند که این فرهنگ را انتقال دهیم.

حسین میرزایی، رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سمینار «بازی‌های ویدیویی و دیپلماسی عمومی»



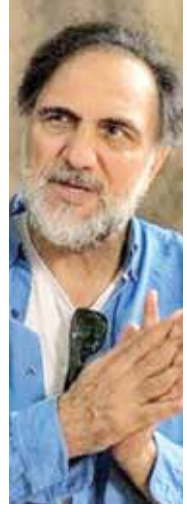
وداع با «بهناز نازی»

زمان تشییع پیکر بهناز نازی، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون اعلام شد. پیکر این هنرمند که عصر شنبه ۲۶ اردیبهشت پس از دوره‌ای بیماری درگذشت، ساعت ۱۰ صبح دوشنبه ۲۸ اردیبهشت از مقابل تالار وحدت تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) به خاک سپرده می‌شود. نازی ۵۶ ساله از بازیگران شناخته‌شده تئاتر و عضو گروه «شایا» بود و در نمایش‌هایی چون «سقراط»، «شواپک سرباز ساده‌دل»، «مکبث» و «آژاکس» روی صحنه رفت. او در سینما و تلویزیون نیز در آثار چون «دل می‌خواهد»، «جبران» و «آزایل» ایفای نقش کرده بود. **ایسنا**



موضوع «خاویر باردِم» درباره غزه

خاویر باردِم، بازیگر اسپانیایی سینما، در حاشیه جشنواره فیلم کن از تغییر روایت‌ها درباره جنگ غزه سخن گفت. او که پیش‌تر در مراسم اسکار با شعار «نه به جنگ و فلسطین را آزاد کنید» موضع خود را اعلام کرده بود، تأکید کرد بیان دیدگاه شخصی اهمیت دارد، حتی اگر با مخالفت‌هایی همراه شود. باردِم گفت با وجود این موضوع‌گیری‌ها همچنان پیشنهادهای کاری دریافت می‌کند و به نظریه رسد فضای روایت‌ها در حال تغییر است. او امسال با فیلم «محبوب» ساخته رودریگو سوروگوبین در جشنواره کن حضور دارد. **ایرنا**



عاشقانه تازه «حسن فتحی»

حسن فتحی ساخت سریال تازه خود با عنوان «ده پهلوان» را از اوایل تیرماه آغاز می‌کند. این مجموعه در دو فصل ۱۳ قسمتی برای پخش از یوتیوب و نتفلیکس تولید می‌شود و تهیه‌کنندگی آن را زینب تقوایی برعهده دارد. «ده پهلوان» روایت عاشقانه‌ای در بستر دوران صفوی است که طرح اولیه آن حدود ۱۵ سال پیش شکل گرفته بود. این پروژه پس از طی مراحل نگارش و پیش‌تولید و با پایان ساخت دکور دولخانه قزوین وارد مرحله فیلمبرداری می‌شود. فتحی پیش‌تر سریال‌هایی چون «شهرزاد»، «جبران» و «آزایل» را کارگردانی کرده است. **امهر**

در ستایش «حسین محبوبی»، نقاش برجسته ایرانی در آستانه ۹۶ سالگی

نجیب و صلح دوست



محبوبی نه به مکتب کمال‌الملک وفادار ماند، نه به موج نو نقاشی ایران دل بست. او راه راهی میان واقع‌گرایی و خیال‌رایی که گویی از ذهن خیام، حافظ و قلم‌موی او تجسم یافته است

بی‌نواوری رادیکال؛ بلکه آنچه کرد، بازآفرینی رویای ایرانی بود در قاپ امروز. دماوند، بلندترین قله ایران، بارها در آثار محبوبی دیده می‌شود.

این کوه نه تنها یک عنصر طبیعی است، بلکه نماد هویت ایرانی، شکوه و سرفرازی است. قرار گرفتن دماوند در پس‌زمینه تابلوهایش، تداعی‌گر پایداری، بزرگی و پیوند با اسطوره‌هاست.

دماوند در نگاه او همان قدر واقعی است که خیال‌انگیز؛ همان قدر زمینی که آسمانی.

در آثار محبوبی، انسان نیز حضور دارد، اما نه به صورت پرتزه یا بازنمایی مستقیم. زنان، اغلب با پوشش سنتی و در حال حرکت، بی‌آنکه چهره‌شان دیده شود، در میان مناظر حرکت می‌کنند.

این انسان‌ها، نمایندگان همه انسان‌ها هستند: بی‌نام، بی‌چهره، اما زنده و جاری در بوم. این حذف هویت فردی، نوعی فرافراز به جمعیّت، به مفهوم انسان کلی و پیوند او با طبیعت است.

رنگ در آثار محبوبی، یکی دیگر از ابزارهای بیان حس و حال است. رنگ‌هایش، اغلب ملایم، طبیعی و هماهنگ‌اند: سبزه‌های گوناگون، آبی‌های آرام، سفیدهای روشن، و گاه قرمزهایی زنده.

استفاده از این رنگ‌ها نه صرفاً به خاطر زیبایی بصری، بلکه برای ایجاد آرامش، توازن و القای نوعی عرفان تصویری است. رنگ در این آثار، صدا دارد؛ صدایی نرم، نواگونه، همچون لالایی مادرانه.

نگاه جهانی به آثار محبوبی نیز درخور توجه است. در نمایشگاه‌های متعدد داخلی و خارجی، تابلوهای او مخاطبانی را از فرهنگ‌های گوناگون جذب کرده‌اند. شاید راز این ارتباط، در همان جهانی بودن عناصر طبیعت نهفته باشد.

مخاطب آلمانی، ژاپنی یا آمریکایی، گرچه شاید معنای دقیق سپیدار یا سب در فرهنگ ایرانی را ندانند، اما با تصویر طبیعتی آرام، منسجم و خیال‌انگیز، ارتباط برقرار می‌کنند. نقاشی‌های محبوبی، جهانی‌اند چون از دل یک زیست‌بوم صادقانه بیرون آمده‌اند. نکته جالب در سیر کاری محبوبی،

حسین محبوبی در گفت‌وگو با «ایران»: هنر باید حال انسان را بهتر کند

گفت‌وگو

سعیده احسانی‌راد گروه فرهنگی

است؛ شاعری که با سروده‌هایش زیبایی و شکوه ایران را به تصویر کشیده است.

این روحیه وطن دوستی که در کارهای شما دیده می‌شود از کجاریشه می‌گیرد؟

معلوم است؛ این احساس از عشق به ایران می‌آید. ایران برای من سرزمین مقدسی است؛ زادگاه تمدن. حتی تابلوهای با نام «ایران» کار کرده‌ام.

پژوهش‌هایی هم درباره مسیرهای تمدنی انجام شده که نشان می‌دهد گسترش تمدن از این سرزمین به دیگر مناطق جهان رسیده است. به همین دلیل همیشه سعی کرده‌ام در آثارم این حس و این ریشه‌ها را نشان بدهم.

هنوز در ۹۶ سالگی سرشار از انرژی و انگیزه هستید. این انرژی و پویایی ناشی از کارهایتان دیده می‌شود از کجا می‌آید؟

من از درخت الهام می‌گیرم. برای من درخت سمبل زندگی، حرکت و زیبایی است. در آثارم حرکت از پایین به بالا نشان می‌دهم؛ گویی انسان از تاریکی به سبزی و روشایی و شادی حرکت می‌کند. هنر باید انسان را به سمت امید، زیبایی و زندگی هدایت کند.

در بسیاری از کارهای شما طبیعت و نمادهایی مثل دماوند دیده می‌شود. دلیل این علاقه چیست؟

خب برای اینکه طبیعت ایران بی‌نظیر است. شاید بخشی از این علاقه به این دلیل باشد که من در شمال کشور به دنیا آمده‌ام و از نزدیک با طبیعت بکر آن آشنا بوده‌ام. اما در حقیقت همه جای ایران زیباست؛ حتی کارهای دور، بر بوم سفید می‌دمد؛ که از دیرباز قانون فرهنگ و تمدن بوده و بسیاری از جلوه‌های زیبایی فرهنگ بشری از اینجا به دیگر نقاط جهان گسترش یافته است. به هر حال این سرزمین برای ما واقعاً مقدس است. فردوسی نمونه بارز عشق ایران در جهان بیفزاید.

دیپلماسی فرهنگی را نداشته باشد. امروزه در علوم سیاسی این مسأله بشدت مورد توجه قرار گرفته که افتخارات فرهنگی، هنری و ورزشی می‌تواند به قدرت سیاسی یک کشور در عرصه بین‌المللی بیفزاید.

پیش از فرهادی کسانی مثل عباس کیارستمی و مجید مجیدی هم با درخشش در عرصه‌های بین‌المللی موفق شدند فارغ از افتخارات سیاسی-هنری بر اعتبار سیاسی ایران در جهان بیفزایند.

همین که نام ایران در رسانه‌های کشورهای مختلف دنیا با ارجاع به موفقیت‌ها و افتخاراتش برده می‌شود یک سرمایه اجتماعی جهانی به وجود

استمرار و وفاداری او به زبان شخصی‌اش است. در دورانی که بسیاری از هنرمندان به تجربه‌گرایی صرف یا دنباله‌روی از موج‌های جهانی روی آوردند، او بر همان جهان‌شعرانه‌اش پای فشرد و همین ثبات، رمز ماندگاری اوست. ثباتی که از تکرار نمی‌آید، بلکه از عمق می‌آید.

هر تابلو، انگار درجه‌ای تازه به همان جهان آشناست؛ و این ویژگی، تنها در آثار نقاشی از نقاشان بزرگ دیده می‌شود. نقاشی‌های حسین محبوبی، می‌توانند بر دیوار خانه‌ای در تهران یا گالری‌ای در پاریس یا موزه‌ای در توکیو باشند و همان حس آرامش، زیبایی و درنگ را به مخاطب منتقل کنند. در روزگاری که تصویرها، پرسرعت و پربهاو شده‌اند، او همچنان ایستاده است؛ با تابلوهای که مجال مکت می‌هند، مجال تأمل، مجال نفس کشیدن.

امروز، در آستانه نود و ششمین سالروز تولدش، محبوبی همچنان می‌اندیشد، می‌بیند، و اگر نه به اندازه گذشته، اما هنوز نقاشی می‌کند. آثار او نه تنها حاصل دست، بلکه حاصل داند. در هر کدام از آنها، ردی از عمر، خاطره، و عشق به این سرزمین پیداست. او یکی از واپسین بازماندگان نسلی است که هنوز به رویا ایمان دارد، که طبیعت را نه موضوع نقاشی، بلکه همدم آن می‌داند.

حسین محبوبی، همان گونه که پارک ساعی را برای قدم‌زدن مردمان تهران طراحی کرد، باغ‌هایی نیز بر بوم آفریده است برای گردش چشم و جان.

او همچنان با درخت، اسب، دماوند، و باران سخن می‌گوید؛ به زبانی که نه‌نیازی به ترجمه دارد و نه به تفسیر.

بار آزروی آن که این سرزمین، همچنان زمینه‌ساز پرورش طبیعتی باشد که در محبوبی، در سکوت و فروتنی، جهانی را درگرون می‌کند.

استاد محبوبی! امروز نود و ششمین سالگرد تولد شماست؛ درباره زادگاه‌تان و ایران دوستی در آثارتان بگویید؟

خدا را شکر هنوز در ۹۶ سالگی نقاشی می‌کنم. در تابلوی دومتر در دومتر با نقاشی، این زبان، زبان زیبایی عالم، حرف‌هایم را می‌گویم. تابلویی دارم به نام «دره خدا» که تم اتم دارد. کل عالم از اتم درست شده است. سمبل حرکت و زیبایی و این دوز ویژگی‌های کارم است. با اینکه از نظر فلسفی کارهایم به نوعی اعتراض به انسان برای خراب کردن طبیعت است. اعتراض به اینکه چرا طبیعت را تخریب می‌کند و چرا نزدیک ۲۰۰ نوع موجود توسط انسان‌ها از بین می‌رود. بسیار خوشحالم که در سرزمین زندگی می‌کنیم که زادگاه تمدن است. این سرزمینی است که از دیرباز قانون فرهنگ و تمدن بوده و بسیاری از جلوه‌های زیبایی فرهنگ بشری از اینجا به دیگر نقاط جهان گسترش یافته است. به هر حال این سرزمین برای ما واقعاً مقدس است. فردوسی نمونه بارز عشق ایران در جهان بیفزاید.

پتانجوه به یک عمر کار و تجربه هنری آیا پیامی برای هنرمندان جوان دارید؟

به نظر من هنرمند باید با امید و عشق کار کند. من همیشه تلاش کرده‌ام در آثارم رنگ‌ها و فضاهای خلق کنم که امیدآفرین باشد. دنیا با همه سختی‌هایش همچنان جای زندگی و زیبایی است. هنر می‌تواند حال انسان‌ها را بهتر کند و این مسئولیت مهمی برای هنرمندان است.



کارکردهای فراسینمایی حضور فرهادی در جشنواره کن فیلمساز در مقام نماینده فرهنگی

یادداشت

رضاصانعی دبیر گروه فرهنگی

مضاعف محسوب می‌شود و کارکردی فرهنگی و اجتماعی دارد. در روزگاری که کشور ما در شرایط جنگ تحمیلی قرار دارد و در واقع در کانون اخبار در رسانه‌های هنری‌اش هویداست. یک فیلم از فیلمساز ایرانی می‌تواند ریشه‌های فرهنگی تمدن ایرانی را بار دیگر در افکار عمومی و آذهای جهانی برجسته کرده و نشان دهد ایران کشور تمدنی است و صاحب فرهنگ صلح‌اندیشانه که در روایت‌های هنری‌اش هویداست. در جهان امروز فرهنگ برخلاف نظر مارکس، روبنا، بازتاب و انعکاسی از نظام معیشتی و اقتصادی نیست. فرهنگ خود به زیربنای نظم نوین جهانی بدل شده که حتی اقتصاد و مناسبات آن را نیز طبق معادلات خود صورت‌بندی می‌کند. به طوری که آنچه بر جهان امروز استیلا یافته اقتصاد فرهنگ است نه فرهنگ اقتصاد؛ در میان ابزارهای گوناگون فرهنگی شاید هیچ چیز به اندازه سینما در جهان تصویری امروز قابلیت و ظرفیت تبدیل شدن به

گرچه هنوز «داستان‌های موزایی»، فیلم جدیدی را ندیده‌ایم و هنوز نمی‌دانیم که این فیلم می‌تواند افتخار و اعتبار تازه‌ای را برای سینمای ایران ثبت کند یا نه، اما صرف حضور او به عنوان یک فیلمساز ایرانی که اولین نمایش فیلمش با اقبال رسانه‌ای و واکنش‌های اغلب مثبت مخاطبان در جشنواره کن همراه شده خود یک امتیاز برای سینمای ایران است که ظرفیت‌های فرهنگی این مدیوم در سطح جهانی و مناسبات بین‌المللی را آشکار می‌کند و پرچم سینمای ایران را در دل اروپا و قلب فرانسه بالا نگه می‌دارد. واقعیت این است که حضور سینماگران و فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های معتبر در شرایط کنونی یک امتیاز

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه

سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

شرکت پتروشیمی صدف خلیج فارس (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۲۶۸۵۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۵۶۳۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم، نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پتروشیمی صدف خلیج فارس (سهامی خاص) که رأس ساعت ۱۱:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ به آدرس: تهران - ضلع غربی میدان شیخ بهایی - پلاک ۱۸ - ساختمان رایان و نک - طبقه ۷ - واحد ۷۰۹ برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- استماع گزارش عملکرد هیأت‌مدیره، گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹.
- ۲- بررسی و تصویب صورت‌های مالی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹.
- ۳- انتخاب حسابرس مستقل و علی‌البدل شرکت و تعیین حق‌الزحمه ایشان برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹.
- ۴- تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره.
- ۵- تعیین روزنامه کنترال‌انتشار جهت درج آگهی‌های شرکت.
- ۶- بررسی و تصویب معاملات مشمول ماده ۱۲۹ قانون تجارت.
- ۷- انخاب اعضای هیأت مدیره.
- ۸- سایر مواردی که تصمیم‌گیری در خصوص آن در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می‌باشد.

سهامداران یا نمایندگان قانونی آنان می‌توانند به منظور اخذ برگ حضور از ساعت ۱۰:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ در دست داشتن مدارک شناسایی معتبر به محل برگزاری مجمع (آدرس فوق‌الذکر) مراجعه نمایند.

هیأت مدیره شرکت پتروشیمی صدف خلیج فارس (سهامی خاص)